

۵۲۸ کیهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده
جمعه ۱۴ تا پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۴ خورشیدی
سال چهل و دوم - شماره ۱۹۹۴



شانگهای

«راه هموار» برای «شرق»!

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت [کیهان نندن](#) مراجعه فرمایید

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت [کیهان لندن](#) مراجعه فرمایید

editorial@kayhan.london



در انگلستان تیم به پیتان بدو فیصله بدو گه می شد می دیدم که با منی از گردو و سمنان می کرد انگلیسی تیم به پیتان
از گردو و سمنان بدو فیصله بدو گه می شد می دیدم که با منی از گردو و سمنان می کرد انگلیسی تیم به پیتان
از گردو و سمنان بدو فیصله بدو گه می شد می دیدم که با منی از گردو و سمنان می کرد انگلیسی تیم به پیتان

[illegible]

نوشتہ: داریوش پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه ها و عاشقانه ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: 3012796778 و پان 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نهائید.
Web: www.pirnia.com  E-mail: pirnia@pirnia.com



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

 @KayhanLife

 @kayhanlife

 @KayhanLife

 <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

 @KayhanLondon

 @kayhanlondon

 @kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG

Tel: 0044 (0)20 3633 3684

e-mail:

info@kayhan.london

ads@kayhan.london

editorial@kayhan.london

www.kayhan.london

www.kayhanlife.com

❖❖❖❖❖

سال چهل و دوم

کیهان شماره ۱۹۹۴ (۵۲۸)

۱۴ تا ۲۰ شہر یور ۱۴۰۴

۵ تا ۱۱ سیتامبر ۲۰۲۵

کیمهان

فهرست مطالب

۴	 سرمقاله - اسرائیل تابویی که پهلوی شکست / الاهی بقرراط
۴-۵	 تیر هفته - شانگهای «راه هموار» برای «شرق» ... /
۶-۷	 روزنامه «اورشلیم پست»: غرب باید از طرح رضا پهلوی برای «دوران گذار» در ایران حمایت کند ... /
۷	 عقب نشینی جمهوری اسلامی کمتر از یک هفته پس از فعال شدن مکانیسم ماشه ... /
۸	 خروج نیروهای آمریکایی از پایگاه‌های «عین الاسد» و «ویکتوریا» ... /
۹	 برگزاری نشست شورای امنیت برای بررسی فعال ساختن «مکانیسم ماشه» ... /
۱۰	 واکنش‌ها به فعال شدن «مکانیسم ماشه»: طرح سه فوریتی «خروج از «ان پی تی» در مجلس ... /
۱۰-۱۱	 نشست شانگهای: توصیه خامنه‌ای به دولت: «تمام ابعاد توافق راهبردی با چین را عملیاتی کنید» ... /
۱۱	 سان بینتیوی اسلامی ... / خیر اندیش (احمد/حرار)
۱۲-۱۳	 پنج گلوله برای شاه (۳) ... / گفت و شنود محمود تربتی سنجایی با عبدالله ارگانی
۱۴	 رافائل گروسی در مصاحبه با «راد یو فرانسه»: هیچ سائیتی به دلیل حمله نظامی از بازرسی معاف نمی شود ... /
۱۵	 درخواست سناتور تام کاتن از وزیر دفاع رئیس آف بی آی برای تحقیق درباره شبکه نفوذ ... /
۱۶	 حمله حوثی‌ها به یک نفتکش اسرائیلی در دریای سرخ ... /
۱۶-۱۷	 رئیس سازمان انرژی اتمی: باز رسان آژانس بین المللی انرژی اتمی پس از نظارت ایران را ترک کردند ... /
۱۷	 آلمان به شهروندان خود هشدار داد هر چه زودتر ایران را ترک کنند ... /
۱۸-۱۹	 پول و پاسپورت: چارژیم دست به دامان ایرانیان خارج کشور شد ... / اس. روزبه
۱۹	 دوران محمدرضا شاهی: نه «حکمرانی»، بلکه کشورداری و ... (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۱۹	 پیامدهای اقتصادی بازگشت تحریم‌های بین المللی در گفتگو با دکتر حسن منصور ... /
۲۰-۲۱	 پیاده‌ها؛ فناوری مدرن در خدمت مقاومت مدنی ایران ... / ادوید اعتباری
۲۱	 دوران محمدرضا شاهی: اتم برای رشد و رفاه (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۲۱	 قطار اتمی! ... / بهنام محمدی
۲۲	 هور العظیم: تالابی در محاصره آتش: نمادی از فروپاشی اکولوژیک و «حکمرانی» سرزمینی ... / بائولا متکی
۲۳	 هشدار به حکومت درباره پیامدهای عدم توافق با آمریکا ... /
۲۴-۲۵	 اندیشکده بریتانیایی «هنری جکسون»: فروپاشی جمهوری اسلامی، ضرورتی برای ثبات در منطقه؟ ... /
۲۶	 هشدار اردوغان به یونانیان در حاشیه نشست شانگهای: با آمریکا مذاکره کنید تا جنگ نشود ... /
۲۶-۲۷	 ادعای «نشانال اینترست»: شهرهای موشکی جمهوری اسلامی در حملات اسرائیل آسیب ندیده‌اند ... /
۲۸-۲۹	 از عشق تا مالیخولیا: باز نمایی خطر ناک رابطه مر دوزن در سریال «تاسیان» ... / گلناز ابراهیمی
۲۹	 بحران اعدام در ایران: دست کم ۱۴۲ زندانی در ماه اوت اعدام شدند ... /
۳۰	 فرو افتنی وزیر نیرو درباره بحران کمبود آب و انرژی: از دولت رئیسی تا خرابکاری دشمن! ... /
۳۱	 جمهوری اسلامی همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی را تعلیق کرده است ... /
۳۲	 آغاز دور تازه‌ای از اعتراضات صنفی در شهرهای مختلف ایران ... /
۳۳	 فایننشال تایمز: «ملی گرایی» برای رژیم مشروعیت نمی آورد ... /
۳۴	 ازدواج کودکان در مسجدی در بریتانیا ... / بتکین آذر مهر
۳۵	 اختلاف بر سر «مذاکره با آمریکا»: معاون سیاسی سپاه پاسداران: «مقاومت» تنها راه است! ... /
۳۶-۳۷	 رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی: ادعاهای وزیر نیرو درباره علت کمبود برق «کذب محض» و ... /
۳۷	 جلب حمایت با حراج منابع ملی ... / بهنام محمدی
۳۸	 «کاهش افزایش» قیمت ارز در بازار ایران موقتی است ... /
۳۹	 شکایت ایمان خلیف به دادگاه در پی منع او از مسابقات بوکس زنان ... /
۴۰-۴۱	 ایران یکبار دیگر کهن ترین تمدن جهان شناخته شد ... /
۴۱	 خسرو علی کردی و کیل زندانیان سیاسی از تحصیل در مقطع دکتر محروم شد ... /
۴۲	 موج گرانی و فقر پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی ... /
۴۳	 خانواده‌های حقوق بگیر، گرفتار در گرداب هزینه‌های فزاینده و دستمزدهای ناچیز ... /
۴۴	 خطر بیخ گوش صنایع بزرگ ایران: از بحران انرژی و کاهش صادرات تا مکانیسم ماشه! ... /
۴۵	 هزینه‌های چند صد میلیون تومانی برای بستری کردن بیماران ... /
۴۶-۴۷	 رشد منفی اقتصاد ایران در دومه پاییز: روزهای دشوارتری در راه است ... /
۴۷-۴۸	 سیاست‌های تیم اقتصادی دولت یزیدیان عامل افزایش تلاطم و بی ثباتی در اقتصاد کشور ... /
۴۸-۴۹	 امنیت غذایی ایران باز پیچه ناکارآمدی و ناتوانی وزیر جهاد کشاورزی ... /
۵۰	 مکانیسم ماشه: کابوس جدید اقتصاد دیجیتال در ایران ... /
۵۱	 فاجعه مهاجرت ۵۷۰ پرستار از ایران فقط طی پنج ماه ... /
۵۳-۵۲	 خبرهای کوتاه ... /
۵۴	 پشت جلد - عکس هفته / به تر تیب قد!



باز نشر
باز نشر

تیر هفته

شانگهای «راه هموار» برای «شرق»!



● چین و روسیه خواهان ادامه حیات جمهوری اسلامی هستند، زیرا ایران با این رژیم نخواهد نتوانست نقشی بیش از در پیروزی حمایت توسط جمهوری اسلامی از این دو قدرت جهانی داشته باشند.

غربی باید با آن روبرو شوند.»

مهم ترین نشست شانگهای

بدون شک حضور رهبران ده کشور عضو «پیمان همکاری شانگهای» و ده کشور دیگر در تیانجین را که یا مانند ترکیه و پادشاهی سعودی خواهان پیوستن به این گروه هستند یا به عنوان ناظر در آن شرکت داشتند، می توان مهم ترین نشست این گروه از بدو تأسیس به حساب آورد. «پیمان همکاری شانگهای» در سال ۲۰۰۱ میلادی توسط کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان به وجود آمد. در سالهای بعد جمهوری اسلامی، بلاروس، پاکستان و هند نیز به آن پیوستند. در این نشست بسیاری اصرار داشتند که روند پیوستن ترکیه به عنوان عضو ناتو و پادشاهی عربستان سعودی به عنوان یک قدرت مسلمان نشین در منطقه خاورمیانه تسریع شود زیرا با پیوستن این دو کشور موقعیت سیاسی، اقتصادی و ژئوپولیتیک این پیمان ارتقاء یافته و خواهد توانست نقش مهم تری در صحنه جهانی به عهده گیرد.

پیمانی با دو و نیم میلیارد جمعیت و سهم ۴۰ درصدی در اقتصاد جهان

این پیمان در شکل کنونی اش با دو و نیم میلیارد

جمهوری اسلامی در آستانه بازگشت تحریم های بین المللی که پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه» از سوی سه کشور اروپائی فرانسه، آلمان و بریتانیا، که از امضا کنندگان توافق هسته ای موسوم به برجام هستند، بار دیگر نگاه خود را متوجه «شرق» کرده است.

سفر اخیر مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم به جمهوری خلق چین برای شرکت در نشست کشورهای عضو «شورای همکاری شانگهای» با دستور اکید علی خامنه ای مبنی بر جلب حمایت پکن و مسکو در شرایط بحرانی کنونی از این نظر هستند که این حمایت در سطح لفظی و بیانیهای باقی خواهد ماند و جنبه های عملی چشمگیری نخواهد داشت.

آنچه را در نشست «تیانجین» شاهد بودیم، می توان در سخنان کایا کالاس مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اتحادیه اروپا خلاصه کرد. کایا کالاس حضور رهبران چین، روسیه، کره شمالی و جمهوری اسلامی را در یک رژه نظامی در پکن نماد تشکیل یک «ائتلاف استبدادی» با هدف «به چالش کشیدن نظم بین المللی مبتنی بر قانون» خواند. از دید مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اتحادیه اروپا این حضور را نمی توان تنها «نهادین» دانست، بلکه «واقعیتی است که کشورهای

سرمقاله اسرائیل تابویی که پهلوی شکست

وقتی افراد و گروه ها و حکومت ها اسیر ایدئولوژی های بسته ای زمینی یا آسمانی باشند که سیاست را نه در خدمت خیر همگانی و منافع ملی و همزیستی منطقه ای و جهانی بلکه ابزاری برای تحمیل عقاید و اهداف خود بر دیگران بدانند، آنوقت از هر آنچه بر این عقیده منطبق نیست، تابو نیز می سازند. از این تابوها در اسلام سیاسی بسیار است که از مشهورترین آنها می توان به داشتن رابطه عادی با «آمریکا» و «اسرائیل» اشاره کرد. در مورد آمریکا، به دلایل مختلف از جمله اینکه تا اطلاع ثانوی یک «ابرقدرت» است، می تواند به «مذاکره» و «معامله» هم برسد! به ویژه آنکه پیش بینی همراه با شادی خصمانه در ارتباط با افول آمریکا در برابر ابرقدرت شدن چین که دست کم سه دهه



بنیامین نتانیاهو، سارا نتانیاهو، شاهزاده رضا پهلوی، بانو یاسمین پهلوی و گیلا گاملیل پس از گفتگوی دو جانبه شاهزاده و نتانیاهو در دفتر نخست وزیر / ۱۹ آوریل ۲۰۲۳

است درباره اش سخن گفته می شود تا کنون تحقق نیافته است! در مورد اسرائیل اما موضوع فرق می کند. هرچند پنهانی می شود از تسلیحات آن مثلا در جنگ با عراق بهره برد اما حتا اگر از نابودی آن نیز فعلا صرف نظر شود، روابط عادی با آن، بزرگترین تابوی جمهوری اسلامی است.

پیش از ۵۷ چه آمریکا و چه اسرائیل و فلسطین نه موضوع حکومت و نه موضوع جامعه ایران بود. اساسا تابویی در سیاست های داخلی و خارجی وجود نداشت. حتا آنچه در فرهنگ جامعه و سیاست آمریکا در دوران جنگ سرد «تابو» به شمار می رفت، یعنی «شوری» و «کمونیسم»، جدا از شیطنتهای احزاب ایرانی وابسته و خود دولت شوروی برای دخالت در امور ایران، حکومت پهلوی اما ثابت کرد که می تواند با کمونیست های چین و شوروی نیز به سود ایران روابط عادی و خوبی داشته باشد در حالی که همزمان با آمریکا و اسرائیل و همچنین ترکیه و پاکستان و افغانستان و کشورهای عرب منطقه نیز مناسبات عادی و همچنین دوستانه داشت.

بر اساس همان منش سیاسی، سفر شاهزاده رضا پهلوی و همسرش بانو یاسمین و هیأتی از ایرانیان همراه به اسرائیل در آوریل ۲۰۲۳ و دیدار و گفتگو با بالاترین مقامات آن کشور، نه تنها شکستن تابوی جمهوری اسلامی بود بلکه بر این ضرورت تأکید داشت که ایرانیان برای نجات کشورشان به حمایت کشورهای خارجی از جمله در منطقه نیاز دارند. اعزام یک هیئت سیاسی- علمی از سوی وی به اسرائیل را که هفته گذشته همراه با دیدارهایی با رئیس جمهور و دیگر مقامات این کشور صورت گرفت، می بایست در همین مسیر ارزیابی کرد.

حمایت ملت و حکومت اسرائیل به عنوان یک قدرت بارز منطقه ای از مبارزه مردم ایران و همسو با تلاش های شاهزاده رضا پهلوی و تأکید بر نقش آنها برای تغییر رژیم، یک امتیاز مهم به سود ایران و منافع ملی آن به شمار می رود و در عین حال اهمیت تلاش برای جلب حمایت همسایگان و کشورهای منطقه را که اسرائیل نیز با آنها مناسبات عادی و یا خوب دارد مطرح می سازد. در حالی که غرب با وجود فشار بر جمهوری اسلامی هنوز برای حمایت حداکثری از مردم ایران ایندست و آندست می کند، علاوه بر اسرائیل که به دلایل تاریخی و دفاع از موجودیت خود پیشگام این حمایت شده، تلاش برای گسترش چنین حمایت هایی به دیگر کشورهای منطقه رابطه ی مستقیم با تضعیف بیشتر جمهوری اسلامی و تقویت جنبش آزادی خواهانه در ایران دارد. روند صلح و همزیستی در یک خاورمیانه ای امن و بدون جمهوری اسلامی مدت ها است که آغاز شده و نام آن با ایران و پهلوی و دو پیمان ابراهیم و کوروش با اسرائیل گره خورده است.

خرانه‌داری آمریکا چند شرکت چینی را تحریم کرد. جمهوری اسلامی انتظار داشت بتواند سوخت جامد برای موشک‌های خود را از چین وارد کند، که گویا پاسخ منفی گرفته است. نباید از نظر دور داشت که در جریان جنگ دوازده روزه، نه پکن و نه مسکو هیچکدام گامی فراتر

راه‌پردی، این راه را هموار می‌کند.» اشاره علی خامنه‌ای به «توافق راه‌پردی ۲۵ ساله»ی جمهوری اسلامی با جمهوری خلق چین است که در فروردین ۱۴۰۰ در دولت حسن روحانی به امضا رسید. توافقی که مفاد آن از یکسو به «ایران‌فروشی» معروف شد و از سوی دیگر پکن نه تنها به

جمعیت و ۳۰ تریلیارد دلار تولید اقتصادی که برابر با ۴۰ درصد از اقتصاد جهانی است، واقعیتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. البته سهم جمهوری اسلامی در مبادلات اقتصادی با دیگر کشورهای عضو بسیار ناچیز است آنهم در حالی که خود چین مشتری اصلی و تقریباً



از یک بیانیه در محکومیت حمله اسرائیل به نواحی در ایران بر نداشتند و اگر جمهوری اسلامی همچنان نگاهش به شرق بود، ولی شرق نگاهش به اسرائیل و آنسوی خلیج فارس بود.

هیچکدام از سرمایه‌گذاری‌هایی که وعده داده بود عمل نکرد، بلکه بر عکس؛ پس از امضای این توافق و در پیامد تحریم‌های آمریکا، حضور اقتصادی چین در ایران کاهش یافت.

منحصر به فرد نفت ایران در شرایط کنونی است. البته نفتی که بهای آن را در پیامد تحریم‌های آمریکا با تخفیفی بین ۶ تا ۱۲ دلار برای هر بشکه از جمهوری اسلامی خریداری می‌کند. با احتساب صادرات حدود یک میلیون و چهارصد هزار بشکه در روز، این تخفیف بین ۸.۴ تا ۱۶.۸ میلیون دلار در روز است و به این ترتیب در طول یک سال بیش از ۶ میلیارد دلار کمتر وارد خزانه دولتی در ایران می‌شود. رقمی بسیار بالا برای اقتصاد نحیف جمهوری اسلامی، اگرچه با توجه به ابعاد اقتصادی چین، برای این کشور رقم بسیار بالائی نیست. دقیقاً به همین خاطر برخی از کارشناسان معتقدند که با بازگشت تحریم‌های بین‌المللی، در صورتی که واقعا نظارتی صورت گیرد، چین به آسانی می‌تواند جایگزینی برای نفت وارداتی از ایران پیدا کند، در حالی که برای جمهوری اسلامی یافتن مشتری تقریباً غیرممکن خواهد بود.

حمایت لفظی چین و روسیه

سیاست «نگاه به شرق» علی خامنه‌ای نمی‌تواند پاسخ موثری به سیاست فشار حداکثری کشورهای غربی و به ویژه در صورت اجرای دوباره‌ی تحریم‌های بین‌المللی باشد. اجلاس اخیر تیانجین و دیدارهای مسعود پزشکیان با مقامات چینی و روسی نتوانست حمایت‌های آنها را از سطح نمادین به حوزه عملی بکشاند، در صورتی که پکن و مسکو همچنان از کارت جمهوری اسلامی در روابط خود با جهان غرب به عنوان مترسک استفاده می‌کنند. مسعود پزشکیان در جریان این سفر حتی نتوانست تضمینی برای ادامه فروش نفت را با تخفیف بالا در صورت بازگشت تحریم‌های بین‌المللی دریافت کند. کشورهای عضو «شورای همکاری شانگهای» و به ویژه چین و روسیه به عنوان ارکان اصلی این نهاد البته خواهان ادامه حیات جمهوری اسلامی هستند، زیرا ایران به عنوان کشوری با اهمیت استراتژیک که می‌تواند نقش تعیین‌کننده در ژئوپلیتیک آسیا داشته باشد، با ادامه حیات جمهوری اسلامی نخواهد توانست نقشی بیش از دیروزگی حمایت توسط رژیم از این دو قدرت جهانی داشته باشند.

پزشکیان دست خالی برگشت

با اینکه محسن قمی نماینده علی خامنه‌ای در مراسم بدرقه مسعود پزشکیان استخاره کرده بود و بر مبنای آن قرار بود، رئیس جمهوری اسلامی با «دستان پر» به تهران بازگردد، واقعیت اما چیز دیگری می‌گوید. چین البته به جمهوری اسلامی وعده داده است که همراه با روسیه بر سر راه بازگشت تحریم‌های بین‌المللی سنگ‌اندازی کند، ولی هیچگونه تضمینی برای کمک به تهران برای دور زدن تحریم‌ها و به ویژه برای همکاری تسلیحاتی نداده است. برعکس تقاضاهای جمهوری اسلامی برای دریافت کمک‌های نظامی تا کنون بی پاسخ مانده‌اند. دولت شی جین‌پینگ به صراحت به جمهوری اسلامی گفته است که حاضر به هیچگونه همکاری نظامی و تسلیحاتی که روابط این کشور را با اسرائیل و کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس به خطر بیاندازد نیست.

البته همکاری پکن و تهران در زمینه نظامی در دهه ۸۰ میلادی آغاز شد و هرگز هم متوقف نشد ولی همیشه محدود به فروش قطعاتی برای سامانه‌های هدایت‌کننده موشک و پهپاد بودند. در همین رابطه در بهار امسال

نگاه علی خامنه‌ای همچنان به شرق است

در آستانه سفر مسعود پزشکیان به چین، علی خامنه‌ای با نوشته‌ای در حساب کاربری خود در شبکه «ایکس» آشکارا اهداف این سفر را مشخص کرد. رهبر جمهوری اسلامی نوشت: «ایران و چین با سابقه کهن تمدنی در دو سوی آسیا، قدرت تحول‌آفرینی در صحنه منطقه‌ای و جهانی را دارند. عملیاتی نمودن تمامی ابعاد توافق

روزنامه «اورشلیم پست»:

غرب باید از طرح رضا پهلوی برای «دوران گذار» در ایران حمایت کند



شاهزاده رضا پهلوی در میان جوانان آسیب دیده در اعتراضات / نشست «همکاری ملی برای نجات ایران» / مونیخ / شنبه ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵ / ۴ امرداد ۱۴۰۴

اساسی جمهوری اسلامی را لغو می‌کند و هر قانونی را که با دموکراسی و حقوق بشر در تضاد باشد باطل می‌سازد. سه اصلی را که پهلوی اساس سیاست خود قرار داده است تثبیت می‌کند: تمامیت ارضی ایران، حفاظت از آزادی‌های فردی و برابری همه شهروندان، جدایی دین از حکومت، همراه با به رسمیت شناختن حق مردم ایران در انتخاب آزادانه شکل آینده دموکراسی‌شان.

این دفترچه چارچوبی برای گذار ایجاد می‌کند تا به زمانی رسید که مردم ایران خود درباره آینده خویش تصمیم بگیرند. نه پادشاهی و نه جمهوری تحمیل نمی‌شود. مردم در همه‌پرسی شکل حکومت آینده را برمی‌گزینند: پلی سکولار از استبداد به انتخاب. ابتدا همه‌پرسی، سپس مجلس مؤسسان و در نهایت تدوین قانون اساسی که به دست نمایندگان منتخب ملت نوشته شده و در همه‌پرسی دوم به تصویب مردم برسد.

ثبات؛ پاشنه آشیل سپر آشوب رژیم

به همین دلیل است که تهران وحشت‌زده شده است. رژیم همیشه بر آشوب به عنوان سپر خود حساب کرده است. می‌خواست جهان باور کند که بدون ملاها، ایران آتش می‌گیرد. اما «دفترچه مرحله اضطراری» این توهم را می‌زداید. مسیر واقع‌بینانه‌ای برای حفاظت از مرزها و تضمین تداوم خدمات ارائه می‌دهد. فرصت ربودن حکومت را از شبه‌نظامیان و تندروها می‌گیرد. نشان می‌دهد که ایران می‌تواند از دیکتاتوری به دموکراسی گذر کند بدون اینکه فرو بپاشد و کارت ترسی را که رژیم چهار دهه بازی کرده بود از دستش می‌گیرد.

منتقدان مدعی‌اند که آنچه در دفترچه آمده یک طرح تحمیلی است. این دروغ است. این سند در تیرماه با ارائه یک فرصت زمانی برای دریافت نظرات عمومی

نویسندگان معتقدند، این استدلال دیگر قابل دفاع نیست. آنها توضیح داده‌اند، در تیرماه جاری، شاهزاده رضا پهلوی از «دفترچه مرحله اضطراری» مرتبط با «پروژه شکوفایی ایران» در «همایش همکاری ملی» روغایی کرد؛ جایی که ایرانیان از طیف‌های مختلف به دعوت او گرد آمدند. ایرانیان این طرح را با شور و شوق بی‌نظیر پذیرفتند. از زمان انتشار، دفترچه به یکی از موضوعات اصلی بحث در محافل سیاسی بدل شده است؛ میلیون‌ها نظر در شبکه‌های اجتماعی و هزاران ساعت گفتگوی تلویزیونی ایجاد کرده است. برای نخستین بار پس از ۱۹۷۹، ایرانیان طرحی معتبر، سکولار و قابل اجرا برای گذار دارند و رژیم هم این را می‌داند. به همین دلیل حملات فوری علیه آن آغاز شد.

سازمان مجاهدین خلق، یک فرقه مارکسیست-اسلامی با دستان آلوده به خون ایرانیان و آمریکاییان، پیش‌تاز این حملات بود. ترول‌های آنها در فضای مجازی عربده کشیدند و یگان‌های سایبری تهران سر و صدا را تقویت کردند. اما پهلوی و «دفترچه مرحله اضطراری» همه را رسوا کردند. این دفترچه ثابت می‌کند که ایران راهی واقعی به جلو دارد. مدل سیاسی مخالفان [پهلوی] بر انسداد استوار است و این نقشه آنها را بی‌اعتبار می‌کند.

در ادامه این یادداشت آمده، «دفترچه مرحله اضطراری»، نقشه‌ای راهی برای بازسازی نهادهای سیاسی و اقتصادی ایران، ایجاد نظم از دل آشوب و به ارمغان آوردن شکوفایی و امنیت ارائه می‌دهد. بحران‌های فوری پس از سقوط رژیم را پیش‌بینی کرده و راهکارهایی برای کاهش یا حل آنها پیشنهاد و پایه‌های ایران آزاد و شکوفا را ترسیم می‌کند. این دفترچه حوزه‌های گوناگونی را پوشش می‌دهد: از گذار سیاسی، چارچوب حقوقی جدید، سیاست خارجی و اصلاحات نظامی و امنیتی گرفته تا مدیریت انرژی و آب، حفظ خدمات اساسی و ثبات اقتصادی و مالی. قانون

در شرایطی که بسیاری از کارشناسان بر این باورند که بحران‌های شدید داخلی و بین‌المللی جمهوری اسلامی را در آستانه سقوط قرار داده است، آیدین پناهی و سعید قاسمی‌نژاد در یادداشتی که روز ۳۱ اوت (نهم شهریور) در روزنامه «اورشلیم پست» منتشر شد از دولت‌های غربی خواسته‌اند از طرح شاهزاده رضا پهلوی برای «دوران گذار» در ایران حمایت کنند.

در این نوشتار با اشاره به «دفترچه مرحله اضطراری» تأکید شده که این سند بر سه اصلی که پهلوی اساس سیاست خود قرار داده استوار است: تمامیت ارضی ایران، حفاظت از آزادی‌های فردی و برابری همه شهروندان، جدایی دین از حکومت، همراه با به رسمیت شناختن حق مردم ایران برای انتخاب آزادانه شکل حکومت.

نویسندگان این مقاله، «دفترچه مرحله اضطراری» را که پس از برگزاری همایش «همکاری ملی برای نجات ایران» در مونیخ آلمان (۲۶ ژوئیه) منتشر شد، نقشه‌ای راهی برای بازسازی نهادهای سیاسی و اقتصادی ایران، ایجاد نظم از دل آشوب و به ارمغان آوردن امنیت و شکوفایی دانسته‌اند. «برای غرب، اکنون زمان اقدام است. رژیم در ضعیف‌ترین وضعیت خود قرار دارد. رضا پهلوی اعتماد مردم را دارد، نامی شناخته‌شده در داخل و خارج است، حمایت گروه‌های مختلف سیاسی ایرانی از پادشاهیخواه تا جمهوریخواه، از چپ تا راست، از لیبرال تا محافظه‌کار را دارد، و همچنین یک طرح و تیمی برای اجرای آن.»

در شرایطی که بسیاری از کارشناسان بر این باورند که بحران‌های شدید داخلی و بین‌المللی جمهوری اسلامی را در آستانه سقوط قرار داده است، آیدین پناهی و سعید قاسمی‌نژاد در یادداشتی که روز ۳۱ اوت (نهم شهریور) در روزنامه «اورشلیم پست» منتشر شد از دولت‌های غربی خواسته‌اند از طرح شاهزاده رضا پهلوی برای «دوران گذار» در ایران حمایت کنند.

در این نوشتار با اشاره به «دفترچه مرحله اضطراری» تأکید شده که این سند بر سه اصلی که پهلوی اساس سیاست خود قرار داده استوار است: تمامیت ارضی ایران، حفاظت از آزادی‌های فردی و برابری همه شهروندان، جدایی دین از حکومت، همراه با به رسمیت شناختن حق مردم ایران برای انتخاب آزادانه شکل حکومت.

نویسندگان این مقاله، «دفترچه مرحله اضطراری» را که پس از برگزاری همایش «همکاری ملی برای نجات ایران» در مونیخ آلمان (۲۶ ژوئیه) منتشر شد، نقشه‌ای راهی برای بازسازی نهادهای سیاسی و اقتصادی ایران، ایجاد نظم از دل آشوب و به ارمغان آوردن امنیت و شکوفایی دانسته‌اند. در مقدمه این یادداشت آمده، بیش از چهار دهه است که بقای جمهوری اسلامی در گرو ترساندن و ایجاد رعب و وحشت است. دروغی که جمهوری اسلامی می‌گوید، ساده است: اگر رژیم سقوط کند، ایران دچار هرج و مرج می‌شود، زیرا مخالفان رژیم هیچ طرح یا ظرفیتی برای برقراری نظم ندارند. این افسانه آخرین سنگر آنها بود؛ خطی که در غرب نیز توسط توجیه‌گران و دیپلمات‌هایی تکرار می‌شد که ترجیح می‌دادند با «شیطانی که می‌شناسند» کنار بیایند تا خطر تغییر را بپذیرند.



جمهوری اسلامی ایران اسفند سال ۱۳۹۸ اعلام کرد که در حال آزمایش روزی نسل جدیدی از سانتریفیوژهاست که قدرت غنی‌سازی بیشتری با حجم بالاتر دارند

عقب‌نشینی جمهوری اسلامی کمتراز یک هفته پس از فعال شدن مکانیسم ماشه: «آماده‌ایم سطح غنی‌سازی اورانیوم را به ۳/۶۷ درصد کاهش دهیم»

قانون اساسی قادر به جلوگیری از خروج ایران از این پیمان نیست.

او ضمن انتقاد از کشورهای اروپایی گفت: «اروپایی‌ها همان چیزی را انجام می‌دهند که دونالد ترامپ به آنها دیکته کرده است. نقش اروپا رو به کاهش است.»
بقائی همچنین گفت: «به نوعی همه کشورهای اروپایی آنچه اسرائیل انجام داد را تایید کردند و به احتمال زیاد اطلاعاتی نیز در اختیار این کشور قرار دادند.»

تهدید به غنی‌سازی ۹۰ درصدی

همزمان یعقوب رضازاده عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی تهدید کرده است که بهترین پاسخ به فعال شدن «مکانیسم ماشه» و سه کشور اروپایی، خروج از NPT، قطع ارتباط کامل با آژانس و حرکت به سمت فعالیت‌های غنی‌سازی تا مرز ۹۰ درصد است.

این عضو مجلس اسلامی مدعی شد: «بازگشت تحریم‌ها با فعال شدن مکانیسم ماشه به معنای رخ دادن اتفاق جدیدی نیست بطوری که اکنون ۸۰ درصد این تحریم‌ها اجرا می‌شود؛ نمونه آن فروش نفت، صادرات، واردات و اقلام دارویی است که البته به نتیجه هم نرسیدند.»

اینهمه در حالیست که جمهوری اسلامی کمتر از یک هفته پس از فعال‌سازی «مکانیسم ماشه»، از مواضع پیشین عقب‌نشینی کرده و برای کاهش سطح غنی‌سازی اورانیوم اعلام آمادگی کرده است اما آنچه آمریکا به عنوان شروط اصلی توافق مطرح کرده، «برچیده شدن تمام ظرفیت غنی‌سازی» در ایران است.

در همین ارتباط علی مطهری نایب رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی گفته است: «اگر غنی‌سازی صفر را هم می‌پذیرفیم باز هم به کشور حمله می‌کردند.»

اگر مکانیسم ماشه بطور کامل فعال شود و جمهوری اسلامی در واکنش به اجرای تحریم‌های بین‌المللی از پیمان منع گسترش تسلیحات کشتار جمعی NPT خارج گردد، احتمال بروز یک بحران امنیتی جدید در منطقه بسیار بالاست. این اقدام می‌تواند به شکل‌گیری توافق تازه‌ای علیه تهران منجر شود، تحریم‌ها را شدیدتر کند و حتی سناریوی تقابل نظامی محدود را نیز در دستور کار برخی قدرت‌ها قرار دهد. در این حالت، نه تنها فضای دیپلماتی بسته خواهد شد بلکه پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن برای داخل کشور نیز بسیار سنگین خواهد بود.

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد که تهران آماده است سطح غنی‌سازی اورانیوم خود را به ۳/۶۷ درصد یعنی سقف تعیین‌شده در توافق اتمی برجام کاهش دهد؛ مشروط بر آنکه توافقی کلی حاصل شود که حق ایران را برای غنی‌سازی اورانیوم در داخل کشور تضمین کند.
● اسماعیل بقائی در مصاحبه با روزنامه «گاردین» که دوشنبه دهم شهریور منتشر شد، با اشاره به سابقه حضور بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ایران، گفت: «اعتماد میان بازرسان تسلیحاتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ایران به شدت کاهش یافته و نگرانی واقعی وجود دارد که اطلاعات جمع‌آوری‌شده در سایت‌ها به وسیله آژانس در نهایت به اسرائیل منتقل شود.»

● جمهوری اسلامی کمتر از یک هفته پس از فعال‌سازی «مکانیسم ماشه»، از مواضع پیشین عقب‌نشینی کرده و برای کاهش سطح غنی‌سازی اورانیوم اعلام آمادگی کرده است اما آنچه آمریکا به عنوان شروط اصلی توافق مطرح کرده، «برچیده شدن تمام ظرفیت غنی‌سازی» در ایران است.
● همزمان یعقوب رضازاده عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی تهدید کرده است که بهترین پاسخ به فعال شدن «مکانیسم ماشه» و سه کشور اروپایی، خروج از NPT، قطع ارتباط کامل با آژانس و حرکت به سمت فعالیت‌های غنی‌سازی تا مرز ۹۰ درصد است.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد که تهران آماده است سطح غنی‌سازی اورانیوم خود را به ۳/۶۷ درصد یعنی سقف تعیین‌شده در توافق اتمی برجام کاهش دهد؛ مشروط بر آنکه توافقی کلی حاصل شود که حق ایران را برای غنی‌سازی اورانیوم در داخل کشور تضمین کند.
اسماعیل بقائی در مصاحبه با روزنامه «گاردین» که دوشنبه دهم شهریور منتشر شد، با اشاره به سابقه حضور بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ایران، گفت: «اعتماد میان بازرسان تسلیحاتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ایران به شدت کاهش یافته و نگرانی واقعی وجود دارد که اطلاعات جمع‌آوری‌شده در سایت‌ها به وسیله آژانس در نهایت به اسرائیل منتقل شود.»

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی افزود: «اگر مجلس در پاسخ به اعمال مجدد تحریم‌های سازمان ملل از سوی اروپا، قانونی را برای خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) تصویب کند، دولت ایران از نظر

منتشر شد. نزدیک به پنج هزار ایرانی تا کنون از طریق وبسایت، پیشنهادهایی مستدل و دقیق برای بهبود آن ارائه داده‌اند. اصلاحات خواهد آمد، اما بنیادها تغییر نخواهند کرد: سکولاریسم غیرقابل مذاکره است. دموکراسی غیرقابل مذاکره است. لغو قانون اساسی اسلامی ۱۹۷۹ غیرقابل مذاکره است. برای نخستین بار، از ایرانیان خواسته می‌شود تا طرح گذار خود را علنی و شفاف شکل دهند.

اهمیت جهانی

این موضوع فراتر از مرزهای ایران اهمیت دارد. اسرائیل با موشک‌های حماس و حزب‌الله و گلوله‌های حوثی‌ها- همه با پول تهران- روبروست. ایالات متحده با رژیم مواجه است که سربازانش را از لبنان تا عراق کشته است. دهه‌ها استراتژیست‌های غربی از «روز بعد» می‌ترسیدند.

عراق با جنگ فرقه‌ای فرو پاشید. لیبی به جنگ داخلی سقوط کرد. سوریه در جنگ داخلی ظاهراً دائمی گرفتار شد. وسعت ایران، موقعیت حیاتی و نفوذ منطقه‌ای‌اش به این معناست که فروپاشی مدیریت‌نشده خطراتی حتی بزرگتر از عراق، لیبی یا سوریه دارد. رژیم از این ترس تغذیه کرده، اما پهلوی و تیم وی با طرح خود به این هراس پایان می‌دهند. او وعده بهشت نمی‌دهد. ولی نوید نظم و شکوفایی می‌دهد. شاهزاده رضا پهلوی همواره صریح بوده است. او برای بازگرداندن انتخاب مبارزه می‌کند و بطور منحصر به فرد قادر به انجام این کار است زیرا نامش در میان نسل‌ها شناخته‌شده است. آنها در حالی که برنامه‌ی او آگاهانه از جناح‌گرایی پرهیز می‌کند. او تنها شخصیتی است که پیوسته خواستار ائتلاف و همگرایی بوده، نه حکومت جناحی. او به روشنی اعلام کرده است که آینده ایران، چه مشروطه پادشاهی و چه جمهوری، تصمیم او نیست؛ این تصمیم مردم است در یک همه‌پرسی آزاد.

او می‌خواهد سازنده ائتلافی برای همه ایرانیان باشد. به همین دلیل است که «دفترچه مرحله اضطراری» برای رژیم خطرناک است. این دفترچه به یک جناح تعلق ندارد. متعلق به هر شهروندی است که ایرانی آزاد از روحانیون و استبداد می‌خواهد.

زمان اقدام غرب است

در بخش پایانی این مقاله آمده، برای غرب، اکنون زمان اقدام است. رژیم در ضعیف‌ترین وضعیت خود قرار دارد. رضا پهلوی اعتماد مردم را دارد، نامی شناخته‌شده در داخل و خارج است، حمایت گروه‌های مختلف سیاسی ایرانی از پادشاهیخواه تا جمهوریخواه، از چپ تا راست، از لیبرال تا محافظه‌کار را دارد، و همچنین یک طرح و تیمی برای اجرای آن. میلیون‌ها ایرانی خواهان تغییرند، اما ترس از خشونت رژیم و نگرانی از هرج و مرج پس از سقوط رژیم، آنان را ساکت نگه داشته است. پهلوی و تیم او با ارائه این طرح نگرانی دوم را کاهش داده‌اند. اکنون زمان آن است که غرب نگرانی نخست را برطرف کند و به مردم ایران نشان دهد که وقتی به خیابان می‌آیند، تنها نخواهند ماند. جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی است، اما نیاز به یک فشار دارد تا به زباله‌دان تاریخ سقوط کند. فروپاشی اقتصادی، انزوای بین‌المللی و سرخوردگی عمومی ادامه بقای آن را غیرممکن ساخته است.

تنها پرسش این است که سقوط آن، نو شدن می‌آورد یا ویرانی. پهلوی و تیم او نو شدن را تضمین می‌کنند. غرب باید آن را به رسمیت شناخته و حمایت کند؛ چرا که نخستین نقشه راه ایرانی طراحی‌شده با حمایت و مشارکت گسترده مردمی است.

خروج نیروهای آمریکایی از پایگاه‌های «عین‌الاسد» و «ویکتوریا»؛ عقب‌نشینی استراتژیک یا تغییر تاکتیکی؟



سر بازان آمریکایی در جریان مراسم تحویل پایگاه نظامی تاجی از نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا به نیروهای امنیتی عراق / ۲۳ اوت ۲۰۲۰

● مقامات و رسانه‌های حکومتی در ایران ادعا می‌کنند نیروهای آمریکایی در حال خروج از عراق هستند. سفارت آمریکا در بغداد این ادعا را تکذیب کرده و می‌گوید این نیروها صرفاً پایگاه عین‌الاسد و ویکتوریا را تخلیه می‌کنند. ● تصمیم ناگهانی ایالات متحده برای خارج کردن نیروهایش از پایگاه‌های عین‌الاسد و ویکتوریا در عراق و استقرار مجدد آنها در اربیل و احتمالاً در یک کشور عربی همسایه، تغییر قابل توجهی در وضعیت نظامی آمریکا در خاورمیانه به شمار می‌رود.

مقامات و رسانه‌های حکومتی در ایران ادعا می‌کنند نیروهای آمریکایی در حال خروج از عراق هستند. سفارت آمریکا در بغداد این ادعا را تکذیب کرده و می‌گوید این نیروها صرفاً پایگاه عین‌الاسد و ویکتوریا را تخلیه می‌کنند. تصمیم ناگهانی ایالات متحده برای خارج کردن نیروهایش از پایگاه‌های عین‌الاسد و ویکتوریا در عراق و استقرار مجدد آنها در اربیل و احتمالاً در یک کشور عربی همسایه، تغییر قابل توجهی در وضعیت نظامی آمریکا در خاورمیانه به شمار می‌رود. درباره این تصمیم آمریکا تحلیل‌های مختلفی ارائه شده است. برخی تحلیلگران می‌گویند این اقدام آمریکا مرتبط با جنگ احتمالی آینده میان جمهوری اسلامی و اسرائیل است. پایگاه خبری تحلیلی «ژئوپلیتیکال مانتور» در مقاله‌ای که ۲۹ اوت (هفتم شهریور) منتشر شد می‌نویسد این خروج درواقع یک بازآرایی حساب‌شده است که هدف آن دستیابی به تعادلی تازه میان ضرورت‌های امنیتی برای حفظ نفوذ استراتژیک و ریسک‌های عملیاتی ناشی از سیاست داخلی و تنش‌های منطقه‌ای است. درک اهداف، محرک‌ها و پیامدهای احتمالی این جابجایی می‌تواند به روشن‌تر شدن چارچوب کلی استراتژی دفاعی آمریکا در خاورمیانه کمک کند.

اهداف جابجایی آمریکا

هدف اصلی واشنگتن برای حفظ نفوذ خود در عراق اینست که نیروهایش را از خطرات فزاینده ژئوپلیتیک محافظت کند. با خروج از پایگاه‌های عین‌الاسد و ویکتوریا که بارها هدف حملات پهنادی و موشکی شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم ایران قرار گرفته‌اند، آمریکا میزان آسیب‌پذیری نیروهایش در برابر حملات نامتقارن را کاهش می‌دهد. این مدیریت ریسک، علاوه بر حفاظت از نیروها، هزینه‌های سیاسی ناشی از تلفات احتمالی را نیز کم می‌کند؛ امری که می‌تواند موجب تنش میان واشنگتن و بغداد شود و حتی آمریکا را به درگیری‌های تازه بکشانند.

از دیگر دلایل این اقدام، محروم ساختن تهران از امتیاز تاکتیکی و نمادین حمله به اهداف آمریکایی در مرکز و غرب عراق است. چنین حملاتی آسیب‌پذیری آمریکا را برجسته کرده و روایت مقاومت جمهوری اسلامی ایران را تقویت می‌کند. با حذف این اهداف ارزشمند، واشنگتن امیدوار است از پیروزی‌های تبلیغاتی رژیم ایران جلوگیری کرده و در عین حال انعطاف عملیاتی خود را حفظ کند.

مدیریت فشارهای سیاسی عراق و حفظ دسترسی استراتژیک منطقه‌ای در اربیل

محمد شیاع السودانی نخست‌وزیر عراق با فشارهای فزاینده پارلمان و بخش‌هایی از جامعه برای پایان دادن به «حضور نظامی خارجی» مواجه است. به نظر می‌رسد خروج

نیروهای آمریکایی از عین‌الاسد و ویکتوریا بخشی از این فشارها را کاهش می‌دهد. با اینهمه آمریکا همچنان حضور مؤثر اما غیرعلنی در اربیل و دیگر نقاط دارد که به دولت محلی کمک می‌کند سطحی از خودمختاری را حفظ کند. این فرمول، تنش‌ها با دولت مرکزی را کاهش داده و همزمان توان عملیاتی آمریکا را حفظ می‌کند.

با استقرار نیروها در اربیل، ایالات متحده همچنان توانایی کنترل آتش، اطلاعات و نظارت در عراق، سوریه و در صورت لزوم ایران را حفظ می‌کند. دولت اقلیم کردستان عراق یک محیط سیاسی امن برای نیروهای آمریکایی فراهم کرده بطوری که آنها را متحد نزدیکی می‌دانند نه اشغالگر، و این موضوع به حضور پایدارتر نیروهای آمریکا کمک می‌کند.

عوامل مؤثر بر تصمیم

افزایش خطر شبه‌نظامیان: در سال‌های اخیر شبه‌نظامیان نزدیک به جمهوری اسلامی ایران بارها پایگاه‌های آمریکا در بغداد و الانبار را هدف قرار داده‌اند. گرچه سامانه‌هایی مانند C-RAM و پاتریوت بخشی از تهدید را کاهش می‌دهند، اما ادامه حملات ریسک حضور مؤثر در این مناطق را برجسته می‌کند. انتقال به اربیل این خطر را تا حد زیادی کاهش می‌دهد.

کاهش مشروعیت داخلی حضور آمریکا: حضور نظامی بلندمدت آمریکا در عراق به هدفی سیاسی برای جریان‌های مختلف تبدیل شده است. اعتراضات مردمی و مصوبات پارلمان برای خروج نیروهای خارجی نشان‌دهنده هزینه فزاینده این حضور است. واشنگتن با جابجایی نیروها این مشکل را مدیریت می‌کند بدون آنکه به یک «شکست استراتژیک» اعتراف کند.

امتیازات اربیل: اربیل سه امتیاز کلیدی دارد: پوشش سیاسی، امنیت نظامی و موقعیت جغرافیایی. پیشمرگه‌ها متحدانی قابل اعتماد هستند، نیروهای امنیتی اقلیم کردستان همسو با

منافع آمریکا عمل می‌کنند، و موقعیت اربیل امکان نظارت بر مثلث ایران-سوریه-ترکیه را فراهم می‌آورد.

عمق منطقه‌ای در کشورهای عربی همسایه: آمریکا احتمالاً بخشی از نیروهای خود را به کویت یا اردن منتقل خواهد کرد. این کشورها پایگاه‌های امن، دسترسی آسان به سوریه و عراق و عمق لجستیک و تدارکاتی به ایالات متحده ارائه می‌دهند.

پیامدهای استراتژیک

روایت جمهوری اسلامی ایران: تهران این جابجایی را عقب‌نشینی و پیروزی «محور مقاومت» جلوه می‌دهد، اما واقعیت این است که واشنگتن عراق را ترک نمی‌کند، بلکه مواضع استراتژیک خود را در مناطق امن‌تر و مطمئن‌تر متمرکز می‌کند.

مدیریت روابط با بغداد: خروج از برخی پایگاه‌ها فشار عمومی و پارلمانی را کاهش داده و به دولت عراق امتیاز سیاسی می‌دهد، بدون اینکه نیاز به خروج کامل آمریکا از عراق باشد.

بازدارندگی در برابر ترکیه: حضور آمریکا در اربیل مانع محاسبات آنکارا برای حمله به گردها می‌شود.

تأثیرات ژئوپلیتیک منطقه‌ای: استقرار نیروهای آمریکا در اربیل، اردن و کویت چارچوبی انعطاف‌پذیر برای مقابله با بحران‌های احتمالی، به ویژه در صورت تشدید تنش با جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آورد.

در پایان این نوشتار آمده، این جابجایی علاوه بر کاهش آسیب‌پذیری و تنش‌های سیاسی، با استراتژی کلی واشنگتن برای حفظ نفوذ در خاورمیانه و در عین حال کاهش هزینه‌های حضور بلندمدت سازگار است. حضور سبک‌تر، پویاتر و متوازن در اربیل و کشورهای همسایه، هم امنیت بیشتری ایجاد می‌کند، هم انعطاف عملیاتی را بالا می‌برد و هم فشار سیاسی را کاهش می‌دهد.

برگزاری نشست شورای امنیت برای بررسی فعال ساختن «مکانیسم ماشه»؛ جمهوری اسلامی باز هم با شروط اروپا مخالفت کرد



صحن شورای امنیت / عکس: رويترز

● یک روز پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه»، نمایندگان بریتانیا، فرانسه و آلمان روز جمعه ۲۹ اوت (۷ شهریور) در سازمان ملل بار دیگر از جمهوری اسلامی خواستند سه شرط اروپا را برای دستیابی به توافق اتمی بپذیرد تا بازگرداندن تحریم‌های قطعنامه‌های سازمان ملل متحد که با توافق موسوم به «برجام» در تابستان ۱۳۹۴ تعلیق شدند، به تعویق بیافند.

● سه کشور اروپایی پیشنهاد کرده‌اند بازگرداندن تحریم‌ها را تا شش ماه به تعویق بیندازند، مشروط بر اینکه جمهوری اسلامی دسترسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تأسیسات هسته‌ای خود را ممکن سازد، نگرانی‌ها درباره ذخایر اورانیوم غنی‌شده را برطرف کند و وارد گفتگوهای مستقیم با ایالات متحده شود.

● امیرسعید ابروانی نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل می‌گوید: «طرح سه کشور اروپایی واقع‌بینانه نیست» ولی «پیشنهاد روسیه و چین برای تهدید کوتاه‌مدت قطعنامه ۲۲۳۱ عملی است».

● روسیه و چین پیش‌نویس قطعنامه‌ای را به شورای امنیت ارائه کرده‌اند که خواستار تهدید توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ به مدت شش ماه و آغاز فوری مذاکرات توسط همه طرفین با حضور آمریکا است که در هشتم ماه مه ۲۰۱۸ در نخستین دولت دونالد ترامپ از آن خارج شد.

● به گزارش رویترز و به گفته سه منبع آگاه نزدیک به دولت جمهوری اسلامی به این خبرگزاری، بازگشت تحریم‌های سازمان ملل که بخش‌های مالی، بانکی، انرژی و دفاعی [رژیم] ایران را در بر خواهد گرفت، موجی از نگرانی اقتصادی و شکاف‌های سیاسی داخلی را در این کشور دامن زده است.

یک روز پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه»، نمایندگان بریتانیا، فرانسه و آلمان روز جمعه ۲۹ اوت (۷ شهریور) در سازمان ملل بار دیگر از جمهوری اسلامی خواستند سه شرط اروپا را برای دستیابی به توافق اتمی بپذیرد تا بازگرداندن تحریم‌های قطعنامه‌های سازمان ملل متحد که با توافق موسوم به «برجام» در تابستان ۱۳۹۴ تعلیق شدند، به تعویق بیافند.

به گزارش رویترز، نمایندگان سه قدرت اروپایی پیش از برگزاری نشست غیرعلنی شورای امنیت برای بررسی درخواست آغاز فرایند فعال ساختن بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی، بیانیه مشترکی منتشر کردند.

سه کشور اروپایی پیشنهاد کرده‌اند بازگرداندن تحریم‌ها را تا شش ماه به تعویق بیندازند، مشروط بر اینکه جمهوری اسلامی دسترسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تأسیسات هسته‌ای خود را ممکن سازد، نگرانی‌ها درباره ذخایر اورانیوم غنی‌شده را برطرف کند و وارد گفتگوهای مستقیم با ایالات متحده شود.

باربارا وودوارد سفیر بریتانیا در سازمان ملل پیش از آغاز این نشست به نمایندگی از بریتانیا، آلمان و فرانسه در سخنانی گفت: «دیروز مطابق با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، وزیران خارجه فرانسه، آلمان و بریتانیا، به شورای امنیت اطلاع دادند که ما معتقدیم [رژیم] ایران

استراتژیک» خود می‌داند در نسخه نهایی پیش‌نویس، بخش‌های بحث‌برانگیزی را حذف کرده‌اند که می‌توانست مانع بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل توسط تروئیکای اروپایی شود. تا لحظه تنظیم این گزارش هنوز درخواستی برای رأی‌گیری درباره این متن مطرح نشده است.

در این میان، امیرسعید ابروانی نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل می‌گوید: «طرح سه کشور اروپایی واقع‌بینانه نیست» ولی «پیشنهاد روسیه و چین برای تهدید کوتاه‌مدت قطعنامه ۲۲۳۱ عملی است».

در بیانیه‌ای که او قرائت کرد از جمله آمده است که سه کشور اروپایی فاقد هرگونه جایگاه حقوقی یا اخلاقی برای توسل به آنچه «بازگشت خودکار تحریم‌ها» خوانده می‌شود، هستند. ابروانی همچنین مدعی شد: «اعلام آغاز فرایند اسنپ‌بک توسط آنان از اساس باطل و بی‌اعتبار است».

به گزارش رویترز و به گفته سه منبع آگاه نزدیک به دولت جمهوری اسلامی به این خبرگزاری، بازگشت تحریم‌های سازمان ملل که بخش‌های مالی، بانکی، انرژی و دفاعی [رژیم] ایران را در بر خواهد گرفت، موجی از نگرانی اقتصادی و شکاف‌های سیاسی داخلی را در این کشور دامن زده است.

به گفته این منابع، در حالی که جریان نزدیک به جریان اصلی قدرت خواستار مقاومت و مقابله است، اصلاح‌طلبان رژیم اما بر دیپلماسی و سازش تأکید دارند.

ایالات متحده و متحدان اروپایی آن بارها تأکید کرده‌اند که پیشرفت‌های کنونی در برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی فراتر از نیازهای غیرنظامی است. اما تهران همواره داشتن هرگونه هدف برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را در حالی رد کرده است که اقداماتش خلاف آن را نشان می‌دهد.

بطور قابل توجهی تعهدات برجام را اجرا نمی‌کند.» او افزود: «جمهوری اسلامی از سال ۲۰۱۹ به طور فزاینده و عمدی تقریباً تمام تعهدات خود را که بر اساس برجام مشخص شده بود متوقف کرده است. این شامل انباشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا نیز می‌شود که فاقد هرگونه توجیه معتبر غیرنظامی است.»

وودوارد همچنین تصریح کرد: «بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، جمهوری اسلامی ایران تنها کشور بدون سلاح هسته‌ای است که اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا تولید می‌کند. آنها دسترسی آژانس به تأسیسات هسته‌ای مورد توافق در برجام را نیز متوقف کرده‌اند. علاوه بر این، تهران اخیراً دسترسی به مواد و سایت‌های هسته‌ای را که طبق ان‌پی‌تی موظف به ارائه آن است، بطور قابل توجهی کاهش داده است.»

سفیر بریتانیا در سازمان ملل در ادامه تأکید کرد: «خواسته‌های ما منصفانه و واقع‌بینانه است. اما تا امروز هیچ نشانه‌ای ندیده‌ایم که جمهوری اسلامی در مسیر تحقق آنها جدی باشد. از تهران می‌خواهیم در این موضع خود تجدید نظر کند، بر اساس پیشنهاد ما به توافق برسد و به ایجاد فضای لازم برای یک راه حل دیپلماتیک بلندمدت کمک کند.»

پیشنهاد روسیه و چین

در همین حال، روسیه و چین پیش‌نویس قطعنامه‌ای را به شورای امنیت ارائه کرده‌اند که خواستار تهدید توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ به مدت شش ماه و آغاز فوری مذاکرات توسط همه طرفین با حضور آمریکا است که در هشتم ماه مه ۲۰۱۸ در نخستین دولت دونالد ترامپ از آن خارج شد.

این دو کشور که جمهوری اسلامی آنها را «متحدان

نشست شانگهای؛ توصیه خامنه‌ای به دولت: «تمام ابعاد توافق راهبردی با چین را عملیاتی کنید»



شی جین‌پینگ و ولادیمیر پوتین رؤسای جمهوری چین و روسیه / رویترز

● نشست دو روزه «سازمان همکاری شانگهای» با حضور ۲۰ رهبر یکشنبه ۳۱ اوت (نهم شهریور) آغاز شد. آنچه فعلاً بیش از سایر مسائل مورد توجه رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفته، حضور ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در این نشست است.

● شبکه تلویزیونی دولتی CCTV چین در گزارش خود درباره ورود پوتین گفت روابط بین چین و روسیه در «بهترین موقعیت خود در تاریخ» قرار دارد و به «پایدارترین، بالغ‌ترین و مهم از نظر استراتژیک، در میان کشورهای بزرگ» تبدیل شده است.

● مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی ایران، هم‌امداد یکشنبه نهم شهریور برای شرکت در اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای راهی چین شد. همزمان علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در پیامی از دولت خواست «تمامی ابعاد توافق راهبردی با چین عملیاتی شود». توافقی که به «ایران‌فروشی» معروف شده است.

● برخی مقامات تهران مدعی‌اند آثار و پیامدهای وخیم فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» طی همکاری‌های تجاری با شرق به ویژه چین تعدیل می‌شود. سرآمد این باور خود خامنه‌ای است اما شواهد و آمار نشان می‌دهد چینی‌ها تمایل چندانی به گسترش روابط اقتصادی و تجاری با جمهوری اسلامی ندارند.

نشست دو روزه «سازمان همکاری شانگهای» با

محکوم کردن فعال‌سازی «مکانیسم ماشه»، در نامه‌ای به شورای امنیت با رد هرگونه تهدید مفاد قطعنامه ۲۳۳۱ تأکید کرد که تلاش اروپا برای تحمیل شروط تازه، رویه‌ای خطرناک و مغایر با حقوق بین‌الملل است.

موضع عراقچی در ارتباط با مکانیسم ماشه متناقض است که نشان می‌دهد تا چه اندازه وضعیت برای او دشوار شده است. وزیر خارجه جمهوری اسلامی آذرماه ۱۴۰۳ در جریان سفر به لیسبون تهدید کرده بود اگر مکانیسم ماشه فعال شود، ایران به سوی ساخت سلاح اتمی متمایل می‌شود اما اکنون در نامه‌ای به کایا کالاس مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نوشت تهران آماده از سر گرفتن مذاکرات «منصفانه» درباره برنامه هسته‌ای خود است، مشروط بر آنکه غرب حسن نیت نشان دهد. عراقچی در این نامه نوشت: «ایران آمادگی خود را برای ازسرگیری مذاکرات دیپلماتیک منصفانه و متوازن بار دیگر اعلام می‌کند، به شرط آنکه طرف‌های دیگر جدیت و حسن نیت نشان دهند و از اقداماتی که به فرصت موفقیت آسیب می‌زند خودداری کنند».

درخواست برای اخراج سفرای اروپایی در این میان، مقامات و وابستگان جمهوری اسلامی هر کدام پیشنهادی برای تلافی در مقابل فعال شدن مکانیسم ماشه می‌دهند. گروهی می‌گویند باید بمب اتمی ساخته شود و گروهی خواهان بستن تنگه هرمز شدند. حمید رسایی از عباس عراقچی خواسته به تلافی فعال ساختن مکانیسم ماشه، سفرای اروپایی از ایران اخراج شوند.

همزمان موجی از انتقاد علیه عراقچی و ظریف به راه افتاده است. سوپرانقلابی‌ها می‌گویند برجام و مکانیسم ماشه دست‌یخت این دو نفر بود که به جمهوری اسلامی خیانت کردند. اما انتقادهای محدود به جریان انقلابی نیست. عباس عیدی فعال سیاسی اصلاح‌طلب نیز گفته است: «عراقچی تهی از ابتکار است و وزارت خارجه را ناکارآمد کرده است».

حمایت لفظی روسیه از جمهوری اسلامی برخی از مقامات حکومت همچنان امیدوارند شاید روسیه بتواند به جمهوری اسلامی کمک کند. میخائیل اولیانوف نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین، اقدام سه کشور اروپایی طرف برجام برای احیای تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را «اشتباهی بزرگ» توصیف کرد.

او در «ایکس» نوشت که اقدام کشورهای اروپایی «یک گام غیرمسئولانه دیگر» است که موجب ایجاد «بن‌بست کامل» در خصوص مسئله برنامه هسته‌ای ایران می‌شود.

دیمیتری پوлинسکی معاون نماینده دائم روسیه در سازمان ملل نیز تأکید کرد: «شورای امنیت نباید بر اساسنامه تروئیکای اروپا برای فعال ساختن مکانیسم ماشه علیه [جمهوری اسلامی] ایران اقدامی انجام دهد. این اقدام هیچ تأثیر قانونی ندارد».

گروهی نیز تلاش می‌کنند اوضاع را آرام و تحت کنترل جلوه دهند. عباس مقتدایی نایب رئیس کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی، مکانیسم ماشه را «ابزاری رسانه‌ای و روانی» خواند و گفت که از نظر تحریمی اثر جدیدی ندارد و اقدامات غرب صرفاً فشار روانی است.

او افزود: «ما تجربه همه نوع تحریمی را پشت سر گذاشته‌ایم و اینگونه اقدامات صرفاً به عنوان ابزار فشار روانی محسوب می‌شوند».

قرار است شورای امنیت روز جمعه درباره جزئیات فعال شدن مکانیسم ماشه تشکیل جلسه دهد، هرچند که بسیاری از تحلیلگران می‌گویند بعید است روسیه و چین حتی تمایلی برای پشتیبانی از جمهوری اسلامی داشته باشند.

واکنش‌ها به فعال شدن «مکانیسم ماشه»؛ طرح سه فوریتی «خروج از «ان‌پی‌تی» در مجلس شورای اسلامی به جریان افتاد

● در واکنش به فعال شدن «مکانیسم ماشه» اعلام شده است که مجلس شورای اسلامی طرح سه فوریتی برای خارج کردن ایران از معاهده پیمان بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) و پروتکل الحاقی را به جریان می‌اندازد.

● حسینعلی حاجی‌دلیگانی نایب رئیس اول کمیسیون اصل ۹۰ مجلس به خبرگزاری فارس گفت که در نامه سه کشور اروپایی به شورای امنیت «سوء نیت و فشار بر جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود».

● او همچنین عنوان کرد: «در ایام جنگ ۱۲ روزه نیز رفتار این کشورها دشمنی با جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد و لازم است اقدام متقابل و قاطعی نسبت به رفتار این کشورها انجام شود».

● عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز ضمن محکوم کردن فعال شدن «مکانیسم ماشه»، در نامه‌ای به شورای امنیت با رد هرگونه تهدید مفاد قطعنامه ۲۳۳۱ تأکید کرد که تلاش اروپا برای تحمیل شروط تازه، رویه‌ای خطرناک و مغایر با حقوق بین‌الملل است.

● در این میان، مقامات و وابستگان جمهوری اسلامی هر کدام پیشنهادی برای تلافی در مقابل فعال شدن مکانیسم ماشه می‌دهند. گروهی می‌گویند باید بمب اتمی ساخته شود و گروهی خواهان بستن تنگه هرمز شدند. حمید رسایی از عباس عراقچی خواسته به تلافی فعال ساختن مکانیسم ماشه، سفرای اروپایی از ایران اخراج شوند.

● میخائیل اولیانوف نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین، اقدام سه کشور اروپایی طرف برجام برای احیای تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران را «اشتباهی بزرگ» توصیف کرد.

در واکنش به فعال شدن «مکانیسم ماشه» اعلام شده است که مجلس شورای اسلامی طرح سه فوریتی برای خارج کردن ایران از معاهده پیمان بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) و پروتکل الحاقی را به جریان می‌اندازد.

حسینعلی حاجی‌دلیگانی نایب رئیس اول کمیسیون اصل ۹۰ مجلس به خبرگزاری فارس گفت که در نامه سه کشور اروپایی به شورای امنیت «سوء نیت و فشار بر جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود».

او همچنین عنوان کرد: «در ایام جنگ ۱۲ روزه نیز رفتار این کشورها دشمنی با جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد و لازم است اقدام متقابل و قاطعی نسبت به رفتار این کشورها انجام شود».

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز ضمن

باز نشر

سان بنیتوی اسلامی

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۵۸) خرداد ۱۳۸۶



خوب، رژیم فقهاتی ما چه چیزش از کلیسای کاتولیک کمتر است که وقتی به مبارزه با مفساد اخلاقی کمر می‌بندد و تنی چند ارادل و اوباش را آفتابه به گردن دور شهر می‌گرداند، یا زنان بدحجاب را مورد تهدید و تعقیب قرار می‌دهد این همه از دوست و دشمن ملامت می‌شود؟

یک نظام شرعی، وظیفه‌اش قبل از هر چیز، اجرای احکام شرع است خواه در قانون اساسی یا قوانین مدنی و جزائی ذکری از جرائم و مجازاتهای شرعی شده یا نشده باشد. چه خوب استدلال کرده است آقای حسین شریعتمداری (چه اسم بامسمائی: الاسماء تنزل من السماء) مدیر کیهان تهران که در مقاله‌ای با عنوان «شما را به خدا، به خود آید»، می‌نویسد:

«آیا می‌توان انکار کرد که دستاوردهای انقلاب اسلامی نظیر استقلال، مقاومت، ایثار، ایستادگی در برابر زورگویی قدرتهای استکباری، پیشرفتهای حیرت‌انگیز علمی و... در صورت آلودگی جوانان این مرز و بوم به فساد و تباهی، هرگز به دست نمی‌آمد؟! اگر این واقعیت قابل قبولی باشد - که هست - پرسش بعدی آن است که آیا دشمنان سرسخت ایران اسلامی از این واقعیت بی‌خبرند؟ بدیهی است که به گواهی همه اسناد موجود و اعترافات صریح دشمنان، پاسخ به این سؤال منفی است. بنابراین آیا نباید نتیجه گرفت که از نگاه دشمن، برخورد خصمانه با عفاف، پاکدامنی و روحیه معنوی مردم - مخصوصا جوانان - حمله به پاشنه آشیل نظام اسلامی خواهد بود؟ به یقین پاسخ مثبت است و این پاسخ مثبت نه فقط از درون یک تحلیل منطقی و علمی بر می‌آید بلکه تمامی شواهد و قرائن و اسناد موجود از این واقعیت تلخ خبر می‌دهد که شرح آن مثنوی هفتاد من کاغذ است و انکار آن ناممکن. با توجه به این نکته بدیهی کدام عقل سلیم و کدام مسئول دلسوخته و مردم دوستی می‌تواند ضرورت مقابله با مفساد اجتماعی، مخصوصا انواع سازمان یافته آن را انکار کند؟»

این نقص قانون اساسی و قوانین دیگر است که بدحجابی و انواع دیگر فساد و تباهی را مشخص و مجازات آنها را معین نکرده‌اند نه قانون شریعت. مطمئن باشید طرح مبارزه با مفساد اخلاقی نه تنها راه بر «براندازی نرم» می‌بندد، سلاحهای گرم دشمنان را هم که به سوی ام‌القرء اسلام نشانه رفته‌اند بی‌اثر می‌سازد.

ولتر، اثر معروف خود (کاندید) قهرمان داستان را که جوانی ساده‌لوح و خوش‌ساور است در معرض حوادث عجیب و غریب قرار می‌دهد و به حکم سرنوشت، از این شهر به آن شهر و از این کشور به آن کشور و از این قاره به آن قاره می‌کشانند.

ورود کاندید و معلم و مرشدش دکتر پانگولوس به «لیسبون» مصادف شد با زلزله‌ای که دوسوم شهر را ویران کرد. بزرگان شهر، برای پیشگیری از زلزله دیگری که امکان داشت باقیمانده شهر را نیز درهم بکوبد و از لیسبون اثری برجای نگذارد، چاره‌ای ندیدند جز مجازات تنی چند خلافکار و گناهکار.

بگیر بگیر شروع شد. یک روستایی اهل «باسک» که در مراسم تعمید کودکی، نقش پدرخوانده (پدر تعمیدی) را داشت و برخلاف قانون کلیسا با مادر تعمیدی آن طفل ازدواج کرده بود، به دام افتاد. بعد، دو تن پرتغالی را گرفتند که مرغی را بدون رعایت مقررات شرعی کشته و خورده بودند. بالاخره آمدند به سراغ کاندید و مرشد او دکتر پانگولوس که دومی متهم بود به گفتن حرفهای کفرآمیز و اولی به گوش دادن تأییدآمیز آن سخنان.

آن دو را شبانه گرفتند و به طور جداگانه در اتاقی شبیه سردخانه محبوس کردند. بعد از هشت روز، به حکم دادگاه شرعی (انکیزایسیون) محکوم شدند به سان بنیتو (San - benito) یعنی پوشاندن کپنک زردرنگی بر آنها و گذاشتن کلاه بوقی بر سرشان و گرداندن به دور شهر در این کسوت. ولتر می‌نویسد بر کپنک و کلاه بوقی کاندید، تصویری از شیطان و شعله‌های آتش نقش شده بود، شیطانی که شاخ و دم نداشت و آتشی که از بالا به پایین شعله می‌کشید. دکتر پانگولوس اما، کپنکی بر تن و کلاهی بر سر داشت که تصویر شیطان را با شاخ و دم و شعله‌های آتش را به سوی بالا بر آن نقش کرده بودند. (نقوش سمبولیک برحسب درجه گناهشان) آنان را پیشاپیش گروهی که سرودهای مذهبی می‌خواندند و به وسیله دسته موزیک کلیسا همراهی می‌شدند در شهر گردش دادند. سه گناهکار اسپانیائی و پرتغالی را زنده زنده به آتش کشیدند و دکتر پانگولوس را حلق‌آویز کردند... و در همان روز، زمین از نو به طرز خوفناکی لرزید!

حضور ۲۰ رهبر یکشنبه ۳۱ اوت (نهم شهریور) آغاز شد. آنچه فعلاً بیش از سایر مسائل مورد توجه رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفته، حضور ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در این نشست است. آو اخیراً پس از دیدار با دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در آلاسکا و گفتگو بر سر پایان دادن به جنگ اوکراین تا اندازه‌ای از انزوای بین‌المللی خارج شد.

شبکه تلویزیونی دولتی CCTV چین در گزارش خود درباره حضور پوتین گفت که روابط بین چین و روسیه در «بهترین موقعیت خود در تاریخ» قرار دارد و به «پایدارترین، بالغ‌ترین و مهم از نظر استراتژیک، در میان کشورهای بزرگ» تبدیل شده است.

مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی ایران نیز بامداد یکشنبه نهم شهریور برای شرکت در اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای راهی چین شد. همزمان علی خامنه‌ای رهبر رژیم در یک پیام کوتاه در «ایکس» خواستار عملیاتی شدن تمام مفاد «همکاری راهبردی ۲۵ ساله» جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین شد. توافقی که به «ایران‌فروشی» معروف شده است.

در این پیام آمده است: «ایران و چین با سابقه کهن تمدنی در دو سوی آسیا، قدرت تحول آفرینی در صحنه منطقه‌ای و جهانی را دارند. عملیاتی‌کردن تمامی ابعاد توافق راهبردی، این راه را هموار می‌کند.»

خامنه‌ای در این پیام که به زبان چینی هم باز نشر شده، به سند همکاری‌های ۲۵ ساله موسوم به «سند همکاری راهبردی و جامع ۲۵ ساله ایران و چین» اشاره کرده که فروردین ۱۴۰۰ امضا شد و مقامات جمهوری اسلامی مدعی شدند که بر مبنای این سند قرار است چین ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ایران انجام دهد.

سفر مسعود پزشکیان به چین در حالی انجام می‌شود که جمهوری اسلامی برای کاهش فشار تحریم‌ها امیدوار است با «استراتژی رهبری» علی خامنه‌ای یعنی «نگاه به شرق» و حضور در پیمان‌هایی چون شانگهای و بریکس (اتلافی) متشکل از برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی و چند عضو جدید از جمله ایران) بتواند بخشی از انزوای بین‌المللی را کاهش دهد.

برخی مقامات تهران مدعی‌اند آثار و پیامدهای وخیم فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» طی همکاری‌های تجاری با شرق به ویژه چین تبدیل می‌شود. سرآمد این باور خود خامنه‌ای است اما شواهد و آمارها نشان می‌دهد چینی‌ها تمایل چندانی به گسترش روابط اقتصادی و تجاری با جمهوری اسلامی ندارند و رژیم ایران را بیشتر فروشنده نفت ارزان و خریدار کالاهای بنجل آن کشور می‌دانند.

ژوئنگ پی وو سفیر چین در تهران ادعا می‌کند، فشار و تحریم‌ها علیه رژیم ایران به بن‌بست رسیده‌اند. شماری از تحلیلگران حکومتی نیز مدعی‌اند که شرکت‌های چینی به راحتی یاد گرفته‌اند تحریم را دور بزنند و از ایران نفت بخرند اما تعداد زیادی از مقامات و عوامل حکومت نیز، بارها با انتقاد از سیاست‌های نظام، علنی گفته‌اند تا تحریم‌ها باقیست چینی‌ها حاضر به تجارت عادی با جمهوری اسلامی نیستند.

در همین ارتباط حسین موسویان دیپلمات سابق جمهوری اسلامی و سفیر پیشین نظام در آلمان می‌گوید: «میزان سرمایه‌گذاری چین در سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ در عربستان ۳۷ برابر و در امارات ۳۱ برابر ایران بوده است! توافق راهبردی ۲۵ ساله ایران با چین امضاء شد اما مادامی که تحریم‌ها بقوت خود باقی و عضویت ایران در FATF حل نشود، نتیجه‌ای بهتر از این حاصل نخواهد شد.»

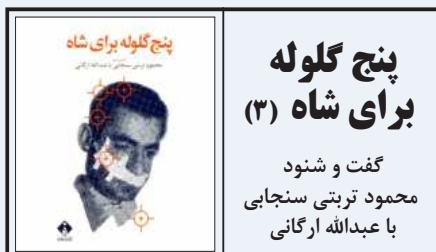


توطئه متهم کردن سپهبد رزم آرا به ترور شاه

ارگانی: کیانوری توسط یکی از برادران لنکرانی برای من پیام فرستاد که

در بازپرسی بگویم رزم آرا دستور کشتن شاه را داده بود

(تاریخ نشر در کیهان لندن: دی و بهمن ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۴۳ - ۹۳۹)



پنج گلوله برای شاه (۳)

گفت و شنود
محمود تربتی سنجابی
با عبدالله ارگانی

او، داستان را از زبان شاهدان واقعه و نیز کسانی که پایشان به معرکه کشیده شد، باز می‌گوید. تقریباً همه آنها از جهان رفته‌اند جز يك تن که نزدیکترین دوست ناصر فخرآرایی بود و از قصداو برای کشتن شاه اطلاع داشت اما تا کنون کسی روایت کامل او را نشنیده بود: عبدالله ارگانی. بخشی از کتاب «پنج گلوله برای شاه» و خاطرات عبدالله ارگانی را برای ملاحظه شما برگزیده‌ایم که در چند شماره خواهید خواند.

پیش از نیم قرن بر حادثه پانزده بهمن (سوء قصد به محمدرضا شاه در محوطه دانشگاه تهران میگذرد و هنوز ابهاماتی درباره این رویداد که به انحلال حزب توده و بازداشت گروه زیادی از فعالان سیاسی انجامید باقیست. محمود تربتی سنجابی خبرنگار پیشین روزنامه اطلاعات، اخیراً با تدوین و انتشار کتاب «پنج گلوله برای شاه» این پرونده قدیمی ولی همچنان مفتوح را به نحوی جذاب و عاری از هرگونه جانبداری و جانب‌گیری، در معرض بازنگری قرار داده است.



محمد رضا شاه در حالی که دستمالی بر دهان گرفته است، محوطه دانشگاه را برای رفتن به بیمارستان ترک میکند. (سرهنک محمد دفتری رئیس دژبان پشت سر شاه دیده می‌شود)

خودداری می کردند. حتی کیانوری هم کوچکترین نشانه حاکی از آشنایی با من نمی داد.

● آیا کیانوری در زندان با شما ارتباط برقرار کرد؟ فقط یک بار یک روز یکی از برادران لنکرانی که او هم بازداشت شده بود به سلول من آمد و گفت از عالی ترین مرجع حزب برایت پیغام دارم بیا به دستشویی در آنجا به من گفت کیانوری گفته است که تو عبدالله ارگانی باید در دادگاه بگویی که این رزم آرا بود که مرا مأمور ترور شاه کرد البته به این پیغام اعتنایی نکردم زیرا اگر چنین حرفی را می زدم یعنی این که مباشرت در طرح ترور را قبول کرده ام و در ضمن من حتی قیافه رزم آرا را به خوبی نمی شناختم. یعنی اگر رزم آرا در میان چند افسر ارتش بود و از من می پرسیدند کدامشان رزم آراست قادر به شناسایی دقیق ←

بخواهی امشب نزد شوهر خواهرات پمانی باید بازجویی پس بدهی سپس از من بازجویی به عمل آمد. به بازجو گفتم من با ناصر دوست بودم و شوهر خواهرم اصلاً او را نمی شناسد. بازجو به صفاری رئیس شهربانی گزارش کرد که ما باید ایشان را می گرفتیم اشتباه هادی را گرفته ایم بدین ترتیب بود که بازداشت و روانه زندان شدم روز بعد به زندان انفرادی منتقل شدم چهار شبانه روز بدون این که بخوابم یوسف بهرامی، رئیس آگاهی از من بازجویی می کرد و شش تا هشت محافظ برایم گماشته بود. بهرامی عقیده داشت که چون ترور کار حزب توده است. امکان دارد عوامل حزب مرا بکشند تا قضیه لوث شود.

بعد از چندی به زندان موقت منتقل شدم سران دستگیر شده حزب در زندان موقت بودند. اما از تماس با من

● ناصر فخرآرایی که در دانشگاه کشته شده بود مامورین از کجا به رابطه شما با او پی بردند.

- فقیهی شیرازی مرا لو داد. پس از کشته شدن ناصر و کشف کارت خبرنگاری او مامورین به سراغ فقیهی شیرازی میروند. فقیهی به مامورین می گوید «امروز صبح وقتی در مطب بودم از پنجره دیدم که ناصر در مقابل خانه ارگانی با او سرگرم صحبت است.

بعد از چند دقیقه به اتفاق هم به درون خانه رفتند مطب فقیهی درست مقابل خانه ما بود.

هنگامی که مامورین شوهر خواهرم را بردند خواهرم سخت ناراحت بود. به او گفتم ناراحت نباش من با او می روم و به خانه بر می گردانمش.

در شهربانی مامور بازجو پس از سئوالاتی چند دستور بازداشت هادی ارگانی را صادر کرد و به من گفت اگر

اند: «احساس من این است که همان انگیزه ای که ارگانی را واداشت تا در زیر چوبه دار از گفتن راز به نامحرم خودداری کند هنوز عمل میکند نگرانی من این است که اگر روزی در اثر محذورات یا ملاحظات دیگر مقید به سخن گفتن شود باز به خاطر عواطف عاطفی و نوستالژی گذشته از بیان حقیقت خودداری نماید و اگر چنین کند واقعاً تأسف بار است. زیرا نسل کنونی نیاز به دانستن حقیقت دارد».

-من اصلاً آقای امیر خسروی را از نزدیک نمی شناسم.

در دادگاه نظامی

● **لطفاً جریان محاکمه خود و سایر متهمین را شرح دهید**

-در دوران بازجویی یک روز بازپرس در ارتباط با همین اتهام - مرا احضار کرد. در اتاق بازپرس مرد ناشناسی که حدوداً ۵۰ تا ۵۵ سال داشت نشسته بود. وی قدی کوتاه داشت و کمی هم چاق بود.

بازپرس از من پرسید این شخص را می شناسید؟ گفتم خیر ارادتی ندارم بعد رو کرد به مرد ناشناس و پرسید شما چطور؟ این آقا را تا بحال دیده اید؟ ناشناس پاسخ گفت: بله بله

روز جمعه ۱۵ بهمن از ساعت سه تا چهار بعد از ظهر او را پشت دیوار دانشگاه در حالی که پشت سرهم با هیجان سیگار میکشید و قدم می زد، دیده ام.

بازپرس نگاهی به من کرد و گفت: بفرمائید چه پاسخی در جواب دارید؟ گفتم کمی صبر کنید. بعد نگاهم را روی ورقه بازجویی مرد ناشناس که به پرونده ام الصاق شده بود انداختم از تاریخ بازجویی او مدتی گذشته بود. مرد ناشناس خودش را با نام مستعار لهراسب معرفی کرده بود. فکر کردم چون دروغ می گوید حتماً این نام را از یاد برده است. لذا با لحنی حاکی از سرزنش و عصبانیت سه بار تکرار کردم: «اسم شما چیست؟»

فرد ناشناس که نام مستعارش را از یاد برده بود دچار لکنت زبان شد. بعد گفتم تو که اسم خودت را به یاد نداری چطور یادت هست که مرا از ساعت سه تا چهار بعد از ظهر جلو دانشگاه دیده ای اصلاً تو چه کاره ای؟ جلو دانشگاه چه می کردی؟ آنجا نه گردشگاه است و نه مغازه ای بعد در جواب بازپرس گفتم: «توچشمبندی را ببین!»

هنوز دادگاه من شروع نشده بود که سرهنگ بقایی درجه سرتیپی گرفت و رئیس دادسرای نظامی ارتش شد. او یک روز مرا به دفترش احضار کرد. دستور داد چای آورند. بعد با مهربانی گفت: «پسرم کاری است که شده من تو را امروز تا ظهر آزاد میکنم فقط یک شرط دارد؛ با هم می رویم خدمت اعلیحضرت و پوزش می طلبی و می گویی که این صمد کامبخش بود که مرا به این کار واداشت». من انکار کردم و گفتم: «کدام کار؟ من جز آشنایی با ناصر که آن هم امریست عادی گناه دیگری نکردم چرا بی خود به مردم اتهام بزنم». بقایی عصبانی شد و گفت: «دودمانت را به یاد میدهم!» سرتان را درد نیآورم، بالاخره بعد از چند ماه محاکمه من شروع شد. وکیل سرهنگ شاهقلی - یکی از افسران با شرف و پاکدامن ارتش وقتی فهمید که خانواده ام با تنگدستی زندگی می کنند دیناری حق الوکاله از من نگرفت و این در حالی بود که شخص دیگری سرهنگ اخگر که خیلی تظاهر به دینداری می کرد برای حق الوکاله مبلغی را پیشنهاد کرد که اگر تمام زندگی و دارایی مان را می فروختیم یک سوم مبلغ پیشنهادی ایشان نمی شد.

ادامه دارد

ماجرای چنین بود در اوایل حکومت دکتر مصدق یک روز سرهنگ شاهقلی وکیل در زندان به ملاقات من آمد و گفت: تو به زودی آزاد می شوی و بعد اضافه کرد: معلوم شده رزم آرا در ترور شاه دست داشته و ناصر با او در ارتباط بوده است!»

تعجب کردم، ماجرا را پرسیدم گفت: چندی پیش سرلشکر حجازی رئیس شهربانی بین راه منزل و دفترش دو نفر را که سوار موتور سیکلت بوده و کیفی را حمل می کردند مشاهده می کند. نسبت به آنان مشکوک می شود ترتیبی میدهد که آن دو را به کلانتری برده و مورد بازجویی قرار دهند. از کیف آنان دفترچه خاطرات رزم آرا بدست می آید که در آن رزم آرا اذعان به دست داشتن در توطئه ۱۵ بهمن کرده است. لذا پرونده امر تشکیل و از طریق رکن مراتب به اطلاع شاه رسانده شده و تا به حال عده ای از یاران نزدیک رزم آرا که در این کار دست داشته اند و نامشان در دفترچه بوده دستگیر شده اند.

چندی گذشت و از آزادی من خبری نشد. بعد معلوم شد دستگیر شدگان شکایت به شاه برده شاه دستور پیگیری قضیه را به مقامات صادر می کند. در نتیجه پس از تطبیق خط دفترچه با خط رزم آرا معلوم می شود دفترچه خاطرات



لحظاتی پس از تیراندازی سرهنگ دفتری رئیس دژبان شاه را برای سوار شدن به اتومبیل و رفتن به بیمارستان کمک میکند.

جعلی بوده و از سوی مخالفین رزم آرا برای بدنام کردن او فراهم شده و ترتیبی اتخاذ می کنند که آن دفترچه به وسیله آن دو نفر بدست مقامات نظامی بیفتد. به همین مناسبت پرونده امر بایگانی و از دسترس مطلعین دور نگهداشته و حتی معدوم میشود. آن دو نفر یکی شان یک همدریف سرگرد شهربانی بود که اکنون اسمش را به خاطر ندارم و به ده سال زندان محکوم شد و دیگری منوچهر مطیعی کارمند شهربانی و رمان نویس مجلات و نشریات تهران بود که به شش ماه زندان محکوم شد. من در زندان بسیار سعی کردم تا از آن دو حرف بکشم ولی بکلی خاموشی گزیده بودند. اما آنچه مسلم بود آنان از عوامل مخالف رزم آرا به شمار می آمدند.

● آقای بابک امیر خسروی در کتاب خود چنین نوشته

● در آن زمان رزم آرا در حقیقت یک قدرت مسلم به حساب می آمد چون وی رئیس ستاد ارتش و به خاطر ماجرای آذربایجان نیز از معروفیت خاصی برخوردار بود و عکس او حتماً در روزنامه های آن زمان چاپ می شده است و شما که عضو حزب توده بودید و خیلی بیش تر از افراد معمولی با مطبوعات سر و کار داشتید؟ چگونه ممکن است قادر به شناسایی رزم آرا نباشید؟

-رزم آرا، افسری محقق و دانشمند بود و اوقات فراغت خود را صرف تحقیق می کرد. وی تألیف زیادی دارد. از جمله معروف ترین آنها چندین جلد جغرافیای کامل ایران است - که تاکنون کسی نتوانسته است نظیر آن را تألیف کند. به همین جهت رزم آرا در مراسم میهمانی و شب نشینی های دولتی و خصوصی شرکت نمی کرد و در مراسم رسمی هم کمتر دیده میشد. اگر به مناسبتی از او در روزنامه ها تصویری چاپ می شد. با لباس نظامی بود. او نقاب کلاهش را آن قدر بر روی پیشانی پائین می آورد که به طور کلی بالای چهره اش را می پوشاند. به همین جهت چهره اش برای اکثر مردم ناشناخته بود.

همین طور برای من حتی خلیل طهماسبی متهم به قتل رزم آرا - قبل از ترور او برای این که با چهره و قد و قامت رزم آرا آشنایی پیدا کند. یک ماه قبل از ترور وی به بهانه پیدا کردن شغل به نخست وزیری رفته بود. این مطلب را آقای نصرت الله خازنی بازرس ویژه رزم آرا در خاطراتشان آورده اند.

ضمناً مطلبی به یاد آمد که مربوط میشود به دفتر خاطرات جعلی سپهبد رزم آرا این مطلب بازگو کننده این است که چطور همقطاران و دشمنان او با دسیسه چینی و دوختن پاپوش در صدد بوده اند ذهن شاه را نسبت به رزم آرا بدبین کنند. حتی پس از کشته شدنش از هیچ کوششی در برانگیختن این سوءظن خودداری نکردند. من به یاد ندارم تاکنون درباره جعل دفترچه خاطرات رزم آرا در جایی چیزی خوانده یا شنیده باشم

رافائل گروسی در مصاحبه با «رادیو فرانسه»:

هیچ سائیتی به دلیل حمله نظامی از بازرسی معاف نمی‌شود



رافائل گروسی / عکس: رویترز

تعدیل کنیم. ما توضیح دادیم که توافق‌ها و چارچوب‌های قانونی تغییر نخواهند کرد و همان است که بود. در عین حال، منطقی بود که به نگرانی‌های [رژیم] ایران توجه کنیم و ببینیم در سطح عملی چه راه‌هایی برای تعدیل روش‌ها و رویه‌ها وجود دارد. این به معنای تغییر ماهیت بازرسی‌ها نیست، بلکه به معنای نوع اجرا و شیوه‌های عملی است.» او ادامه داد: «ما وارد چنین گفتگوهایی شده بودیم. در همین چارچوب هم بحث‌هایی درباره سوخت نیروگاه بوشهر و موضوعات مرتبط مطرح شد. این پیشرفت‌ها کم‌اهمیت نبود، چون خیلی‌ها فکر می‌کردند ما دیگر امکان بازگشت به ایران را نخواهیم داشت.»

بازگشت به همه سایت‌ها در ایران کاملاً ضروریست

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پاسخ به این پرسش که «شما احتمالاً امیدوارید که به سایت‌های هسته‌ای که هدف حملات قرار گرفتند نیز دسترسی پیدا کنید. آیا تا امروز در ارزیابی و درک‌تان از خساراتی که حملات آمریکا و اسرائیل در ماه ژوئن [خردادماه] به برنامه هسته‌ای [جمهوری اسلامی] ایران وارد کرده‌اند، پیشرفت بیشتری داشته‌اید؟»، گفت: «بازگشت به همه سایت‌ها در ایران کاملاً ضروریست. بازرسی انتخابی وجود ندارد. [رژیم] ایران نمی‌تواند بگوید که به اینجا بیایید، اما نمی‌توانید به نطنز یا اصفهان بروید چون آنها مورد حمله قرار گرفته‌اند! همه می‌دانیم این حملات جدی بود و خساراتی ایجاد کرد. ممکن است نیاز به اقدامات امنیتی و احتیاطی باشد، اما هیچ سائیتی به دلیل حمله نظامی از بازرسی معاف نمی‌شود.»

گروسی تصریح کرد: «این فقط یک مسئله حقوقی نیست؛ مهم‌تر از آن اینست که نباید فراموش کنیم در همان سایت‌ها اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی وجود دارد یعنی موادی که می‌تواند بالقوه برای تولید سلاح هسته‌ای استفاده شود. بنابراین ضروریست که بازرسان ما حضور یابند و تأیید کنند که این مواد همچنان سر جای خود هستند. از نظر فنی این کار شدنی است و این موضوع اساس تمام این فرایندهاست.»

با آمریکایی‌ها را از سر بگیرد، ممکن است تهدید کنیم. اینها مسائل بین این کشورهاست. اما ما کار خود را ادامه می‌دهیم و خواهیم دید این تصمیم چه اثری بر روندی که [جمهوری اسلامی] ایران شروع کرده‌ایم خواهد داشت.» **بازگشت تحریم‌ها کار آژانس در ایران را سخت و شاید غیرممکن کند**

مدیرکل آژانس بین‌المللی در پاسخ به پرسشی درباره واکنش جمهوری اسلامی که فعال شدن مکانیسم ماشه را «غیرموجه و غیرقانونی» توصیف کرده، گفت: «همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شدت به خطر خواهد افتاد... دیروز تماس‌هایی داشتیم. همانطور که گفتید، طبیعتاً واکنش‌هایی در سطوح مختلف وجود دارد. یکی موضع دولت است و مورد دیگر موضع مجلس [شورای اسلامی] و جناح‌های سیاسی. در مجلس ایران [مجلس شورای اسلامی] صداهای محافظه‌کارتر بلندتر است. پس باید دید این روند چگونه پیش می‌رود.»

گروسی با اشاره به همکاری با جمهوری اسلامی در این زمینه ادامه داد: «آنچه [رژیم] ایران امروز می‌گوید این است که بازگشت تحریم‌ها کار ما را بسیار دشوار خواهد کرد، حتی شاید غیرممکن. ولی من تلاش می‌کنم مسیر خودم را حفظ کنم. اگر بخواهم به همه پیامدهای جانبی نگاه کنم، کار پیش نمی‌رود. هرچند بدون تردید این یک موضوع بسیار مهم است.»

منطقی است که به نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران توجه کنیم

گروسی درباره ضرورت بازگشت بازرسان آژانس به ایران توضیح داد: «روشن است که پس از حملات و ۱۲ روز درگیری، شرایط دیگر مثل قبل نیست. این را باید پذیرفت. اما آنچه تغییر نکرده، چارچوب‌های حقوقی است که همچنان وجود دارد یعنی تعهدات [رژیم] ایران به عنوان عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و توافق پادمان‌ها. در ابتدا [رژیم] ایران می‌گفت که نه، باید اینها تغییر کند یا آنها را

● رافائل گروسی با حضور در پادکستی که روز جمعه ۲۹ اوت (هفتم شهریور) از رادیو بین‌المللی فرانسه پخش شد، به پرسش‌هایی درباره فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی، جنگ ۱۲ روزه و فعال شدن مکانیسم ماشه پاسخ داد.

● «بازگشت به همه سایت‌ها در ایران کاملاً ضروریست. بازرسی انتخابی وجود ندارد. [رژیم] ایران نمی‌تواند بگوید که به اینجا بیایید، اما به نطنز یا اصفهان نمی‌توانید بروید چون آنها مورد حمله قرار گرفته‌اند! همه می‌دانیم این حملات جدی بود و خساراتی ایجاد کرد. ممکن است نیاز به اقدامات امنیتی و احتیاطی باشد، و هیچ سائیتی به دلیل حمله نظامی از بازرسی معاف نمی‌شود.»

● «نباید فراموش کنیم در همان سایت‌ها اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی وجود دارد؛ یعنی موادی که می‌تواند بالقوه برای تولید سلاح هسته‌ای استفاده شود. بنابراین ضروریست که بازرسان ما در آنجا حضور یابند و تأیید کنند که این مواد همچنان سر جای خود هستند. از نظر فنی این کار شدنی است و این موضوع اساس تمام این فرایندهاست.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با اشاره به تصمیم تروئیکای اروپایی برای فعال ساختن مکانیسم ماشه علیه جمهوری اسلامی، بازگشت بازرسان به تمامی سایت‌های هسته‌ای ایران را «کاملاً ضروری» دانست و گفت که «بازرسی انتخابی وجود ندارد.»

رافائل گروسی با حضور در پادکستی که روز جمعه ۲۹ اوت (هفتم شهریور) از رادیو بین‌المللی فرانسه پخش شد، به پرسش‌هایی درباره فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی، جنگ ۱۲ روزه و فعال شدن مکانیسم ماشه پاسخ داد. مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پاسخ به پرسشی درباره فعال شدن مکانیسم ماشه توسط اروپایی‌ها و اینکه «آیا این تصمیم در روزهای اخیر اجتناب‌ناپذیر شده بود؟»، گفت: «همه تصمیم‌های سیاسی همینطور هستند؛ قابل اجتناب یا اجتناب‌ناپذیر. در نهایت تصمیم سیاسی است و باید به همین شکل درک شود. فکر می‌کنم موضع فرانسه، بریتانیا و آلمان روشن بود و حالا به اجرا گذاشته شد.»

او در ادامه توضیح داد: «این بخشی از یک روند است. اکنون یک دوره ۳۰ روزه آغاز شده که امیدواریم در آن پیشرفتی حاصل شود، تا پیش از آنکه بازگشت تحریم‌ها قطعی شود. این ساز و کار باعث می‌شود هیچ وتوی روسیه یا چین در شورای امنیت نتواند مانع بازگشت تحریم‌ها شود. در ضمن، در ماه اکتبر روسیه ریاست دوره‌ای شورای امنیت را بر عهده خواهد داشت، بنابراین اروپایی‌ها احساس فوریت داشتند.»

در بخش دیگری از این برنامه مجری از گروسی پرسید: «شما گفتید تصمیم سه کشور اروپایی سیاسی است؛ آیا جایگزینی برای آن وجود داشت؟» او پاسخ داد: «این به منطق سه کشور اروپایی بازمی‌گردد و لازم نیست من وارد آن شوم. تنها چیزی که می‌توانم بگویم اینست که برای ما در آژانس اهمیت دارد که دوباره بتوانیم کار بازرسی را از سر بگیریم. این موضوع نیز درواقع بخشی از شرایطی بود که سه کشور اروپایی مطرح کرده بودند. مثلاً می‌گفتند اگر [رژیم] ایران همکاری خوبی با آژانس داشته باشد، می‌توانیم کمی وقت بیشتری به آن بدهیم. یا اگر [رژیم] ایران گفتگو

درخواست سناتور تام کاتن از وزیر دفاع و رئیس آف‌بی‌آی برای تحقیق درباره شبکه نفوذ جمهوری اسلامی در کنگره



سناتور تام کاتن

● سناتور تام کاتن رئیس کمیته اطلاعاتی سنا در نامه‌ای به مدیر آف‌بی‌آی و وزیر دفاع خواستار تحقیق فوری درباره احتمال نفوذ عوامل جمهوری اسلامی در دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا شد.

● روزنامه «نیویورک پست» سوم سپتامبر (۱۲ شهریور) گزارش داد کاتن سناتور جمهوریخواه ایالت آرکانزاس در این نامه هشدار داد که اطلاعات امنیت ملی آمریکا ممکن است به یک «قدرت خارجی» منتقل شده باشد، یا شهروندان آمریکایی در راستای منافع «یک قدرت متخاصم خارجی» برای تأثیرگذاری بر سیاست ایالات متحده فعالیت کرده باشند.

● او از پیت هگست وزیر دفاع و کاشیپ پاتل رئیس آف‌بی‌آی خواست این پرونده را «بطور کامل از نظر ضدجاسوسی و همچنین احتمال ارتکاب جرم» بررسی کنند.

● در این نامه بطور خاص نام آراین طباطبایی از بنیانگذاران «ابتکار کارشناسان ایرانی» (IEI) ذکر شده است. او در دولت بایدن در وزارت خارجه دارای مقام ارشد بود و اکنون نیز به عنوان مشاور ارشد سیاست‌گذاری در پنتاگون مشغول به کار است.

متحدہ دسترسی داشته باشد. آف‌بی‌آی و وزارت دفاع باید به اصلاح بسیاری از رخنه‌های امنیتی دولت بایدن ادامه دهند.

با اینهمه، طباطبایی همچنان توانسته شغلش را در پنتاگون با حقوق سالانه ۱۵۳،۴۳۴ دلار و همچنین مجوز امنیتی خود را حفظ کند.

طباطبایی که در تهران بزرگ شده دختر سیدجواد طباطبایی، یکی از متفکران سیاسی سرشناس ایران است. پدرش در دانشگاه تهران تدریس می‌کرد و با رؤسای جمهور پیشین جمهوری اسلامی، محمد خاتمی و حسن روحانی، روابط نزدیکی داشت.

در نامه چهارشنبه‌ی کاتن به پاتل و هگست، که به عنوان رئیس کمیته اطلاعاتی سنا آن را ارسال کرده بود، هشدار داده شده: «من بار دیگر نگرانی خود را تکرار می‌کنم که وابستگان مرتبط با حکومت ایران بر عملیات دولت ایالات متحده تأثیر گذاشته و شاید همچنان در حال تأثیرگذاری باشند. به ویژه آراین طباطبایی همچنان با جامعه اطلاعاتی آمریکا همکاری دارد.»

نامه کاتن همچنین چندین نفر از منصوب‌شدگان در دولت‌های اوباما و بایدن را متهم کرده است که «برای سال‌ها بطور مکرر و گزارش‌نشده با مقامات ایرانی مانند محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی در تماس بوده‌اند» و حتی «از تهران راهنمایی می‌گرفتند.»

در پایان، او تأکید کرده: «در حالی که دولت بایدن بارها درخواست جمهوریخواهان را برای برکناری مقامات وابسته به IEI و دولت ایران نادیده گرفت، اما حالا آف‌بی‌آی و وزارت دفاع باید این اشتباه را جبران کنند.»

دلیل سوء مدیریت در استفاده از «اطلاعات محرمانه» تعلیق شد. منتقدان مدعی‌اند که مالی در کانون یک رسوایی بزرگ وزارت خارجه قرار داشت و رویکردی «سهل‌انگارانه» را نسبت به جمهوری اسلامی ایران تشویق می‌کرد؛ رویکردی که به رژیم ایران امکان داد تا بتواند به حماس و حزب‌الله در حملات علیه اسرائیل کمک کند.

جمهوریخواهان سال‌هاست آراین طباطبایی را نفوذی خوانده‌اند؛ ادعایی که مقامات اطلاعاتی دولت بایدن آن را بارها رد کرده‌اند.

در اکتبر سال ۲۰۲۴، زمانی که اسناد آمریکایی درباره حمله‌ی احتمالی به جمهوری اسلامی ایران فاش شد و ضربه‌ای بزرگ به تلاش‌های جنگی اسرائیل وارد آمد، دستگاه اطلاعاتی اسرائیل انگشت اتهام را مستقیماً به سمت طباطبایی نشانه گرفت.

یک کارشناس ایرانی مستقر در آمریکا در سال ۲۰۲۴ به «نیویورک پست» گفت: «مدتهاست به او مظنون هستند که با رژیم اسلامی همکاری می‌کرده است. برخی خواستار لغو مجوز امنیتی او شده بودند.»

پنتاگون پیشتر تأکید کرده بود که طباطبایی در این افشاگری‌ها مظنون نبوده است.

سناتور کاتن پس از ارسال نامه در گفتگو با «نیویورک پست» بار دیگر بر ضرورت ترمیم «کشتی سوراخ‌شده‌ای که بایدن برجای گذاشت» تأکید کرد.

او درباره‌ی طباطبایی گفت، ماموریت رژیم ایران «مرگ بر آمریکا» است، بنابراین نگران‌کننده است که جو بایدن اجازه داده کسی با این سطح از ارتباط با زمامداران جمهوری اسلامی ایران به اطلاعات امنیت ملی ایالات

سناتور تام کاتن رئیس کمیته اطلاعاتی سنا در نامه‌ای به مدیر آف‌بی‌آی و وزیر دفاع خواستار تحقیق فوری درباره احتمال نفوذ عوامل جمهوری اسلامی در دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا شد.

روزنامه «نیویورک پست» سوم سپتامبر (۱۲ شهریور) گزارش داد/ کاتن سناتور جمهوریخواه ایالت آرکانزاس در این نامه هشدار داد که اطلاعات امنیت ملی آمریکا ممکن است به یک «قدرت خارجی» منتقل شده باشد، یا شهروندان آمریکایی در راستای منافع «یک قدرت متخاصم خارجی» برای تأثیرگذاری بر سیاست ایالات متحده فعالیت کرده باشند.

او از پیت هگست وزیر دفاع و کاشیپ پاتل رئیس آف‌بی‌آی خواست این پرونده را «بطور کامل از نظر ضدجاسوسی و همچنین احتمال ارتکاب جرم» بررسی کنند.

کاتن در نامه خود تأکید کرد که اعضای شبکه نفوذ ایران موسوم به «طرح کارشناسان ایران» در دولت جو بایدن رئیس جمهوری پیشین آمریکا، به موقعیت‌های کلیدی دست یافته و خطری جدی برای امنیت ملی آمریکا ایجاد کرده‌اند.

در این نامه بطور خاص نام آراین طباطبایی عضو بنیانگذار «ابتکار کارشناسان ایرانی» (IEI) ذکر شده است. او در دولت بایدن در وزارت خارجه، دارای مقام ارشد بود و اکنون نیز به عنوان مشاور ارشد سیاست‌گذاری در پنتاگون مشغول به کار است.

طباطبایی همچنین دستیار ارشد رابرت مالی، فرستاده ویژه بایدن در امور ایران بود که در ژوئن ۲۰۲۳ به

حمله حوثی‌ها به یک نفتکش اسرائیلی در دریای سرخ



تصویر آرشیوی از حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری / عکس: عرب نیوز

رئیس سازمان انرژی اتمی: بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از نظارت ایران را ترک کردند

● رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی نهم شهریور در مصاحبه با تلویزیون جمهوری اسلامی گفت: «دعوت از آژانس برای نظارت بر فرآیند تعویض سوخت نیروگاه اتمی بوشهر در دستور کار بود که با اجازه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی نظارت انجام شد. دو بازرس آمدند، نظارت کردند و رفتند.»

● اختلاف جمهوری اسلامی و آژانس بعد از جنگ ۱۲ روزه به اوج خود رسید تا جایی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌ای ادعا کردند که رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی «سرسپرده‌ی آمریکا و اسرائیل است».

● محمد اسلامی نیز رافائل گروسی را «مشکل» می‌داند و می‌گوید: «نکته‌ای که مهم است، فرایندی است که باید بر اساس قانون اتفاق بیفتد و در حال مذاکره است. جلساتی میان وزارت خارجه و آژانس تشکیل شده است، جلسه سوم نیز در پیش است. اشکال ما این است که نظام رهبری و مدیریت آژانس، تحت تأثیر نظام سلطه عمل می‌کند. مشکل اساسی شخص مدیرکل است.»

محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی اعلام کرد که دو بازرس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که برای نظارت بر تعویض سوخت نیروگاه بوشهر به ایران سفر کرده بودند، پس از پایان کار، کشور را ترک کردند.

محمد اسلامی نهم شهریور در مصاحبه با تلویزیون جمهوری اسلامی گفت: «دعوت از آژانس برای نظارت بر فرآیند تعویض سوخت نیروگاه اتمی بوشهر در دستور کار بود که با اجازه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی نظارت انجام شد. دو بازرس آمدند، نظارت کردند و رفتند.» او افزود: «جلساتی میان وزارت خارجه و آژانس تشکیل شده است، جلسه سوم نیز در پیش است.»

فر بازرسان آژانس به ایران در شرایطی انجام شد که سه کشور اروپایی امضاکننده برجام «مکانیسم ماشه» را برای بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی فعال کرده‌اند.

بعد از حمله تروریستی «هفت اکتبر»، از نوامبر ۲۰۲۳ تا دسامبر ۲۰۲۴ حوثی‌ها به بیش از ۱۰۰ کشتی با موشک و پهپاد به دلیل جنگ اسرائیل و حماس در غزه حمله کردند. در جریان این حملات تا کنون چهار کشتی غرق و دست‌کم هشت ملوان کشته شدند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی دست‌کم در سه سخنرانی با صراحت از شبه‌نظامیان «مقاومت» خواست شریان‌های حیاتی اسرائیل را قطع کنند.

حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی در جریان یک آتش‌بس کوتاه‌مدت در جنگ، حملات خود را متوقف کردند. پس از آن، آنها هدف یک کارزار چند هفته‌ای از حملات هوایی قرار گرفتند که به دستور دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، انجام شد. حوثی‌ها در ماه ژوئیه (خردادماه) دو کشتی را غرق کردند و دست‌کم چهار نفر را کشتند. همچنین گفته می‌شود تعدادی از خدمه کشتی‌ها هنوز در اسارت آنها هستند.

حملات جدید حوثی‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که احتمال دستیابی به آتش‌بس تازه‌ای در جنگ اسرائیل و حماس در غزه همچنان نامشخص است. همزمان آینده‌ی مذاکرات آمریکا و جمهوری اسلامی نیز در ابهام قرار دارد.

اسرائیل هفته گذشته مجموعه‌ای از حملات هوایی در یمن انجام داد که طی آن نخست‌وزیر حوثی‌ها و چندین وزیر کابینه کشته شدند. به نظر می‌رسد حمله حوثی‌ها به این کشتی پاسخی به این اقدام اسرائیل باشد، همانطور که پورش آنها به دفاتر سازمان‌های غذا، بهداشت و کودکان سازمان ملل در صنعا پایتخت یمن، که منجر به بازداشت دست‌کم ۱۱ کارمند سازمان ملل شد، بخشی از این پاسخ تلافی‌جویانه ارزیابی می‌شود.

● شبه‌نظامیان حوثی در یمن بامداد دوشنبه اول سپتامبر (۱۰ شهریورماه) به سمت یک نفتکش در نزدیکی سواحل عربستان سعودی در دریای سرخ موشک شلیک کرده‌اند.

● یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها در پیامی ضبط‌شده که از شبکه ماهواره‌ای «المسیره» (وابسته به حوثی‌ها) پخش شد، مسئولیت این شلیک را بر عهده گرفت. او ادعا کرد کشتی «اسکارلت ری» با پرچم لیبیا متعلق به اسرائیل بوده است.

● مرکز عملیات تجارت دریایی بریتانیا (UK-MTO) که کشتیرانی در خاورمیانه را رصد می‌کند، پیشتر گزارش داده بود که یک کشتی در نزدیکی بندر بنع عربستان صدای برخورد و انفجار در نزدیکی خود شنیده است.

به گزارش ای‌بی‌سی نیوز، شبه‌نظامیان حوثی در یمن بامداد دوشنبه اول سپتامبر (۱۰ شهریورماه) به سمت یک نفتکش در نزدیکی سواحل عربستان سعودی در دریای سرخ موشک شلیک کرده‌اند؛ اقدامی که می‌تواند به معنی از سر گرفتن حملات آنها به کشتیرانی در این گذرگاه حیاتی جهانی باشد.

یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها در پیامی ضبط‌شده که از شبکه ماهواره‌ای «المسیره» (وابسته به حوثی‌ها) پخش شد، مسئولیت این شلیک را بر عهده گرفت. او ادعا کرد کشتی «اسکارلت ری» با پرچم لیبیا متعلق به اسرائیل بوده است.

مرکز عملیات تجارت دریایی بریتانیا (UKMTO) که کشتیرانی در خاورمیانه را رصد می‌کند، پیشتر گزارش داده بود که یک کشتی در نزدیکی بندر بنع عربستان صدای برخورد و انفجار در نزدیکی خود شنیده است.

آلمان به شهروندان خود هشدار داد هرچه زودتر ایران را ترک کنند



وزارت خارجه آلمان / عکس: رویترز

تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی آغاز کردند؛ اقدامی که به نوشته رویترز انتظار می‌رود تنش‌ها را افزایش دهد.

در بیانیه وزارت خارجه آلمان آمده: «با توجه به تهدیدهای مکرر مقامات ایران، نمی‌توان خطر تأثیر اقدامات متقابل بر شهروندان و منافع آلمان را نادیده گرفت».

این وزارتخانه همچنین هشدار داده است: «در حال حاضر سفارت آلمان در تهران تنها می‌تواند خدمات کنسولی محدودی ارائه دهد».

پیشتر استرالیا نیز پس از اخراج سفیر جمهوری اسلامی از کانبرا، سفارت خود در تهران را تعطیل کرده و به اتباع استرالیایی هشدار داده بود که ایران را ترک کنند. بعد از جنگ ۱۲ روزه گزارش شد چند سفارتخانه از جمله انگلیس، اتریش، آلمان، فرانسه و سوئد فعالیت‌های خود را در تهران متوقف یا محدود کرده‌اند.

هفته گذشته در ۳۱ امرداد مارکوس پوتسل سفیر آلمان با انتشار ویدئویی در رسانه‌های اجتماعی به زبان فارسی خداحافظی کرد و از ایران رفت. او که مدت کوتاهی در این مقام بود، با ابراز تأسف از اینکه ایران را ترک می‌کند، علت رفت‌اش را «شخصی» خواند و همزمان توضیح داد که این سفارتخانه «باز» می‌ماند ولی کارمندان کمتر شده و به این ترتیب صدور ویزا نیز محدودتر و کمتر خواهد شد.

مارکوس پوتسل با اشاره به اینکه یکسال گذشته «پر از حادثه» بود و او «تحولات» و «اتفاقات» را دیده، به تفاوت وضعیت ایران نسبت به یکسال پیش اشاره کرد و با آرزوی «صلح» و «ثبات» برای ایرانیان، گفت که آرزو دارد برگردد و وقتی که بر می‌گردد ایرانیان به موفقیت رسیده باشند.

● یک روز بعد از فعال‌شدن مکانیسم ماشه از سوی سه قدرت اروپایی علیه جمهوری اسلامی، دولت آلمان از اتباع خود خواسته است خاک ایران را ترک کنند و از سفر به این کشور خودداری نمایند تا در معرض اقدامات احتمالی تلافی‌جویانه حکومت قرار نگیرند.

● خبرگزاری رویترز روز جمعه ۲۹ اوت (هفتم شهریور) گزارش داد، دو ماه پس از جنگ ۱۲ روزه، آلمان، فرانسه و بریتانیا روز پنجشنبه روند ۳۰ روزه را برای اجرای دوباره تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی آغاز کردند؛ اقدامی که به نوشته رویترز انتظار می‌رود تنش‌ها را افزایش دهد.

● در بیانیه وزارت خارجه آلمان آمده: «با توجه به تهدیدهای مکرر مقامات ایران، نمی‌توان خطر تأثیر اقدامات متقابل بر شهروندان و منافع آلمان را نادیده گرفت».

● هفته گذشته در ۳۱ امرداد مارکوس پوتسل سفیر آلمان با انتشار ویدئویی در رسانه‌های اجتماعی به زبان فارسی خداحافظی کرد و از ایران رفت. وی با آرزوی «صلح» و «ثبات» برای ایرانیان، گفت که آرزو دارد برگردد و وقتی که بر می‌گردد ایرانیان به موفقیت رسیده باشند.

یک روز بعد از فعال‌شدن مکانیسم ماشه از سوی سه قدرت اروپایی علیه جمهوری اسلامی، دولت آلمان از اتباع خود خواسته است خاک ایران را ترک کنند و از سفر به این کشور خودداری نمایند تا در معرض اقدامات احتمالی تلافی‌جویانه حکومت قرار نگیرند.

خبرگزاری رویترز روز جمعه ۲۹ اوت (هفتم شهریور) گزارش داد، دو ماه پس از جنگ ۱۲ روزه، آلمان، فرانسه و بریتانیا روز پنجشنبه روند ۳۰ روزه را برای اجرای دوباره

→ مجلس شورای اسلامی هشدار داده بود که اگر بازرسان آژانس از سایت‌های اتمی که مورد حمله قرار گرفتند بازدید کنند، علیه مسعود پزشکیان رئیس دولت و علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی «اعلام جرم» می‌کنند.

مکانیسم ماشه پس از آن فعال شد که جمهوری اسلامی،



پاسدار محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی

از پذیرش سه شرط اروپایی‌ها امتناع کرد. آنها خواسته بودند، جمهوری اسلامی دسترسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تأسیسات هسته‌ای خود را ممکن سازد، نگرانی‌ها درباره ذخایر اورانیوم غنی‌شده را برطرف کند و وارد گفتگوهای مستقیم با ایالات متحده شده و به توافق برای برچیدن بساط غنی‌سازی و دیگر موارد تسلیحاتی برسد.

اختلاف جمهوری اسلامی و آژانس بعد از جنگ ۱۲ روزه به اوج خود رسید تا جایی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌ای ادعا کردند که رافائل گروسی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی «سرسپرده‌ی آمریکا و اسرائیل است».

محمد اسلامی نیز رافائل گروسی را «مشکل» می‌داند و می‌گوید: «نکته‌ای که مهم است، فرایندی است که باید بر اساس قانون اتفاق بیفتد و در حال مذاکره است. جلساتی میان وزارت خارجه و آژانس تشکیل شده است، جلسه سوم نیز در پیش است. اشکال ما این است که نظام رهبری و مدیریت آژانس، تحت تأثیر نظام سلطه عمل می‌کند. مشکل اساسی شخص مدیرکل است».

بر اساس گزارش منابع غربی، گروسی از سوی عوامل حکومت ایران با تهدید جانی روبروست و تحت محافظت قرار گرفته است. او که اخیراً مواضع تندتری نسبت به جمهوری اسلامی گرفته است در مصاحبه با «فاکس نیوز» به جمهوری اسلامی هشدار داد: «اگر بخوایم از تکرار آنچه در ژوئن [جنگ ۱۲ روزه] دیدیم جلوگیری کنید، باید فعالیت‌های آژانس از سر گرفته شوند.» گروسی همچنین به حکومت اخطار داد: «بدون نظارت آژانس در ایران هیچ مذاکره جدی شکل نمی‌گیرد».

پس از فعال ساختن مکانیسم ماشه سه قدرت اروپایی به جمهوری اسلامی اعلام کردند هنوز فرصت برای گفتگو هست، اما فعلاً به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی قصد عقب‌نشینی ندارد و احتمال حمله نظامی نیز وجود دارد.

پول و پاسپورت؛ چرا رژیم دست به دامان ایرانیان خارج کشور شد



● ظرف روزهای اخیر دور تازه‌ای از تحریم‌های نفتی و کشتیرانی اعمال شد؛ همزمان، هشدارهای صریح درباره «خطر تحریم ثانویه» برای هر مؤسسه خارجی که با اشخاص تحریم‌شده کار کند، تکرار شده است. در چنین فضایی، جذب دلارهای ایرانیان خارج به‌عنوان مُسکن مالی اهمیت دوچندان یافته است.

● ایجاد ساز و کارهای سرمایه‌گذاری توسط ایرانیان «خارج کشور» با بازوهای حکومتی، تلاشی برای محافظت از پروژه‌ها در برابر ریسک‌های داخل است؛ اما این پوشش در برابر تحریم‌های آمریکا و FATF کارایی محدودی دارد.

● هر همکاری با نهادهای حکومتی یا اشخاص تحریم‌شده حتی از طریق شرکت ثالث در کشور ثالث می‌تواند شما را به عنوان فرد مهاجر یا شریک مالی شما را در معرض تحریم ثانویه قرار دهد (انسداد حساب‌ها، قطع روابط بانکی، پیگرد حقوقی).

س.روزبه- مجلس شورای اسلامی در ۵ شهریور ۱۴۰۴ برابر ۲۷ اوت ۲۰۲۵ «شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور» را با ترکیبی عمدتاً امنیتی تصویب کرد و همزمان به «صندوق نوآوری و شکوفایی» اجازه داد با سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم خارج، در داخل و حتی خارج ایران، سرمایه‌گذاری مشترک انجام دهد. در ظاهر، هدف «جذب سرمایه و شبکه‌سازی نخبگان» است؛ در عمل اما ساز و کار است برای کنترل جامعه مهاجران ایرانی (در پاراگراف ۳ توضیح داده شده است) و انتقال ریسک‌های سیاسی و تحریمی به افراد خارج کشور برای تثبیت بقا و مشروعیت حکومت، نه توسعه آزاد اقتصاد.

چرا اکنون؟

(۱) فشار تحریم‌ها و نیاز فوری به ارز: ظرف روزهای اخیر دور تازه‌ای از تحریم‌های نفتی و کشتیرانی اعمال شد؛ همزمان، هشدارهای صریح درباره «خطر تحریم ثانویه» برای هر مؤسسه خارجی که با اشخاص تحریم‌شده کار کند، تکرار شده است. در چنین فضایی، جذب دلارهای ایرانیان خارج به‌عنوان مُسکن مالی اهمیت دوچندان یافته است.

(۲) بن‌بست مالی و بانکی: ایران همچنان در فهرست سیاه FATF به عنوان «کشور پرخطر» قرار دارد؛ یعنی معاملات بانکی با ایران پرریسک است، حتی اگر محل پروژه خارج از ایران باشد.

(۳) مدیریت دیاسپورا: واژه‌ی دیاسپورا (Diaspora) از ریشه‌ی یونانی به معنای «پراکنده شدن» می‌آید. در علوم اجتماعی و سیاسی، به گروهی از مردم گفته می‌شود که از سرزمین اصلی خود مهاجرت کرده یا رانده شده‌اند و در کشورهای مختلف پراکنده‌اند، اما هنوز با زادگاه و هویت قومی ملی خود پیوند دارند. به زبان ساده: دیاسپورا یعنی جمعیت پراکنده‌ی یک ملت در بیرون از مرزهای کشورشان و یا جامعه‌ی مهاجران.

ویژگی‌های اصلی جامعه‌ی مهاجران

۱. پراکندگی جغرافیایی: اعضای دیاسپورا در نقاط مختلف جهان زندگی می‌کنند.
۲. حفظ هویت مشترک: با وجود دوری از وطن، پیوندهای فرهنگی، زبانی و ملی خود را حفظ می‌کنند.
۳. ارتباط با سرزمین مادری: علاقه و حساسیت نسبت به تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور مبدا دارند.

دلاری بخش خصوصی ایرانیان خارج کشور است، بدون نیاز به گشایش واقعی در سیاست خارجی حکومت.

● کنترل و پایش دیاسپورا: با تجمیع تصمیم‌گیری ذیل یک شورا با وزن امنیتی، جذب «هدفمند» نخبگان و سرمایه‌گذاران و نظارت بر شبکه‌های آنان ممکن می‌شود.

● ویرترین مشروعیت: غایب «حمایت از ایرانیان خارج» می‌تواند در تبلیغات رسمی به عنوان نرمش و تفاهم معرفی شود، بی‌آنکه الزامی به اصلاح ساختارهای حقوقی- سیاسی در داخل ایجاد کند.

● دور زدن نسبی مقررات بین‌المللی: ایجاد ساز و کارهای سرمایه‌گذاری توسط ایرانیان «خارج کشور» با بازوهای حکومتی، تلاشی برای محافظت از پروژه‌ها در برابر ریسک‌های داخل است؛ اما این پوشش در برابر تحریم‌های آمریکا و FATF کارایی محدودی دارد.

عواقب و ریسک‌ها برای ایرانیان خارج کشور

(۱) ریسک تحریم‌های ثانویه و تبعات کفیری- مالی هر همکاری با نهادهای حکومتی یا اشخاص تحریم‌شده حتی از طریق شرکت ثالث در کشور ثالث می‌تواند شما را به عنوان فرد مهاجر یا شریک مالی شما را در معرض تحریم ثانویه قرار دهد (انسداد حساب‌ها، قطع روابط بانکی، پیگرد حقوقی). راهنمایی‌های OFAC و هشدارهای تازه وزارت خزانه‌داری آمریکا این را با صراحت تأکید می‌کنند.

(۲) ریسک بانکی-پرداختی ناشی از FATF

جمهوری اسلامی ایران در فهرست سیاه FATF قرار دارد؛ بانک‌ها و فین‌تک‌های معتبر جهان با هر تراکنش مرتبط، سختگیرانه برخورد می‌کنند. نتیجه؟ بلوکه شدن وجوه، تعلیق حساب، افزایش هزینه تطبیق و عقب‌نشینی شرکای خارجی.

(۳) ریسک‌های داده‌ای و امنیتی

ترکیب شورای عالی شامل نهادهای اطلاعاتی و قضایی است. هر «سامانه شبکه‌سازی نخبگان و سرمایه‌گذاران» عملاً به پایگاه داده‌ای تبدیل می‌شود که می‌تواند برای پایش، احضار و فشار بر خانواده‌های داخل استفاده شود. این نگرانی با سوابق «بازداشت خودسرانه»

۴. نقش‌آفرینی سیاسی-اقتصادی: اغلب در تحولات کشور مبدا تأثیرگذار می‌شوند؛ چه از طریق سرمایه‌گذاری و چه از راه فشار سیاسی و رسانه‌ای.

نمونه‌ها

● دیاسپورای یهودی که از قدیمی‌ترین نمونه‌ها و پراکنده در سراسر جهان پیش از تأسیس اسرائیل بوده‌اند.

● دیاسپورای ارمنی که پس از کشتارهای جمعی توسط حکومت عثمانی، در بسیاری از کشورها بطور پراکنده ساکن شدند.

● دیاسپورای ایرانی که پس از انقلاب ۱۳۵۷ و بحران‌های بعدی در جمهوری اسلامی به اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا و کشورهای همسایه مهاجرت کرده‌اند و شمار آنها به چند میلیون نفر می‌رسد.

بنابراین وقتی گفته می‌شود «دیاسپورای ایرانی»، منظور جامعه ایرانیان خارج کشور است که با وجود دوری، هنوز با سرنوشت ایران درگیر و مرتبط‌اند.

موج کشتگری ایرانیان خارج در سال‌های اخیر، حکومت را به سمت تعیین «چارچوب‌های امنیتی» سوق داده است؛ به همین دلیل ترکیب شورا شامل وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه (ساس)، قوه قضائیه و فرماندهی انتظامی است. این یعنی سیاست‌گذاری امور دیاسپورا ذیل منطق امنیتی تعریف شده است.

متن موصوبه چه می‌گوید؟

● ماده ۱۴: «شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور» به ریاست رئیس جمهوری اسلامی و با حضور عالی‌ترین مقامات امنیتی- قضایی و رسانه‌ای حکومت و دبیرخانه‌ای در وزارت خارجه تشکیل می‌شود.

● ماده ۱۵: اجازه سرمایه‌گذاری مشترک صندوق نوآوری با ایرانیان مقیم خارج برای توسعه بین‌المللی شرکت‌های دانش‌بنیان- در داخل یا خارج کشور. این ماده با رأی قاطع تصویب شد (گزارش‌ها از «۲۰۳ رأی موافق» از «۲۲۱» نماینده حاضر سخن می‌گویند).

مزایای این طرح برای حکومت

● تزریق ارز و ترمیم کسری: هدف فوری، ورود منابع

دو تابعیتی‌ها- اتباع خارجی» تقویت می‌شود.
(۴) ریسک سفر و تردد

نهادهای مستقل بارها درباره خطر بازداشت خودسرانه به عنوان ابزار چانه‌زنی هشدار داده‌اند؛ در هفته‌های اخیر نیز کشورهای هشدار «عدم سفر» داده‌اند. مشارکت اقتصادی و رفت و آمد به ایران، این ریسک را افزایش می‌دهد.

(۵) ریسک حقوقی قراردادهای و انتقال پول

اجرای قرارداد، داوری بی‌طرف، تضمین بازگشت اصل و سود، تبدیل ارز و خروج سرمایه متأثر از مداخلات حکومتی و تحریم‌هاست. بسیاری از دعاوی عملاً غیرقابل پیگیری مؤثر می‌شوند، به ویژه وقتی طرف مقابل نهادهای دارای مصونیت عملی باشند. (این ریسک با وضعیت تحریمی و FATF تشدید می‌شود.)

(۶) ریسک اعتباری

ورود نام یک فرد یا شرکت به زنجیره طرفین مرتبط با نهادهای تحریم‌شده حتی ناآگاهانه می‌تواند به اخلاف در مجوزها، بیمه‌ها، روابط بانکی و همکاری‌های دانشگاهی حرفه‌ای در کشور محل اقامت فرد مهاجر منجر شود.

وظیفه و راهبرد پیشنهادی برای ایرانیان خارج کشور

• خط قرمز قانون: باید پیش از هر همکاری، از مشاور حقوقی مستقل در کشور محل اقامت درباره رژیم‌های تحریمی (امریکا، اروپا، بریتانیا، کانادا)، کنترل صادرات و ریسک تحریم ثانویه نظر مکتوب گرفت. فهرست‌های SDN و هشدارهای ناظر مالی خود را نیز باید چک کرد.

• شفافیت طرف مقابل: شناسایی نفع‌برندگان نهایی (UBO)، عدم ارتباط با سپاه پاسداران و نهادهای تحریم‌شده، و مسیر شفاف پرداخت (بانک غیرتحریم‌شده، کشور ثالث با وضعیت حقوقی مشخص). اگر طرف مقابل یا صندوق «پوششی» باشد، نباید همکاری کرد.

• حاکمیت قانون در قرارداد: هر تعهدی را می‌بایست ذیل مقررات حقوقی یک حوزه بی‌طرف (مثلاً حقوق انگلستان و سوییس) با شرط داوری بین‌المللی، حساب امانی خارج از ایران، و بند فسخ خودکار در صورت تحریم تنظیم کرد.

• تفکیک «حمایت از مردم» از «همکاری با نهادهای امنیتی»: اگر قصد از چنین همکاری‌هایی حمایت از کارآفرینان ایرانی است، می‌بایست مسیرهای کم‌خطر و مستقل و شفاف را برگزید (برای تیم‌های خارج، خرید خدمت از استارت‌آپ‌های غیرحکومتی خارج، همکاری دانشگاهی شفاف و قانونی).

• حفاظت از خانواده داخل: هر نوع ثبت‌نام در «سامانه‌های نخبگان و سرمایه‌گذاران» را می‌بایست با در نظر گرفتن پیامدهای امنیتی برای اقوام داخل انجام داد؛ از حداقل داده‌های شخصی می‌بایست استفاده کرد و از ارائه مدارک اضافه خودداری نمود.

• مسئولیت مدنی رسانه‌ای: روایت تجربه‌ها، درخواست شفافیت از نهادهای برگزارکننده و هشدار به دیگران، بخشی از مسئولیت اجتماعی دیاسپورا و جامعه مهاجران ایرانی است.

جمع‌بندی

ترفند «شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور» در کوتاه‌مدت ممکن است به سود حکومت باشد؛ با ورود احتمالی ارز، نمایش «همراهی با نخبگان»، و ایجاد یک پنجره جدید برای مدیریت و مهار جامعه مهاجران. اما برای افراد خارج کشور، «ریسک ترکیبی» دارد: تحریم‌های ثانویه، انسداد بانکی ناشی از FATF، ریسک‌های امنیتی-داده‌ای و ناامنی حقوق قرارداد. ساز و کار «سرمایه‌گذاری مشترک» وقتی در پشت آن نهادهای امنیتی و بازیگران تحریمی باشند که توسط کشورهای غربی و جامعه بین‌المللی تحت

دوران محمدرضا شاهی؛ نه «حکمرانی»، بلکه کشورداری و مدیریت کارآمد (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



رفاه برای مردم در سایه صلح و امنیت جهانی، مسیری بود که قطار پهلوی با سرعت می‌پیمود. محمدرضا شاه از آوردن هر امکان نوینی به مملکت دریغ نمی‌کرد. او همواره با کاستی‌های ایران آشنا بود و در عین حال با نگاه تیزبین خود پیشرفت‌های دنیا را نیز زیر نظر داشت.

پیامدهای اقتصادی بازگشت تحریم‌های بین‌المللی در گفتگو با دکتر حسن منصور



فعال شدن مکانیسم ماشه، به اقتصاد جمهوری اسلامی یک شوک روانی بسیار قوی وارد خواهد کرد. هنوز تحریم‌های بین‌المللی بازنگشته‌اند ولی بی‌اطمینانی میان فعالان اقتصادی و مردم ساعت به ساعت افزایش می‌یابد. از مردم عادی تا نهادهای اقتصادی با در نظر گرفتن وضعیت دشوارتر در آینده، به خرید ارزهای خارجی، طلا و رمزارز هجوم برده‌اند. ریزش مداوم در بازار بورس، جهش نرخ ارز، تشدید تورم از جمله عواقب این بی‌اعتمادی به اقتصاد کشور است.

کارشناسان اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند که در مدت کوتاهی بعد از بازگشت تحریم‌های گسترده بین‌المللی اثرات جدی آنها بر معیشت مردم دیده خواهد شد. ریزش درآمدهای ارزی، افزایش نرخ دلار و دیگر ارزها، تورم افسارگسیخته و رشد بیکاری و کاهش قدرت خرید، افزایش هزینه‌های زندگی را به دنبال دارد و در نتیجه قشرهای ضعیف و متوسط جامعه تحت فشار بیشتری قرار خواهند گرفت. تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، برخلاف تحریم‌های آمریکا، مشروعیت بین‌المللی دارد و هزینه‌های سنگینی بر جمهوری اسلامی و اقتصاد نحیف ایران تحمیل خواهد کرد.

احمد رأفت با دکتر حسن منصور اقتصاددان در لندن گفتگویی در همین ارتباط انجام داده است.

اسلامی یعنی شبکه‌سازی تهدید و ریسک و خطر برای مهاجران ایرانی و خانواده‌هایشان.

منابع کلیدی: متن مصوبات و ترکیب شورا (ایسنا/تسنیم/ایرنا/ دنیای اقتصاد)، وضعیت FATF، تحریم‌های اخیر و هشدارهای OFAC، گزارش‌های حقوق بشری درباره بازداشت‌های خودسرانه و ریسک سفر

فشار قرار گرفته‌اند، نه تنها رونق و سود نمی‌آورد بلکه جز خطر و ریسک ندارد.

وظیفه‌ی دیاسپورا، پافشاری و اصرار بر رعایت قانون و اخلاق است: هر همکاری فقط وقتی معنادار است که قانوناً امن، شفاف، مستقل از نهادهای امنیتی و متناسب با منافع مردم باشد. وگرنه «شبکه‌سازی نخبگان» توسط جمهوری

پهپادها؛ فناوری مدرن در خدمت مقاومت مدنی ایران



به نقطه‌ای برساند که دسترسی زمینی‌اش بسته شده است. می‌تواند به عنوان پیام‌رسان به کار گرفته شود و نشانه‌ای ساده برای هماهنگی میان دو گروه در دو سوی یک خیابان باشد. این کارکرد شاید در نگاه اول کوچک به نظر برسد، اما در شرایطی که هر لحظه اهمیت دارد، می‌تواند به استمرار مبارزات کمک کند و جلوی پراکندگی جمعیت را بگیرد.

نقش سوم، بُعد نمادین و روانی پهپاد است. حکومت تلاش می‌کند فضایی از شکست‌ناپذیری و کنترل مطلق ایجاد کند. دیدن یک پهپاد کوچک در آسمان، آنهم بر فراز میدانی که نیروهای امنیتی آن را محاصره کرده‌اند، می‌تواند این تصویر را بشکند. وقتی پرچم یا شعاری از آسمان به چشم مردم می‌رسد، پیام آن ساده اما عمیق است: رژیم بر آسمان هم تسلط کامل ندارد. چنین صحنه‌هایی به مردم اعتماد به نفس می‌دهد و روحیه آنان را تقویت می‌کند.

و در نهایت، اگر سرکوب تشدید شود، پهپاد می‌تواند نقشی فراتر ایفا کند. نه در حد یک ابزار تعیین‌کننده، بلکه به عنوان عاملی برای ایجاد اخلاق و تحمیل هزینه به قوای سرکوب. وقتی نیروهای امنیتی مجبور شوند برای مقابله با چند پهپاد ساده سامانه‌های پیچیده را فعال کنند، منابع بیشتری صرف کنند و تمرکز خود را از دست بدهند، این خود به معنای پیروزی روانی برای مردم است. پهپاد در این مرحله نماد خلاقیت مردمی است که حتی در برابر قدرت سنگین حکومت، راهی برای به چالش کشیدن آن پیدا کرده‌اند.

با این حال، وقتی از پهپاد به عنوان یک ابزار مدنی صحبت می‌کنیم، منظور صرفاً مدل‌های گران‌قیمت و پیشرفته نیست. درواقع، بسیاری از نمونه‌های ارزان و ساده می‌توانند کارکردی مؤثر داشته باشند. ایندسته از پهپادها به دلیل قیمت پایین، در صورت از دست رفتن یا رهگیری، نگرانی بزرگی برای کاربران ایجاد نمی‌کنند و همین باعث می‌شود به گزینه‌ای مناسب برای شرایط پرخطر بدل شوند.

برای نمونه، کوادکوپترهای دست‌ساز یا سرهم‌بندی‌شده با قطعات آماده، معمولاً هزینه‌ای بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ ←

در جنبش‌های آزادیخواهانه نقش مهمی ایفا کند. برای ایران اهمیت این فناوری در آن است که می‌تواند هزینه انسانی مبارزات مدنی و خیابانی را پایین بیاورد و در مقابل، هزینه و فشار را برای قوای سرکوب بالا ببرد. مردمی که بارها با خشونت خیابانی و سرکوب سازمانیافته روبرو شده‌اند، با کمک پهپاد می‌توانند بخشی از خطر را از دوش خود بردارند و در عوض حکومت را وادار کنند منابع و انرژی بیشتری برای مقابله با ابزاری کوچک و نسبتاً ارزان صرف کنند.

این ایده تازه نیست. در کشورهای مختلف موارد زیادی دیده‌ایم که نشان می‌دهد پهپاد می‌تواند نقشی فراتر از ابزار سرگرمی یا فیلمبرداری داشته باشد. در سوریه، نیروهای مخالف حکومت اسد از پهپادهای تجاری برای شناسایی مواضع و هماهنگی استفاده کردند. در اوکراین، پیش از جنگ تمام‌عیار با روسیه، داوطلبان مردمی پهپادها را برای ثبت تصاویر و کمک به دفاع محلی به کار گرفتند. در ونزوئلا نیز مخالفان رژیم مادورو از پهپادها برای ارسال پیام و نشان دادن ضعف حکومت استفاده کردند. هرچند شرایط ایران متفاوت است، اما این نمونه‌ها نشان می‌دهند که این فناوری می‌تواند ابزار مهمی برای مقاومت مدنی باشد.

بر بستر وضعیت و رویدادهای ایران، کارکرد پهپادها را می‌توان در چند سطح توضیح داد.

نخست، نقش دیده‌بانی و هشدار است. یکی از بزرگترین مشکلات اعتراضات خیابانی، غافلگیر شدن مردم در برابر یورش ناگهانی نیروهای امنیتی است. یک پهپاد کوچک می‌تواند بر فراز میدان پرواز کند و مسیر حرکت ماشین‌های سرکوب یا واحدهای موتوری را ثبت کند. این تصاویر و هشدارها اگر به‌موقع منتقل شوند، می‌تواند خطر سرکوب دهه‌ها نفر را تقلیل دهد. درواقع، بخشی از مسئولیت سنگینی که بر دوش جوانان حاضر در خط مقدم است، به دوش فناوری منتقل می‌شود.

دومین نقش، پشتیبانی و هماهنگی است. برای مثال پهپاد می‌تواند بسته‌ای کوچک از ماسک یا سرم شستشو

● پهپادها به عنوان یکی از ابزارهای مدرن فناوری شناخته می‌شوند؛ وسیله‌ای که ابتدا در عرصه‌های نظامی مطرح شد، اما به سرعت راه خود را به کشاورزی، فیلمبرداری، امدادرسانی و حتی فعالیت‌های مدنی باز کرد. اهمیت این فناوری برای جنبش‌های آزادیخواهانه در اینست که می‌تواند هزینه انسانی مبارزات خیابانی و مدنی را کاهش داده و در مقابل، هزینه و فشار را برای قوای سرکوب افزایش دهد. در ایران، جایی که حکومت تلاش دارد همه ابزار قدرت را در انحصار خود نگاه دارد، پهپاد می‌تواند به‌عنوان ابزاری مدرن در خدمت مقاومت مدنی قرار گیرد.

● حکومت تلاش می‌کند فضایی از شکست‌ناپذیری و کنترل مطلق ایجاد کند. دیدن یک پهپاد کوچک در آسمان، آنهم بر فراز میدانی که نیروهای امنیتی آن را محاصره کرده‌اند، می‌تواند این تصویر را بشکند. وقتی پرچم یا شعاری از آسمان به چشم مردم می‌رسد، پیام آن ساده اما عمیق است: رژیم بر آسمان هم تسلط کامل ندارد.

● با اینهمه استفاده از پهپاد بدون خطر نیست. از نظر فنی، پهپادهای تجاری به راحتی توسط سامانه‌های اختلال و رهگیری می‌توانند زمینگیر می‌شوند. راهکار این است که بجای اتکا به مدل‌های آماده و قابل ردیابی، از پهپادهای ساده‌تر یا تغییر یافته استفاده شود. پروازها باید کوتاه باشد، مسیرها از پیش برنامه‌ریزی شده و هر بار توسط واحدهای کوچک و ناشناس انجام گیرد تا خطر ردیابی کاهش یابد.

دیوید اعتباری - پهپادها در دنیای امروز دیگر صرفاً ابزار جنگی نیستند. این پرندهای کوچک که روزگاری تنها در اختیار ارتش‌ها قرار داشتند، به تدریج راه خود را به عرصه‌های غیرنظامی باز کردند: از کشاورزی و نقشه‌برداری گرفته تا فیلمبرداری و امدادرسانی. همین دسترسی گسترده نشان می‌دهد که پهپاد به یک فناوری مدرن با کاربردهای گوناگون تبدیل شده؛ ابزاری که اگر درست به کار گرفته شود، می‌تواند

دوران محمدرضا شاهی؛ اتم برای رشد و رفاه

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



رفاه برای مردم در سایه صلح و امنیت جهانی، مسیری بود که قطار پهلوی با سرعت می‌پیمود. محمدرضا شاه از آوردن هر امکان نوینی به مملکت دریغ نمی‌کرد. او همواره با کاستی‌های ایران آشنا بود و در عین حال با نگاه تیزبین خود پیشرفت‌های دنیا را نیز زیر نظر داشت.

قطار اتمی!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

→ دلار دارند و می‌توانند حدود یک تا دو کیلومتر پرواز کنند. میکروکوادکوپترها، کوچک‌تر و ارزان‌ترند (۵۰ تا ۱۰۰ دلار) و گرچه بُرد و زمان پروازشان کمتر است، اما به دلیل اندازه و صدای بسیار محدود، در محیط‌های شهری سخت‌تر قابل رهگیری هستند. پهپادهای مسابقه‌ای یا همان FPV با هزینه‌ای در حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ دلار، سرعت و چابکی زیادی دارند و به دلیل نداشتن GPS، کمتر در معرض اختلال و جَمینگ قرار می‌گیرند. در نهایت، پهپادهای بال ثابت که می‌توان آنها را با فوم یا مقوا ساخت، هزینه‌ای حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ دلار دارند و قادرند بین ۵ تا ۱۰ کیلومتر پرواز کنند؛ این پهپادها معمولاً مسیر از پیش‌برنامه‌ریزی شده را طی می‌کنند و نیازی به ارسال سیگنال زنده ندارند.

به بیان ساده، این پهپادها ابزارهایی نسبتاً ارزان، سبک، و سخت‌تر برای رهگیری هستند. توان حمل بار آنها محدود است، اما برای دیده‌بانی، پیام‌رسانی یا اقدامات نمادین کفایت می‌کنند. درست به همین دلیل است که می‌توانند بخشی از ابزار مقاومت مدنی باشند؛ بدون نیاز به فناوری پیشرفته یا سرمایه‌گذاری کلان، تنها با ابتکار و جسارت شهروندان.

با همه اینها، استفاده از پهپاد بدون خطر نیست. از نظر فنی، پهپادهای تجاری به راحتی توسط سامانه‌های اختلال و رهگیری می‌توانند زمینگیر می‌شوند. راهکار این است که بجای اتکا به مدل‌های آماده و قابل ردیابی، از پهپادهای ساده‌تر یا تغییر یافته استفاده شود. پروازها باید کوتاه باشد، مسیرها از پیش‌برنامه‌ریزی شده و هربار توسط واحدهای کوچک و ناشناس انجام گیرد تا خطر ردیابی کاهش یابد. از نظر سیاسی نیز، خطر خدشه‌دار شدن چهره مسالمت‌آمیز جنبش وجود دارد. اگر از پهپاد استفاده شتابزده و تهاجمی شود، رژیم می‌تواند بهانه‌ای برای معرفی معترضان به عنوان «خشونت‌طلب» به دست آورد. بنابراین باید همواره از کارکردهای غیرخشونت‌آمیز آغاز کرد و هر گام فزاینده، تنها زمانی قابل توجیه است که سرکوب به نقطه‌ای برسد که دیگر راهی جز دفاع از جان مردم باقی نماند.

در سطح بین‌المللی هم حساسیت‌هایی وجود دارد. برخی کشورها ممکن است هرگونه استفاده نادرست از پهپاد را با برچسب «تروریسم» بنگرند. اینجاست که اهمیت پیام‌رسانی شفاف آشکار می‌شود. باید به روشنی نشان داده شود که هدف، حفاظت از جان معترضان، کاهش خشونت و ایجاد امکان برای اعتراض مسالمت‌آمیز است. از طرفی اگر دانش و تجربه استفاده از پهپاد در دست شمار اندکی متمرکز شود، خطر نفوذ و شناسایی بسیار بالا می‌رود. بهترین راه، آموزش غیرمتمرکز و ایجاد شبکه‌های کوچک است؛ به گونه‌ای که هیچ فرد یا گروهی همه اطلاعات را در اختیار نداشته باشد. ساخت و مونتاژ محلی قطعات نیز می‌تواند وابستگی به واردات را کاهش دهد و استقلال عملیاتی بیشتری فراهم آورد.

آنچه پهپاد به مبارزان خیابانی می‌دهد، نه قدرت سرنگونی فوری حکومت، بلکه فرصتی برای تغییر موازنه است: فرصتی برای آنکه مردم کمتر هزینه انسانی بدهند و نظام سرکوبگر بیشتر مجبور به هزینه شود. این همان نقطه‌ای است که فناوری مدرن می‌تواند در خدمت آزادی و آینده‌ای بهتر برای ایران نیز قرار بگیرد.

*دیوید اعتباری، نویسنده کتاب Beyond Ideology: The Technocratic Roadmap to a Free Iran (۲۰۲۵)، هم‌بنیان‌گذار سازمان Stop Child Executions و از نظریه‌پردازان گذار ساختارمند، دموکراتیک و فن‌سالار در ایران است.

هورالعظیم؛ تالابی در محاصره آتش: نمادی از فروپاشی اکولوژیک و «حکمرانی» سرزمینی



را به نمادی از «حکمرانی» بد تبدیل کرده است. این بحران نه فقط یک مسئله محیط زیستی، بلکه نشانه‌ای روشن از بی‌ثباتی مدیریتی، نبود شفافیت و ناکارآمدی ساختاری در اداره کشور است؛ ناکامی‌ای که از سطح تالاب فراتر می‌رود و به کل پایداری سرزمینی گره می‌خورد.

تبعاتی فراتر از محیط زیست و ضرورت اقدام فوری
دود برخاسته از هورالعظیم تنها چشم‌ها و ریه‌های مردم را نمی‌سوزاند، بلکه آینده اجتماعی و اقتصادی منطقه را نیز تهدید می‌کند. تداوم این وضعیت می‌تواند موج تازه‌ای از مهاجرت اجباری، ناپایداری اجتماعی و بحران‌های بهداشتی به دنبال داشته باشد. انتشار ذرات معلق و دود گسترده که گاه شاخص آلودگی هوا را در اهواز و شهرهای اطراف به بالای AQI 200 رسانده، تخریب زیستگاه گونه‌های بومی از جمله پرندگان مهاجر، و از بین رفتن منابع معیشتی مرتبط با تالاب، همگی نشانه‌هایی از بحرانی هستند که ابعاد آن از یک مسئله صرفاً محیط زیستی فراتر رفته است.

برای مهار این روند، اقدام فوری و راهکارهای ساختاری ضروری است: تأمین حقایق پایدار تالاب و مدیریت مشترک آن با عراق به عنوان شریک زیست‌بومی؛ ایجاد سامانه‌های واکنش اضطراری و افزایش تاب‌آوری در برابر بحران‌های محیط زیستی؛ بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطفای حریق و سیستم‌های پایش هوشمند؛ اصلاح ساختار «حکمرانی» محیط زیست با تعیین مسئولیت‌های شفاف و الزام به پاسخگویی؛ و در نهایت، استفاده از ظرفیت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.

هورالعظیم امروز تنها یک تالاب نیست؛ بلکه آینه‌ای است از آنچه بر سر منابع طبیعی کشور آمده است. اگر این بحران مهار نشود، پیامدهای آن از استان خوزستان و جنوب غرب کشور فراتر خواهد رفت و به تهدیدی برای پایداری سرزمینی بدل خواهد شد.

*پائولا متکی کارشناس توسعه پایدار

عمومی را به خطر انداخته است. بیش از دو ماه است که ساکنان منطقه زیر بار دود سنگین زندگی می‌کنند و حتا ابتدایی‌ترین حق انسانی یعنی «نفس کشیدن» نیز از آنها سلب شده است. کودکان، بیماران قلبی و ریوی در خط مقدم آسیب قرار دارند و بیمارستان‌ها بجای درمان بیماری‌های متداول، با موج فزاینده بیماران تنفسی دست و پنجه نرم می‌کنند.

فقدان تاب‌آوری و مدیریت اضطرار
این بحران نشان می‌دهد که نه تنها ساز و کار مؤثری برای مهار آتش وجود ندارد، بلکه مدیریت بحران و سیستم اضطرار نیز در برابر چنین تهدیدی عملاً از کار افتاده است. در حالی که در بسیاری از کشورها سامانه‌های واکنش سریع، از هواپیماهای آبیاش تا پهپادهای پایش و خطوط پمپاژ اضطراری به کار گرفته می‌شوند، در هورالعظیم جز وعده و انفعال چیزی دیده نمی‌شود. این ناکامی به روشنی ضعف تاب‌آوری سرزمینی و نبود ظرفیت نهادی برای مواجهه با بحران‌های محیط زیستی را عیان کرده است.

از فقدان «حکمرانی» محیط زیستی تا فروپاشی سرزمینی
بحران هورالعظیم تنها یک رخداد محلی نیست؛ تداوم خشکی تالاب، کاهش حقایق، مداخلات نفتی بدون ارزیابی‌های متناسب با محیط زیست و انسداد مسیرهای طبیعی آب، طی سال‌ها بنیان این زیست‌بوم را فرسوده کرده است. تالابی که باید سپر اقلیمی و پناهگاه تنوع زیستی باشد، امروز به کانون تهدیدی برای امنیت انسانی، معیشت محلی و حتی یکپارچگی اجتماعی بدل شده است؛ وضعیتی که نمونه‌ای آشکار از فروپاشی تدریجی سرزمینی است.

اماریشه این فروپاشی، صرفاً در تغییرات اقلیمی یا فشارهای طبیعی نیست، بلکه در ضعف نهادی و «حکمرانی» ناکارآمد ریشه دارد. فقدان پاسخگویی دستگاه‌ها، واگذاری مسئولیت‌ها از نهادی به نهاد دیگر و بی‌توجهی به اصول صریح قانون اساسی خود جمهوری اسلامی در زمینه حق حیات، هورالعظیم

● هورالعظیم بجای آنکه منبع آب، تنوع زیستی و پشتوانه امنیت اکولوژیک استان خوزستان و جنوب غرب ایران باشد، اکنون چونان کوره‌ای باز، آسمان شهرهایی چون هویزه، بستان، حمیدیه، اهواز و دشت آزادگان را تیره کرده و زندگی مردم را به مرز بحران کشانده است.

● پیامدهای این وضعیت فراتر از نابودی پوشش گیاهی است. دود و ذرات معلق ناشی از آتش‌سوزی‌ها کیفیت هوا را در شهرهای اطراف به شدت کاهش داده و سلامت عمومی را به خطر انداخته است. بیش از دو ماه است که ساکنان منطقه زیر بار دود سنگین زندگی می‌کنند و حتا ابتدایی‌ترین حق انسانی یعنی «نفس کشیدن» نیز از آنها سلب شده است.

● هورالعظیم امروز تنها یک تالاب نیست؛ بلکه آینه‌ای است از آنچه بر سر منابع طبیعی کشور آمده است. اگر این بحران مهار نشود، پیامدهای آن از استان خوزستان و جنوب غرب کشور فراتر خواهد رفت و به تهدیدی برای پایداری سرزمینی بدل خواهد شد.

پائولا متکی - بزرگترین تالاب مرزی ایران که می‌بایست شاه‌رگ حیات جنوب غرب کشور باشد، در محاصره آتش‌سوزی‌های مکرر به کانون یک بحران چندوجهی تبدیل شده است.

هورالعظیم بجای آنکه منبع آب، تنوع زیستی و پشتوانه امنیت اکولوژیک استان خوزستان و جنوب غرب ایران باشد، اکنون چونان کوره‌ای باز، آسمان شهرهایی چون هویزه، بستان، حمیدیه، اهواز و دشت آزادگان را تیره کرده و زندگی مردم را به مرز بحران کشانده است.

این وضعیت نه تنها اکوسیستم منطقه را به نابودی تهدید می‌کند، بلکه پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی وخیمی را برای ساکنان جنوب غرب کشور به همراه داشته و نشانه‌ای از فروپاشی «حکمرانی» سرزمینی است.

تالاب هورالعظیم در سال‌های اخیر بارها شاهد آتش‌سوزی‌های گسترده بوده است؛ تنها در تابستان ۱۴۰۳ بیش از چهار هزار هکتار از سطح آن طعمه حریق شد. این فاجعه صرفاً یک حادثه مقطعی نیست، بلکه نتیجه سال‌ها بی‌توجهی و سیاست‌های نادرست در مدیریت منابع طبیعی است. کاهش حقایق به دلیل سدسازی‌ها و مدیریت نادرست آب، اجرای طرح‌های نفتی بدون ملاحظات محیط زیستی، انسداد مسیرهای طبیعی آب و همچنین آتش‌زدن عمدی پوشش گیاهی خشک توسط برخی بهره‌برداران محلی، از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و تداوم این بحران هستند.

اما ریشه بحران به امروز محدود نمی‌شود. سال‌ها خشکاندن تالاب از طریق کاهش ورودی آب، گسترش فعالیت‌های نفتی، و تخریب زیستگاه‌های طبیعی، زیست‌بوم هورالعظیم را به شدت فرسوده کرده است. تالابی که باید پناهگاه پرندگان مهاجر، آبیان و سپر اقلیمی جنوب غرب کشور باشد، امروز به زمینی خشک، آسیب‌پذیر و مستعد آتش‌سوزی بدل شده است؛ نمادی از بی‌توجهی به محیط زیست و فروپاشی تدریجی یک زیست‌بوم حیاتی.

پیامدهای این وضعیت فراتر از نابودی پوشش گیاهی است. دود و ذرات معلق ناشی از آتش‌سوزی‌ها کیفیت هوا را در شهرهای اطراف به شدت کاهش داده و سلامت

هشدار به حکومت درباره پیامدهای عدم توافق با آمریکا؛ «فعال شدن مکانیسم ماشه به معنای اعلام جنگ است»



مباران مراکز راهبردی جمهوری اسلامی در تهران در جنگ ۱۲ روزه

غریب‌آبادی، هیات ایرانی به ریاست مسعود پزشکیان در نشست سازمان همکاری شانگهای، با سران و مسئولان کشورهای عضو این سازمان دیدار و گفتگو داشته و از این فرصت برای توضیح مواضع ایران استفاده شده است. هرچند جمهوری اسلامی امیدوار است که روند اجرای تحریم‌ها متوقف شود اما بسیاری از کارشناسان معتقدند چین و روسیه نمی‌توانند کمکی به جمهوری اسلامی بکنند. همزمان مدام به حکومت هشدار می‌دهند که اگر با آمریکا به توافق نرسد احتمال تکرار جنگ بسیار بالاست.

رکسانا نیکنامی استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران در رابطه با احتمال وقوع جنگ مجدد میان جمهوری اسلامی و اسرائیل در مصاحبه با «ایلنا» می‌گوید: «فعال شدن مکانیسم ماشه خطر جنگ را افزایش خواهد داد، زیرا هزینه‌های حمله به ایران برای اسرائیل در بعد بین‌الملل کمتر خواهد شد.»

او توضیح می‌دهد: «بطور کلی، همه چیز در یک آرایش تهاجمی‌تر نسبت به ایران قرار می‌گیرد. قبلاً مذاکراتی وجود داشت و اروپایی‌ها به این موضوع توجه می‌کردند، اما فکر می‌کنم بعد از فعال شدن مکانیسم ماشه یک سیر تشدید جو منفی علیه ایران به وجود خواهد آمد. فعال‌سازی مکانیسم ماشه، اولین اتفاق این حرکت دومینوار خواهد بود و بعد از آن ما را به مسیر بازگشت جنگ ژوئن سوق خواهد داد و تهدید را مهم‌تر می‌کند. چندی پیش، یکی از نمایندگان مجلس هم در مورد این موضوع هشدار داده بود.»

او همچنین هشدار داد: «فعال شدن مکانیسم ماشه به معنای اعلام جنگ است و جو داخلی ایران هم بطور قطع واکنش‌هایی را به همراه خواهد داشت که ممکن است ترس را در افکار عمومی اروپا ایجاد کند. بنابراین در این فضا، شرایط برای اینکه اسرائیل بخواند اقدامی کند، بیشتر فراهم می‌شود. همچنین، مشاهده می‌کنیم که در منطقه، تحرکات و فعالیت‌هایی در حال انجام است. بطور کلی، پیش‌بینی می‌کنم که این اتفاق خواهد افتاد، اما در این بازه ۳۰ روزه نخواهد بود و بعد از فعال شدن قطعی ماشه، احتمالاً باید آمادگی‌های لازم را داشته باشیم.»

خود را «پیروز» می‌داند، زیرا معتقدند هدف اسرائیل و آمریکا سرنگون کردن حکومت بود اما موفق به انجام آن نشدند! فراتر از این در درون حکومت هستند کسانی که گمان می‌کنند جمهوری اسلامی دست بالا را دارد؛ همانهایی که در توهم «بست تنگه هرمز» بسر می‌برند. این افراد بدون در نظر گرفتن اینکه در همان ساعات اولیه جنگ ۲۵ نفر از فرماندهان ارشد نیروهای مسلح حذف شدند و در روز دوم جنگ کنترل آسمان ایران به دست اسرائیل افتاد همچنان علیه آمریکا و اسرائیل رجز می‌خوانند.

کافیست جان حداقل ۵۰۰ سرباز آمریکایی تهدید شود!
مرتضی محمودی نماینده مجلس شورای اسلامی در واکنش به خبرها درباره احتمال حمله اسرائیل و آمریکا می‌گوید: «معیار تصمیم‌گیری آمریکا (اسرائیل) برای حمله یا عدم حمله، مذاکره یا عدم مذاکره نیست. بلکه هزینه‌ای که جنگ با ایران برایشان دارد توجه می‌کنند. کافیست جان حداقل ۵۰۰ سرباز آمریکایی تهدید شود، آنوقت محاسبات آنها تغییر می‌کند. نکته‌ای که برخی سیاست‌پوین‌فی خواهند بفهمند!»

کاظم غریب‌آبادی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی که همراه مسعود پزشکیان برای حضور در نشست سازمان همکاری شانگهای به چین سفر کرده، می‌گوید: «اروپایی‌ها می‌گویند فرآیند اسنپ‌بک ۲۰ تا ۳۰ روز طول می‌کشد. ما هم اعلام کردیم امیدواریم که اروپا از همین بازه زمانی برای اصلاح اشتباهی که مرتکب شده استفاده کند، چرا که خودشان می‌دانند اگر به سمت بازگرداندن تحریم‌ها حرکت کنند، ایران نیز واکنش متناسب را اتخاذ خواهد کرد.»

او در عین حال ابراز امیدواری کرد که با توجه به حضور چین و روسیه در شورای امنیت سازمان ملل بتوان از فعال شدن مکانیسم ماشه جلوگیری کرد.

غریب‌آبادی با اشاره به حضور نماینده پاکستان به عنوان عضو غیردائم شورای امنیت گفت که هر سه کشور روسیه، چین و پاکستان در باره بازگشت تحریم‌های بین‌المللی دارای مواضع مشترکی با جمهوری اسلامی هستند. به گفته

● کاظم غریب‌آبادی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید: «امیدواریم که اروپا از فرصت باقیمانده برای اصلاح اشتباهی که مرتکب شده‌اند [فعال ساختن مکانیسم ماشه] استفاده کند، چرا که خودشان می‌دانند اگر به سمت بازگرداندن تحریم‌ها حرکت کنند، ایران نیز واکنش متناسب را اتخاذ خواهد کرد.»

● مرتضی محمودی نماینده مجلس شورای اسلامی در واکنش به خبرها درباره احتمال حمله اسرائیل و آمریکا می‌گوید: «معیار تصمیم‌گیری آمریکا (اسرائیل) برای حمله یا عدم حمله، مذاکره یا عدم مذاکره نیست. بلکه آمریکایی‌ها به هزینه‌ای که جنگ با ایران برایشان دارد توجه می‌کنند. کافیست جان حداقل ۵۰۰ سرباز آمریکایی تهدید شود، آنوقت محاسبات آنها تغییر می‌کند. نکته‌ای که برخی سیاست‌پوین‌فی خواهند بفهمند!»

● رکسانا نیکنامی استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران در رابطه با احتمال وقوع جنگ مجدد میان جمهوری اسلامی و اسرائیل در مصاحبه با «ایلنا» می‌گوید: «فعال شدن مکانیسم ماشه خطر جنگ را افزایش خواهد داد، زیرا هزینه‌های حمله به ایران برای اسرائیل در بعد بین‌الملل کمتر خواهد شد.»

● وی می‌گوید: «فعال شدن مکانیسم ماشه به معنای اعلام جنگ است و جو داخلی ایران هم بطور قطع واکنش‌هایی را به همراه خواهد داشت که ممکن است ترس را در افکار عمومی اروپا ایجاد کند. بنابراین در این فضا، شرایط برای اینکه اسرائیل بخواند اقدامی کند، بیشتر فراهم می‌شود.»

حدود ۱۰ روز پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه»، در شرایطی که جمهوری اسلامی حاضر به پذیرش شروط اروپایی‌ها نیست و مذاکره با غرب و بطور مشخص با آمریکا در بن‌بست قرار گرفته، احتمال وقوع جنگ مجدد بر ایران سایه انداخته است. اغلب تحلیل‌گران می‌گویند اقتصاد بحرانی‌زده ایران تحمل یک جنگ ویرانگر دیگر را ندارد. بعد از جنگ ۱۲ روزه گرانی و تورم افزایش یافت، اما حکومت همچنان



گفتگوی علی خامنه‌ای با مسئولان نظام، اسفند ۱۴۰۳

اندیشکده بریتانیایی «هنری جکسون»: فروپاشی جمهوری اسلامی، ضرورتی برای ثبات در منطقه؟

اندیشکده جکسون درباره این گروه‌های قومی توضیح می‌دهد که «حزب دموکرات کردستان ایران»، «بژاک» و «کومله» در استان کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی فعالیت می‌کنند؛ «جنبش مبارزه عربی برای آزادی اهواز» و «جنبش آزادیبخش ملی اهواز» که در استان خوزستان و توسط عرب‌های اهواز فعال هستند و «جیش‌العدل» نیز در استان سیستان و بلوچستان به نمایندگی از بلوچ‌ها و پارسیان سیستانی فعالیت دارد. این گروه‌های جدایی‌طلب می‌توانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا ارتش را هدف قرار دهند و مانع از تخصیص منابع و درآمدها در صورت حمله خارجی به جمهوری اسلامی ایران شوند. این امر توسعه نظامی و زیرساختی ایران در مرکز کشور را تضعیف کرده و به فروپاشی رژیم کمک می‌کند. این مسئله بی‌سابقه نیست. در سال ۲۰۰۷، سازمان سیا از «جیش‌العدل» (که پیشتر به عنوان «جندالله» شناخته می‌شد) و یک گروه شورشی بلوچ است، برای خرابکاری در داخل ایران استفاده کرد. این بخشی از برنامه مخفی سیا علیه رژیم ایران بود که توسط جرج بوش تأیید شده بود.»

در ادامه این گزارش آمده: «سقوط رژیم لزوماً به ایجاد یک رژیم متمرکز و منسجم که نماینده همه گروه‌های قومی ایران باشد، منجر نخواهد شد. بلکه فروپاشی رژیم اسلامی می‌تواند منجر به کشمکش‌های قدرت غیرمتمرکز و ایجاد خلأ شود. در این خلأ، گروه‌های قومی ممکن است با یکدیگر درگیر شوند و شورش‌های قومی در استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی افزایش یابد، زیرا این گروه‌ها به دنبال اعلام استقلال هستند. نمونه‌ای از این وضعیت، تشکیل شوراها و خودمختار در مناطق کردی یا اعلام استقلال بلوچ‌ها بوده است.»

در گزارش آمده که این وضعیت ممکن است با فروپاشی سریع ساختار منسجم ارتش نیز همراه باشد. اگرچه ۸۰ درصد افسران ارتش ایران فارس هستند به دلیل بی‌اعتمادی ارتش به گروه‌های قومی غیرفارس، اما حداقل نیمی از نیروهای مسلح ایران از سربازان اقلیت‌های قومی تشکیل شده‌اند. این بازتاب جمعیت‌شناسی ایران است که در آن اقلیت‌های قومی نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. سربازان از خدمت در مناطق قومی خود منع شده‌اند تا در صورت بروز تنش‌های قومی، ارتش به منبع اختلاف تبدیل نشود. با این حال، بعید

حال، هشدار می‌دهد که ادامه سرکوب حکومتی می‌تواند ناآرامی‌ها را تشدید کند. این گزارش بر لزوم برنامه‌ریزی استراتژیک پس از سقوط رژیم تأکید می‌کند تا از هرج و مرج جلوگیری شود، ثبات برقرار گردد و آرمان‌های مردم ایران مورد حمایت قرار گیرد.

در این گزارش که بخش‌هایی از آن را روزنامه «نیویورک پست» منتشر کرده، به افزایش آمار اعدام‌ها در ایران اشاره شده و آمده حکومت ایران در سال ۲۰۲۵ تا کنون نزدیک به ۹۰۰ نفر را اعدام کرده است، اعدام‌هایی که برای ترساندن مردم صورت می‌گیرد.

در بخشی از این گزارش به خیزش سراسری سال ۱۴۰۱ بعد از جان باختن مهسا امینی در مقر گشت ارشاد اسلامی اشاره شده و آمده: «این اعتراضات فراتر از موضوع حجاب اجباری بود و نشان داد حکومت در مقابل مخالفت‌های عمومی آسیب‌پذیر است.» همچنین این خیزش نشان داد که «به دلیل ماهیت غیرمتمرکز اپوزیسیون، رژیم قادر به پیش‌بینی ماهیت در حال تحول اعتراضات یا منبع آنها نیست؛ در نتیجه، همواره مجبور است برای مهار مخالفت‌ها واکنشی عقب‌مانده از اعتراضات نشان دهد.»

در این گزارش تأکید شده: «حمایت غرب باید تنها شامل گروه‌های اپوزیسیون خارج از ساختارهای سیاسی جمهوری اسلامی باشد که حامی فروپاشی رژیم‌اند. این اقدام می‌تواند آن بخش از مخالفان را که خواستار فروپاشی رژیم هستند تقویت نماید و شکنندگی رژیم را افزایش دهد. وگرنه ممکن است بطور ناخواسته فرهنگ استبدادی تثبیت شود.»

هشدار در مورد مسلح شدن جدایی‌طلبان

در بخش دیگری از این گزارش (صفحات ۳۳ و ۳۴) به وضعیت گروه‌های جدایی‌طلب فعال در ایران و پیامدهای فعالیت آنها پرداخته شده است. در این بخش آمده «فرقه‌گرایی در حاشیه کشور می‌تواند به وضعیت نظامی تبدیل شود، زیرا گروه‌های قومی در برابر بسج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مناطق خود مقاومت می‌کنند. علاوه بر این، در صورتی که رژیم ایران تحت حملات نظامی بیشتر قرار بگیرد یا فشار اعتراضات گسترده ناشی از نارضایتی‌های اقتصادی و فرهنگی افزایش یابد، این امر ممکن است گروه‌های جدایی‌طلب را تشویق کند تا حملات خود به اهداف رژیم را افزایش دهند.»

● اندیشکده «هنری جکسون» مستقر در بریتانیا در گزارشی مطالعاتی که ۲۸ اوت (ششم شهریور ۱۴۰۴) منتشر کرد با استناد به برخی شواهد، از جمله افزایش آمار اعدام، جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی و افزایش نارضایتی داخلی پیش‌بینی کرده است که رژیم ایران در آستانه فروپاشی قرار گرفته است.

● این گزارش با عنوان «فروپاشی جمهوری اسلامی، ضرورتی برای ثبات در منطقه؟» تأکید می‌کند رژیم فعلی ایران همچنان به ایدئولوژی انقلابی خود پایبند است و تلاش‌های مستمری برای احیای برنامه هسته‌ای و حمایت از تروریسم در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دارد که تهدیدی مداوم برای غرب به شمار می‌رود.

● کارشناسان اندیشکده «هنری جکسون» بر این باورند که حملات هوایی اسرائیل و آمریکا در جریان جنگ ۱۲ روزه توانایی‌های اتمی رژیم را بطور قابل توجهی تضعیف کرده، اما تهدیدات استراتژیک و امنیتی جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست.

اندیشکده «هنری جکسون» مستقر در بریتانیا در گزارشی مطالعاتی که ۲۸ اوت (ششم شهریور ۱۴۰۴) منتشر کرد با استناد به برخی شواهد، از جمله افزایش آمار اعدام، جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی و افزایش نارضایتی در کشور پیش‌بینی کرده که جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی قرار گرفته است.

این گزارش با عنوان «فروپاشی جمهوری اسلامی؛ ضرورتی برای ثبات در منطقه؟» تأکید می‌کند رژیم فعلی ایران همچنان به ایدئولوژی انقلابی خود پایبند است و تلاش‌های مستمری برای احیای برنامه هسته‌ای و حمایت از تروریسم در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دارد که تهدیدی مداوم برای غرب به شمار می‌رود.

کارشناسان اندیشکده «هنری جکسون» بر این باورند که حملات هوایی اسرائیل و آمریکا در جریان جنگ ۱۲ روزه توانایی‌های اتمی رژیم را بطور قابل توجهی تضعیف کرده، اما تهدیدات استراتژیک و امنیتی جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست.

اندیشکده هنری جکسون پیشنهاد می‌کند که حمایت از مخالفان آزادیخواه جمهوری اسلامی می‌تواند بهترین فرصت برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در ایران باشد. با این

اپوزیسیون ایرانی تبعیدی یا مستقر در داخل کشور، دارای همان اخلاق سیاسی لیبرال دموکراتیک هستند. اگرچه آنها در تاکتیک‌ها متفاوت هستند، اما چشم‌انداز یکسانی دارند. بنابراین فرصت بزرگی برای کشورهای غربی وجود دارد تا مداخله نظامی خود را با به رسمیت شناختن گروه‌های اپوزیسیون در تبعید و داخل ایران تکمیل کنند و مواضع خود را برای کاهش اثرات منفی بالقوه فروپاشی رژیم با انتقال قدرت و اقتدار هماهنگ سازند.

گزارش اندیشکده هنری جکسون در پیوست خود، «گروه‌های اپوزیسیون» داخل و در تبعید را به این شکل می‌آورد که در ردیف اول اصلاح‌طلبان جمهوری اسلامی را جزو گروه‌های «اپوزیسیون» طبقه‌بندی می‌کند. سپس طرفداران شاهزاده رضا پهلوی را به دو گروه «پادشاهی‌خواهان نمادین» و «سلطنت‌طلبان تندرو» تقسیم کرده و نماینده جمهوریخواهان را هم سازمان مجاهدین

مجاهدین ادعا می‌شود، آمده: «برای اعتراض به رژیم، مخالفان باید توانمند شوند تا یک گذار آرام پس از فروپاشی رژیم شکل بگیرد و خطر خلأ حاکمیت را که می‌تواند منجر به درگیری داخلی بین گروه‌های مخالف یا درگیری بین اعضای مخالف و وفاداران رژیم شود، کاهش دهند» و سپس با توضیح مفصل «طرح ده ماده‌ای» سازمان مجاهدین، می‌افزاید که در طرحی مشابه «رضا پهلوی نیز تشخیص داده است که یک انتقال آرام نه تنها برای حکومت آینده ایران، بلکه برای چگونگی تحریک مخالفان جهت اعتراض به رژیم موجود ضروریست. در نتیجه، رضا پهلوی یک تیم اجرایی را در نظر دارد که به عنوان مرجع اداری موقت و غیرمنتخب اداره حکومتی را که قرار است در یک مرحله گذار ۱۰۰ روزه تشکیل شود، بر عهده بگیرد. این تیم اجرایی موقت شامل رهبران تأیید صلاحیت شده گروه‌های مخالف کلیدی، کارشناسان حقوقی، اقتصاددانان،

است که سرایان قومی دستورات سرکوب تمایلات جدایی‌طلبانه سایر مناطق قومی را اجرا کنند، زیرا این می‌تواند به خیانت در ارتش منجر شود.

برخی گروه‌های اپوزیسیون مانند «حزب دموکرات کردستان ایران» و برخی مدافعان خودمختاری استان آذربایجان، مدیریت منطقه‌ای گسترده‌تر را پیشنهاد می‌کنند اما از جدایی کامل حمایت نمی‌کنند. این در مقابل احزابی است که خواهان دولت مرکزی قوی هستند. این احزاب شامل احزابی مانند «حزب مشروطه ایران» و «فرشگرد» [حزب ایران نوین کنونی] و همچنین برخی گروه‌های جمهوریخواه مانند «جبهه ملی ایران» هستند.

گروه‌های اپوزیسیون مانند «حزب دموکرات کردستان ایران»، «کومله» و سازمان‌های فدرالیست آذربایجان پیشنهاد می‌کنند گروه‌های جدایی‌طلب از طریق پیشنهاداتی مانند حکومت فدرال، تضمین خودمختاری فرهنگی و نمایندگی متناسب در نهادهای ملی، در چارچوبی گسترده‌تر از نظام سیاسی ایران ادغام شوند.

تجزیه ایران یا هرج و مرج گسترده داخلی نتیجه‌ای است که باید از آن جلوگیری شود. بهترین راهکار این است که کشورهای غربی به جنبش‌های مختلف اپوزیسیون ایران کمک کنند تا جنبش‌های قومی غیرجدایی‌طلب را در چارچوب حکومت پس از رژیم ادغام نمایند و سهمی برای گروه‌های قومی مانند عرب‌ها، آذری‌ها، کردها و بلوچ‌ها در آینده پس از رژیم فراهم کنند.

ابتکار بین‌المللی لاهه برای همکاری (thinc) تأکید می‌کند که خودمختاری داخلی و پلورالیسم برای کاهش جذابیت جدایی‌طلبی و تقویت مشروعیت دولت ضروری است. «مدل‌های حکومتی فدرال یا غیرمتمرکز- متناسب با شرایط ایران- می‌توانند خودمختاری محلی را تضمین کنند و در عین حال وحدت ملی را حفظ نمایند.»

برای این منظور، thinc از سازمان ملل می‌خواهد از برگزاری کنفرانسی برای همه ذینفعان ملی حمایت کند تا گفتگوی بین آنها انجام شود. این می‌تواند منجر به شکل‌گیری حکومتی در ایران شود که ساختارهای مدیریتی منطقه‌ای با قدرت اداری واقعی برای گروه‌های قومی مختلف ایجاد کند. علاوه بر این، thinc پیشنهاد می‌کند که «قانون اساسی آینده ماهیت چندقومی ایران را به رسمیت بشناسد و از جدایی‌طلبی جلوگیری کند.»

در بخش‌های دیگر این گزارش به بحران انرژی در ایران و گسترش نارضایتی عمومی، حمایت حکومت از گروه‌های شبه‌نظامی منطقه و تروریسم، تأثیر جنگ ۱۲ روزه در باور عمومی، معرفی احزاب و جریان‌های فعال در بین مخالفان جمهوری اسلامی پرداخته شده است.

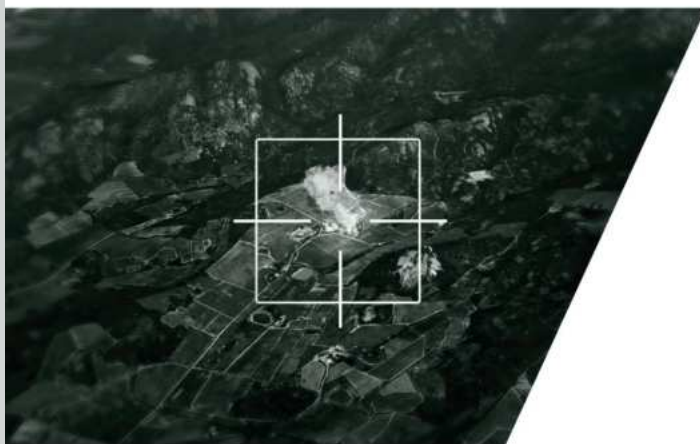
به نظر می‌رسد بخش‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی در این گزارش یا تحت تأثیر منابع نزدیک به جمهوری اسلامی و پروپاگاندای حکومت و همچنین ارتباط با سازمان مجاهدین تنظیم شده و یا بر اساس عدم اطلاع کافی از فضای عمومی اجتماعی و جامعه سیاسی ایران تهیه شده است چرا که موقعیت مجاهدین را که در ایران از اقبال عمومی برخوردار نیستند به شدت برجسته کرده، در حالی که فقط اشاره‌هایی به دیدگاه‌ها و اقدامات شاهزاده رضا پهلوی و جریان‌های ملی‌گرای حامی وی شده است.

همچنین این گزارش در موارد متعدد مواضع «شورای ملی مقاومت» را که همان «سازمان مجاهدین خلق» است، مطرح کرده و آن را همسان و هم‌تراز با مواضع و برنامه‌های شاهزاده رضا پهلوی قلمداد می‌کند و در نهایت نیز اتحاد «مجاهدین» و «پهلوی» را توصیه می‌نماید.

در بخشی از گزارش با تأکید بر برنامه‌هایی که از سوی

REGIME COLLAPSE IN IRAN: A NECESSITY FOR REGIONAL STABILITY?

By BARAK M. SEENER



DEMOCRACY | FREEDOM | HUMAN RIGHTS



August 2025

دانسته است. گروه‌هایی مثل «جبهه ملی» و «ملی-مذهبی»‌ها را جزو «ناسیونالیست‌ها آورده و «حزب توده» را نماینده چپ‌ها معرفی کرده و از انواع «فداییان» و «حزب کمونیست کارگری» به عنوان «دیگر» گروه‌های چپ نام می‌برد. یک گروه «مسلمانان مترقی» هم در نظر گرفته که «نهضت آزادی» آن را نمایندگی می‌کند و مخالف ولایت فقیه اما مدافع «ارزش‌های اسلامی و ملی و دموکراتیک» هستند و در پایان به احزاب قومی اشاره کرده و از چند گروه جامعه مدنی نام برده که «شورای ملی برای انتخابات آزاد» را هم که در سال ۲۰۱۳ اعلام موجودیت کرد و سال‌هاست فعالیت و وجود خارجی ندارد، جزو آنها آورده است.

تکنوکرات‌ها و افراد جدا شده از نهادهای دولتی موجود خواهد بود. تصویب قوانین انتقالی برای تداوم فعالیت وزارتخانه‌ها و ادارات محلی، تضمین می‌کند که فعالیت‌های اداری در بوروکراسی کشور ادامه یابد و خدمات ضروری در طول دوره انتقال ارائه شوند.»

با این ادعا سپس چنین نتیجه‌گیری می‌شود: «هم شورای ملی مقاومت ایران [سازمان مجاهدین] و هم رضا پهلوی، چشم‌اندازی مشترک برای یک ایران لیبرال دموکراتیک آینده دارند که سکولار، غیراقتی و دارای آزادی‌های مدنی باشد.» در ادامه نیز با اطمینان از «مداخله نظامی کشورهای غربی» آمده است: «بطور گسترده‌تر، بسیاری از گروه‌های

هشدار اردوغان به پزشکيان در حاشيه نشست شانگهای: با آمريکا مذاکره کنید تا جنگ نشود



دیدار پزشکيان و اردوغان در حاشيه نشست شانگهای

نمی‌کند! در حالی که ما به دنبال مذاکره‌ای عاقلانه هستیم. آنان با طرح مسائلی که خود می‌دانند امکان تحقق آن وجود ندارد مثل محدودیت‌های موشکی مدلی را مطرح می‌کنند که عملاً مسیر مذاکره را منتفی کند.»

فشارها از درون به حکومت به ویژه از سوی جریان اصلاح‌طلب برای مذاکره با آمریکا و پذیرش شروط اروپایی‌ها رو به افزایش است.

احمد خاتمی عضو شورای نگهبان و امام جمعه تهران گفته: «موشک‌ها موجب تسلیم آمریکا و اسرائیل شدند» و «مذاکره با آمریکا در موضوع موشکی، نقشه دشمن است.» اختلاف برای مذاکره کردن یا نکردن با آمریکا و اختلاف‌های شدیدتر درون حکومت بر سر جزئیات مذاکره احتمالی، آنهم در شرایطی که جمهوری اسلامی در شرایط بحرانی قرار دارد، بسیاری از کارشناسان را به این باور رسانده است که حیات حکومت در معرض خطر است.

واشنگتن پست: احتمال حمله مجدد

روزنامه «واشنگتن پست» در مقاله‌ای نوشت با توجه به ادامه فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده جمهوری اسلامی، به ویژه لجاجت در برنامه هسته‌ای، این احتمال می‌رود که دولت دونالد ترامپ بار دیگر گزینه حمله نظامی را برای مهار تهدیدات حکومت ایران در دستور کار قرار دهد.

این روزنامه سه‌شنبه ۱۱ شهریور با اشاره به تصمیم تهران برای تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از جنگ با اسرائیل نوشت: «ایران دوباره به بازی‌های قدیمی پنهانکاری، تهدید و فریب روی آورده است. سرسختی و عدم همکاری ایران این احتمال را افزایش می‌دهد که نیروهای نظامی آمریکا بار دیگر وارد عمل شوند.»

واشنگتن پست در ادامه می‌نویسد، اگر جمهوری اسلامی بخواهد از حملات اسرائیل و آمریکا در جریان جنگ ۱۲ روزه درسی بگیرد، «آن درس این است که ایالات متحده از به کار گرفتن نیروی نظامی برای جلوگیری از دستیابی [رژیم] ایران به سلاح هسته‌ای هراسی ندارد.»

در بخش دیگری از این مقاله آمده است که ترامپ تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی ایران را یکبار هدف قرار داد و اگر به این نتیجه برسد که این رویکرد برای حفاظت از امنیت ملی آمریکا ضروری است، می‌تواند بار دیگر دست به حمله نظامی بزند.

● مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی که به چین سفر کرده است در دیدار با رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه در حاشیه نشست شانگهای، گفت: «آماده گفتگو با آمریکا بر اساس به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و رسیدن به یک راه‌حل برد-برد هستیم.»

● اردوغان خطاب به پزشکیان هشدار داد: «معتقدم که باز ماندن باب مذاکره ایران و آمریکا، نقشه‌های اسرائیل را نقش بر آب خواهد کرد.»

● در حالی که ما به دنبال مذاکره‌ای عاقلانه هستیم. آنان با طرح مسائلی که خود می‌دانند امکان تحقق آن وجود ندارد مثل محدودیت‌های موشکی مدلی را مطرح می‌کنند که عملاً مسیر مذاکره را منتفی کند.»

مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی که به چین سفر کرده است در دیدار با رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه در حاشیه نشست شانگهای، گفت: «آماده گفتگو با آمریکا بر اساس به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و رسیدن به یک راه‌حل برد-برد هستیم.»

پزشکیان با اشاره به فعال ساختن مکانیسم ماشه توسط سه قدرت اروپایی افزود: «در مورد اسنپ‌بک نیز کشورهای اروپایی طرف برجام با توجه به عدم عمل به تعهدات خود، مشروعیت فعال کردن آن را ندارند و چنانچه مرتکب چنین اشتباهی شوند، همه گفتگوها و تعاملات فیما بین مختل خواهد شد.»

اردوغان نیز خطاب به پزشکیان هشدار داد: «معتقدم که باز ماندن باب مذاکره ایران و آمریکا، نقشه‌های اسرائیل را نقش بر آب خواهد کرد.»

دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی می‌گوید: «آمریکا با طرح مسائلی که خود می‌دانند امکان تحقق آن وجود ندارد مثل محدودیت‌های موشکی مدلی را مطرح می‌کند که عملاً مسیر مذاکره را منتفی می‌سازد.»

علی لاریجانی روز سه‌شنبه ۱۱ شهریورماه ۱۴۰۴ در صفحه شخصی‌اش در «ایکس» نوشت: «راه مذاکره با آمریکا بسته نیست. آمریکایی‌ها فقط حرف از مذاکره می‌زنند و پای میز مذاکره نمی‌آیند و به غلط می‌گویند جمهوری اسلامی مذاکره

ادعای «نشنال اینترست»: شهرهای موشکی جمهوری اسلامی در حملات اسرائیل آسیب ندیده‌اند

● از دید دولت دونالد ترامپ، حملات آمریکا به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی به معنای پایان جنگ ۱۲ روزه بود، اما برای تهران و تل‌آویو این فقط شروع یک جنگ بزرگتر بود.

● اسرائیل در حال توسعه دستگاه‌های لیزر گول‌پیکریست که احتمالاً قادر به سوزاندن موشک‌های مافوق صوت هستند که به آسمان این کشور وارد می‌شوند.

نشریه آمریکایی «نشنال اینترست» با انتشار مقاله‌ای به رقابت تسلیحاتی رژیم ایران، آمریکا و اسرائیل درباره موشک‌های هایپرسونیک پرداخته و در ادعایی عجیب این موضوع را مطرح کرده که به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی در این رقابت توانسته آمریکا و اسرائیل را پشت سر بگذارد! طبق این گزارش، ایالات متحده و اسرائیل در حال توسعه سامانه‌های پدافند لیزری پر قدرت برای مقابله با تهدیدات موشکی هستند، اما این فناوری هنوز به مرحله عمل نرسیده است. در حالی که رژیم ایران هم‌اکنون موشک‌های هایپرسونیک در اختیار دارد.

در این مقاله آمده که در دنیای پراشوب امروز، وقتی یک جنگ آرام می‌شود، جنگ دیگری در می‌گیرد. به عنوان نمونه، از دید دولت دونالد ترامپ، حملات آمریکا به تأسیسات هسته‌ای در ایران به معنای پایان جنگ ۱۲ روزه بود، اما برای تهران و تل‌آویو این فقط شروع یک جنگ بزرگتر بود. هر دو می‌خواهند قدرت برتر منطقه باشند و یکدیگر را مانعی برای رسیدن به این اهداف بزرگ می‌بینند.

«نشنال اینترست» نوشته که جمهوری اسلامی «ایران با وجود تمام مہارانهایی که در جنگ گذشته متحمل شد، نشان داد که شهرهای موشکی که در پانصد متری عمق زمین ساخته عمدتاً دست‌نخورده باقی مانده‌اند.»

رژیم ایران حالا قوی‌ترین سلاح خود را در خلال رمزایش مشترک اخیر ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، برای بازدارندگی رومحابی کرده است. یک موشک هایپرسونیک به نام «رستاخیز» که در رسانه‌های عبری از آن به عنوان موشک «آخرازمان» نیز یاد شده است.

برنامه توسعه سلاح‌های هایپرسونیک جمهوری اسلامی ایران در اوایل دهه ۲۰۰۰ با موشک‌هایی همچون شهاب-۳ آغاز شد که گزینه‌های مختلف حمله میان‌برد را در اختیار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار می‌داد.

رژیم ایران تا سال ۲۰۲۳ موشک‌های «فتاح ۱» و «فتاح ۲» را معرفی کرد که دارای سرعت‌هایی تا ۱۵ ماخ و بُردی بین ۱۴۰۰ تا ۲ هزار کیلومتر بودند. این سلاح‌ها با مانورهای غیرقابل پیش‌بینی در پرواز طراحی شده بودند تا به

در حوادث گذشته، نیروهای نیابتی رژیم ایران از فاصله نزدیک با پهپادها و موشک‌ها به نیروهای آمریکایی حمله کرده بودند؛ اما «رستاخیز» می‌تواند امکان حملات مستقیم از خاک ایران را فراهم آورد و خطر گسترش درگیری را افزایش دهد.

یک ارزیابی وزارت دفاع ایالات متحده بر «مقدار زیاد» موشک‌های پیشرفته ایران تأکید دارد و آن را تهدیدی رو به رشد می‌داند که در صورت حمله به اسرائیل می‌تواند نیروهای آمریکایی را به جنگ گسترده‌تری بکشانند.

با این حال، برخی کارشناسان استدلال می‌کنند که دستیابی به تسلط واقعی بر فناوری هاپیرسونیک نیازمند مواد پیشرفته و آزمایش‌هایی است که ممکن است ایران فاقد آنها باشد. افزون بر این، کسانی که نسبت به ادعاهای جمهوری اسلامی بدبین هستند، معتقدند ویژگی چندکلاهکی بودن این موشک شباهت زیادی به فناوری «کلاهک بازگشتی هدف‌گیری مستقل چندگانه» دارد که نیروهای جمهوری

برخلاف موشک‌های بالستیک سنتی که قوس‌های قابل پیش‌بینی را طی می‌کنند، سلاح‌های هاپیرسونیک از جَو عبور کرده و درون آن گلاید می‌کنند و پدافندها فقط چند دقیقه وقت برای واکنش دارند.

به نظر «نشال اینترست»؛ پیشرفت‌های رژیم ایران در پیشران‌های سوخت جامد و وسایل بازگشتی مانورپذیر، این توانایی را افزایش داده و ممکن است سامانه‌هایی همچون پاتریوت آمریکا یا پدافند موشکی «فلاخن داود» اسرائیل را کم‌اثر نماید. با بُردی که فاصله میان تهران تا تل‌آویو را پوشش می‌دهد، موشک «رستاخیز» می‌تواند در کمتر از ۱۰ دقیقه به خاک اسرائیل برسد و زمان بسیار اندکی برای تخلیه یا اقدامات مقابله‌ای باقی بگذارد.

در جریان تبادل آتش‌های ماه ژوئن ۲۰۲۵، استفاده جمهوری اسلامی از موشک‌های هاپیرسونیک «فتاح» توانست پدافند هوایی اسرائیل را بشکافد و به مناطقی در شهرهای بنی‌براک و تل‌آویو اصابت کند که منجر به تلفات

سامانه‌های پدافندی پیشرفته‌ای مانند گنبد آهنین و شبکه‌های پدافند هوایی پیکان اسرائیل نفوذ کنند.

سری موشک‌های «فتاح» نخستین بار در ژوئن ۲۰۲۵ طی حملات تلافی‌جویانه ایران علیه اسرائیل در میدان نبرد آزمایش شدند. این موشک‌ها توانستند پدافند آن کشور را بشکنند و خساراتی به مراکز نظامی و غیرنظامی وارد کردند. به نوشته «نشال اینترست»، رسانه‌های اسرائیلی عمدتاً در آن زمان از انتشار این خبر خودداری کردند. اما خسارات گسترده و نگرانی شدید میان مقامات دفاعی اسرائیل، که به واسطه موشک‌های هاپیرسونیک پیشرفته رژیم ایران ایجاد شد، دیگر قابل انکار نیست.

نه اسرائیل و نه ایالات متحده هیچ سامانه دفاعی در برابر این سلاح‌ها ندارند، و سامانه‌هایی مثل گنبد آهنین فقط برای موشک‌های ساده و گند ساخته شده‌اند و در برابر این فناوری پیشرفته بی‌فایده‌اند.

موشک‌های هاپیرسونیک «رستاخیز» قادر است تا ۸۰ کلاهک،



اسلامی هنوز آن را بطور عملی نشان نداده‌اند. در پاسخ به تهدید فزاینده سلاح‌های مافوق صوت ایران، اسرائیلی‌ها در حال گسترش توسعه برنامه پرتو آهنین خود هستند که یک سیستم دفاع موشکی انرژی هدایت شده است. به عبارت دیگر، اسرائیل در حال توسعه لیزرهای غول پیکری است که احتمالاً قادر به سوزاندن موشک‌های مافوق صوت ورودی از آسمان هستند.

اسرائیل همچنین در حال توسعه لیزرهای غول‌پیکری است که احتمالاً قادر به سوزاندن موشک‌های مافوق صوت ورودی از آسمان هستند.

آمریکا هم با پروژه بزرگتر «گنبد طلایی» دنبال سلاح‌های مشابه است. اما تجربه نشان داده غربی‌ها سال‌هاست در ساخت سلاح‌های لیزری مشکل دارند و بسیاری از این طرح‌ها نیمه‌کاره مانده است. پس زمان زیادی لازم است تا آمریکا یا اسرائیل بتوانند به این پدافندهای خیالی تکیه کنند، در حالی که رژیم ایران ادعا می‌کند همین حالا موشک‌های هاپیرسونیک آماده دارد.

«نشال اینترست» در پایان یادآور شده: «هرچه کشورهای منطقه سلاح‌های پیشرفته‌تری جمع کنند، احتمال خطا در محاسبه و شروع یک جنگ بزرگتر بیشتر می‌شود؛ جنگی که می‌تواند پیامدهای جهانی داشته باشد.»

غیرنظامی و آسیب به زیرساخت‌ها شد.

نوع طراحی چندکلاهکی «رستاخیز» این خطر را تشدید می‌کند، زیرا امکان حملات با انبوه موشک‌ها را فراهم می‌آورد و می‌تواند از دفاع چندلایه اسرائیل عبور کند.

از سوی دیگر تحلیلگران گمان می‌برند که یک حمله تمام‌عیار می‌تواند تأسیسات کلیدی همچون راکتور هسته‌ای دیمونا یا بنادر حیفا را هدف قرار دهد و سطح درگیری را به مرحله‌ی موجودیتی برساند. مسئولان رژیم ایران این موشک را به عنوان بازدارنده‌ای در برابر تجاوز اسرائیل معرفی کرده‌اند، اما استقرار آن نشان‌دهنده چرخش استراتژیک به سوی موضع تهاجمی است، چرا که هر دو طرف خود را برای دور بعدی جنگ آماده می‌کنند.

پیامدهای این موشک برای پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه به همان اندازه نگران‌کننده است. پایگاه‌های ایالات متحده در عراق، سوریه، اردن، عربستان سعودی، قطر و امارات عربی متحده همگی در محدوده بُرد موشک تازه هاپیرسونیک ایران قرار دارند و آنها را در برابر حملات سریع آسیب‌پذیر می‌سازند. ایالات متحده با استقرار سامانه پدافندی «تاد» و گروه‌های ناو هواییاب‌ر، دفاع منطقه‌ای خود را تقویت کرده است اما سلاح‌های هاپیرسونیک این سامانه‌ها را به چالش می‌کشند.

هر یک به وزن ۷۰ کیلوگرم، حمل کند که در مجموع توان تخریبی عظیمی را فراهم می‌سازد.

گزارش‌های تاییدنشده حاکی از آنست که این موشک قادر به دستیابی به سرعت‌هایی بیش از ۱۲ ماک با بُردی در حدود ۳ هزار کیلومتر است؛ قابلیتی که امکان هدف قرار دادن اهداف در سراسر منطقه را با حداقل زمان هشدار، فراهم می‌آورد.

انتخاب نام «رستاخیز» یا «آخرالزمان» هم نشان می‌دهد، حکومت ملایان می‌خواهد پیام روشنی درباره قدرت بازدارندگی و تغییر استراتژی خود را به جهان بدهد.

موشک‌های هاپیرسونیک مثل «رستاخیز» ترکیبی از پرواز بالستیک و گلاید (یادپر) دارند و با سرعتی چندین برابر صوت حرکت می‌کنند. مهم‌تر اینکه می‌توانند در میانه پرواز تغییر جهت دهند و همین باعث می‌شود شناسایی و رهگیری آنها تقریباً غیرممکن شود و امکان گریز از رادارها و سپرهای موشکی را فراهم می‌کند.

موشک‌های هاپیرسونیک مثل «رستاخیز» ترکیبی از پرواز بالستیک و گلاید (یادپر) دارند و با سرعتی چندین برابر صوت حرکت می‌کنند. مهم‌تر اینکه می‌توانند در میانه پرواز تغییر جهت دهند و همین باعث می‌شود شناسایی و رهگیری آنها تقریباً غیرممکن شود و امکان گریز از رادارها و سپرهای موشکی را فراهم می‌کند.

از عشق تا مالیخولیا: بازنمایی خطرناک رابطه مرد و زن در سریال «تاسیان»



عوامل سریال «تاسیان»

● هنر فقط بازتاب جامعه نیست، بلکه سازندهی هنجارها و الگوهای رفتاری نیز هست. کارگردان و نویسنده در قبال پیامدهای فرهنگی اثر خود مسئولیت دارند.

● سریال «تاسیان» با روایت عاشقانه‌ای میان «امیر یوسفی‌نیا» و «شیرین نجات» بر بستر پرتنش سال‌های منتهی به انقلاب ۵۷، در نگاه اول اثری ملودرام با دروغ‌های تراژدی به نظر می‌رسد. اما نگاهی دقیق‌تر نشان می‌دهد آنچه به نام «عشق» تصویر می‌شود، بیش از آنکه عشق باشد، مالیخولیایی وسواس‌گونه و بیمار است که نه تنها به ویرانی فردی بلکه به فروپاشی جمعی منجر می‌شود.

● «تاسیان» می‌توانست هشدار تلخ درباره پیامدهای وسواس بیمارگونه باشد؛ داستانی که نشان دهد چگونه عشق تحریف‌شده می‌تواند به مرگ و ویرانی بیانجامد. اما انتخاب کارگردان در پایان، آن را بدل به تراژدی‌ای رومانس‌گونه می‌کند و در نتیجه به تظہیر خشونت و دروغ می‌پردازد. در جامعه‌ای مانند ایران، که با بحران خشونت علیه زنان دست به گریبان است، این نه فقط یک خطای هنری، که نوعی بی‌مسئولیتی فرهنگی است.

گلناز ابراهیمی - سریال «تاسیان» با روایت عاشقانه‌ای میان «امیر یوسفی‌نیا» و «شیرین نجات» بر بستر پرتنش سال‌های منتهی به انقلاب ۵۷، در نگاه اول اثری ملودرام با دروغ‌های تراژدی به نظر می‌رسد. اما نگاهی دقیق‌تر نشان می‌دهد آنچه به نام «عشق» تصویر می‌شود، بیش از آنکه عشق باشد، مالیخولیایی وسواس‌گونه و بیمار است که نه تنها به ویرانی فردی بلکه به فروپاشی جمعی منجر می‌شود. با وجود این، کارگردان در پایان، مرگ «امیر» و «شیرین» را با لحنی رومئو-ژولیت به تصویر می‌کشد؛ گویی ماجرای این دو، عشقی ناب بوده که قربانی شرایط تاریخی شده است. این قاب‌بندی، نه تنها حقیقت داستان را وارونه جلوه می‌دهد، بلکه بر بستر فرهنگی و قوانین حکومتی امروز ایران، معنایی خطرناک پیدا می‌کند: تظہیر وسواس مخرب و خشونت تحت عنوان «عشق».

امیر: از شیفتگی تا وسواس بیمارگونه

امیر در مقام کارگر ساده یک چاپخانه، نخستین بار شیرین را زمانی می‌بیند که برای چاپ کتاب‌هایش به آنجا رفته است. برخلاف الگوی عشق سالم که بر احترام، مرزبندی و رضایت دوطرفه بنا می‌شود، امیر از همان آغاز وارد مسیری می‌شود که نشانه‌های آشکار مالیخولیا و وسواس در آن دیده می‌شود: تعقیب مداوم شیرین برای کشف هویت و محل زندگی‌اش؛ دروغ‌پردازی و معرفی خود به عنوان دانشجو برای نفوذ به دانشگاه محل تحصیل او؛ نفوذ به ساواک با کمک دوستش سعید، صرفاً برای نزدیک شدن به شیرین؛

خرابکاری علیه رقیب خواستگار با پنچر کردن ماشین او و ارسال گل و نامه در مراسم خواستگاری؛ صحنه‌سازی و جعل هویت به عنوان بازپرس ساواک، برای ایفای نقش منجی.

این رفتارها نه عاشقانه‌اند و نه شریف، بلکه الگویی روشن از میل به تملک و کنترل دیگری هستند. شیرین از همان آغاز، نه به عنوان یک سوژه آزاد بلکه به مثابه ابژه‌ای میل امیر بازنمایی می‌شود؛ ابژه‌ای که مرد حق دارد برای تصاحبش هر مرزی را زیر پا بگذارد.

پیامدهای ویرانگر وسواس امیر

داستان با پیشرفت رفتارهای امیر، لایه‌های تاریک‌تری پیدا می‌کند. وسواس او نه تنها زندگی شیرین را مختل می‌کند، بلکه به ویرانی اطرافیان نیز می‌انجامد: بازداشت جمشید نجات، پدر شیرین، به دلیل جاسازی اعلامیه در کارخانه‌اش توسط امیر؛ خودکشی شوهر عمه شیرین پس از گزارش امیر به ساواک؛ تنزل رتبه و نهایتاً مرگ سعید، دوست و حامی امیر، به دست خود او در یک درگیری؛ فاش کردن راز ازدواج پنهانی پدر شیرین و ایجاد گسست میان او و دخترش؛

آشوب کارگری و تخریب کارخانه در پی تحریرات امیر؛ و سرانجام، مرگ شیرین در جریان درگیری‌ها و خودکشی امیر پس از دیدن پیکر او.

این سلسله فجایع حاصل مستقیم رفتارهای امیر است. اگر عشقی واقعی در میان می‌بود، انتظار می‌رفت میل به حفاظت و شکوفایی معشوق باشد، نه نابودی او! امیر نه عاشق، بلکه عاشق‌پیشه‌ای بیمار است که برای رسیدن به تمنای خود همه چیز حتی جان محبوب را نیز قربانی می‌کند.

دوطرفه بودن عشق؛ تقویت روایت یا ترئه وسواس؟

یکی از ابعاد ظریف ملودرام «تاسیان»، علاقه‌ی متقابل میان امیر و شیرین است. برخلاف بسیاری از روایت‌های کلیشه‌ای در سینما و تلویزیون ایران، در اینجا تنها یک «مرد عاشق‌پیشه‌ی یکسویه» به تصویر کشیده نمی‌شود؛ بلکه شیرین نیز به امیر دلبسته است و با جدیت برای تحقق این رابطه، حتی در برابر مخالفت پدرش ایستادگی می‌کند. این تلاش فعالانه در ظاهر، نشانه‌ای از عاملیت زنانه و خروج از الگوهای منفعلانه رایج به نظر می‌رسد.

با این حال، در تحلیل عمیق‌تر، همین علاقه‌ی دوطرفه می‌تواند به شکلی متناقض، وسواس و مالیخولیای امیر را ترئه کند. چرا که سریال، اصرار و پافشاری بیمارگونه‌ی امیر را بر بستر «عشق مشترک» بازنمایی می‌کند؛ گویی رفتار او نه یک شکل از سلطه‌گری و مالکیت، بلکه «پاسخی طبیعی»

به عشق دوطرفه است. اینجاست که روایت بجای فاصله گرفتن از خطر رمانتیزه کردن وسواس، آن را به گونه‌ای نرم و غیرمستقیم مشروعیت می‌بخشد.

از منظر عاملیت زنانه، مسئله مهم این است که آیا سریال در نهایت صدای مستقل شیرین را حفظ می‌کند یا او را در مسیر تراژیک امیر محو می‌سازد. تلاش شیرین برای راضی کردن پدر، هرچند در ابتدا کنشی مستقل و فعال به نظر می‌رسد، اما در چارچوب کلی داستان به یک «موتور محرک تراژدی مردانه» تقلیل پیدا می‌کند.

بدین ترتیب، علاقه‌ی متقابل نه تنها نقد مالیخولیای امیر را تضعیف می‌کند، بلکه ناخواسته موجب می‌شود روایت در ظاهر، یک «عشق پاک و مقدس» را بازنمایی کند. این در حالیست که در سطح اجتماعی- فرهنگی ایران، چنین نمایش‌هایی خطر آن را دارند که مرز میان عشق سالم و وسواس بیمارگونه را مخدوش کنند و الگوی خطرناک «عشق هرچه شدیدتر، مشروع‌تر» را بازتولید نمایند.

رمانتیزه کردن خشونت در پایان

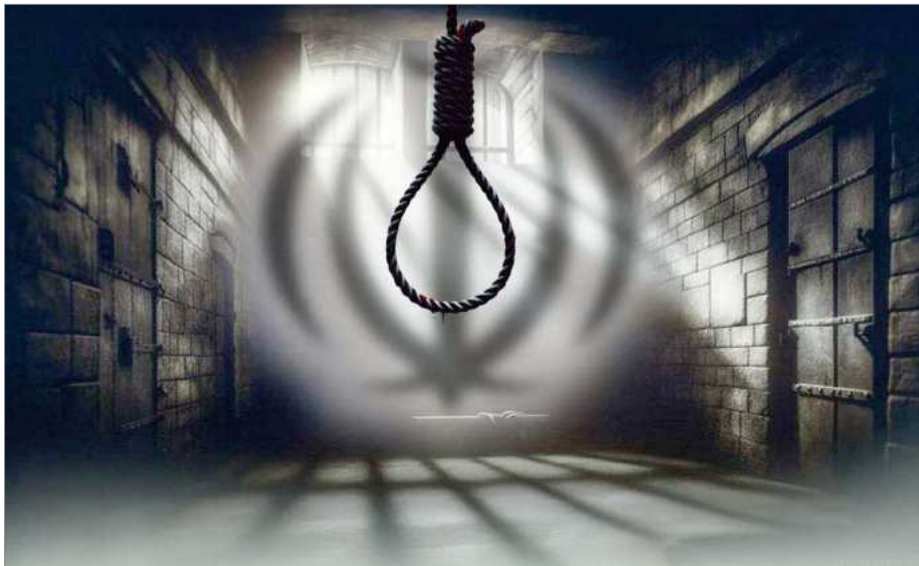
با این حال، نویسنده یا کارگردان بجای نقد چنین وسواس مخربی، در پایان اثر، مرگ امیر و شیرین را با فضایی شاعرانه و تراژیک قاب‌بندی می‌کند. گویی این دو قربانی سرنوشت‌اند، نه اینکه شیرین قربانی خودخواهی‌ها و دروغ‌های مردی وسواسی شده باشد. این وارونه‌سازی، خطری جدی در بازنمایی هنری ایجاد می‌کند: خشونت، دروغ و خیانت بجای محکوم شدن، در قالب یک «عشق ناکام» تظہیر می‌شوند.

چنین روایتی در ناخودآگاه جمعی، پیام می‌دهد که حتی رفتارهای بیمارگونه و جنایت‌آمیز، اگر از سوی مردی «عاشق» سر بزنند، قابل همدلی و تحسین است. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که مرز میان عشق و خشونت محو می‌شود.

خطر فرهنگی در جامعه ایران، تشدید خطر بر بستر حقوقی و حکومتی

در ایران، جایی که هنوز «غیرت» و «سلطه بر زن»

بحران اعدام در ایران: دست کم ۱۴۲ زندانی در ماه اوت اعدام شدند



• ۲ زندانی امنیتی، یکی با اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» و دیگری برای «عضویت در گروه تروریستی- تکفیری» با اتهام محاربه و افساد فی الارض اعدام شدند.
• اتهام ۲ نفر تجاوز جنسی بوده است.
• ۴ زن در این ماه اعدام شدند.
• ۱۱ شهروند بلوچ (کمتر از ۸ درصد)، ۶ شهروند کرد و ۳ عرب در میان اعدام‌شدگان بودند.
• ۵ شهروند افغانستانی در این مدت اعدام شدند.
• ۲ اعدام در ملاء عام اجرا شد.

در هشت ماه نخست سال جاری، دست کم ۸۶۴ اعدام توسط سازمان حقوق بشر ایران به ثبت رسیده است که در مقایسه با ۴۳۲ اعدام ثبت‌شده طی همین بازه زمانی در سال گذشته میلادی، صد درصد افزایش را نشان می‌دهد. از میان ۸۶۴ اعدام اجراشده در این هشت ماه، ۴۲۶ نفر با اتهامات مربوط به «مواد مخدر» در زندان‌های مختلف ایران اعدام شدند. همچنین حکم اعدام ۳۷۵ نفر با اتهام «قتل عمد»، ۳۷ نفر با اتهام «محاربه، بغی و افساد فی‌الارض» و ۲۶ نفر با اتهام «تجاوز به عنف» در این مدت به اجرا درآمد. از میان ۸۶۴ اعدام ثبت‌شده در این مدت، نهادهای رسمی و یا رسانه‌های داخل ایران، تنها اعدام ۶۱ تن (هفت درصد) را اعلام کرده‌اند.

در بین اعدام‌شدگان هشت ماه نخست سال جاری میلادی، ۲۳ زن، ۴۹ تبعه افغانستان، یک تبعه عراق، یک نفر که رسانه‌های ایران از او با عنوان «اتباع بیگانه» نام بردند و ۷ اعدام در ملاء عام دیده می‌شود. از بین اعدام‌شدگان با اتهام‌های امنیتی، ۹ تن با اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» و دو زندانی سیاسی به اتهام همکاری با سازمان مجاهدین خلق ایران به اعدام محکوم شده بودند.

روز ۲۹ اوت ۲۰۲۵ برابر با ۷ شهریور ۱۴۰۴ دفتر کمیساریایی عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، با ذکر این‌که حکومت ایران درخواست‌های متعدد برای لغو مجازات اعدام را نادیده گرفته، بار دیگر از ایران خواست تا در گام اول اجرای اعدام‌ها را متوقف کند و به سمت لغو این مجازات مغایر با اصول انسانی حرکت کند.

● سازمان حقوق بشر ایران با اشاره به اینکه در هشت ماه نخست سال جاری میلادی دست کم ۸۶۴ تن در ایران اعدام شدند، خواستار واکنش بین‌المللی به بحران اعدام در ایران شد.
● از مجموع ۱۴۲ اعدام ثبت‌شده، تنها ۵ مورد (کمتر از ۴ درصد) را رسانه‌های رسمی اعلام کردند.
● اتهام ۶۲ تن (۴۴ درصد) قتل عمد بوده است.
● ۴ زن نیز در این ماه اعدام شدند. ۲ زندانی امنیتی، یکی با اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» و دیگری برای «عضویت در گروه تروریستی- تکفیری» با اتهام محاربه و افساد فی الارض اعدام شدند.

به گزارش سازمان حقوق بشر ایران، در ماه گذشته میلادی (اوت ۲۰۲۵) دست کم ۱۴۲ نفر، شامل ۴ زن، ۵ تبعه افغانستان، ۱۱ شهروند بلوچ، ۶ شهروند کرد و ۳ شهروند عرب در ایران اعدام شدند. این آمار در مقایسه با ۱۰۵ اعدام در ماه اوت سال ۲۰۲۴ رشد ۳۵ درصدی را شاهد بوده است. سازمان حقوق بشر ایران با اشاره به اینکه در هشت ماه نخست سال جاری میلادی دست کم ۸۶۴ تن در ایران اعدام شدند، خواستار واکنش بین‌المللی به بحران اعدام در ایران شد. محمود امیری‌مقدم مدیر این سازمان در این خصوص گفت: «جمهوری اسلامی بی‌توجه به درخواست‌های مکرر سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری، همچنان به اعدام‌ها در ابعاد گسترده ادامه می‌دهد. دولت‌هایی که روابط دیپلماتیک با ایران دارند، باید مسئله اعدام را بطور فوری در اولویت دستور کار خود قرار دهند. سکوت تنها مقامات جمهوری اسلامی را در استفاده از اعدام به‌عنوان ابزار سرکوب جسورتر می‌کند.»

اعدام‌های اوت ۲۰۲۵ در یک نگاه:
• دست کم ۱۴۲ نفر در ماه اوت ۲۰۲۵ اعدام شدند.
• از مجموع ۱۴۲ اعدام ثبت‌شده، تنها ۵ مورد (کمتر از ۴ درصد) را رسانه‌های رسمی اعلام کردند.
• ۷۶ تن با اتهام‌های مربوط به مواد مخدر اعدام شدند که ۵۴ درصد از کل اعدام‌هاست.
• اتهام ۶۲ تن (۴۴ درصد) قتل عمد بوده است.

➔ اغلب با عشق و مردانگی گره می‌خورد، اینگونه بازماندگی‌ها اثرات مخربی دارند. جامعه‌ای که بارها شاهد اسیدپاشی، خشونت خانگی و زن‌کشی بوده و در آن مردان خشونت‌ورز اعمال خود را با «عشق» یا «غیرت» توجیه کرده‌اند، نباید بیش از این پذیرای رمانتیزه شدن چنین الگوهای در رسانه‌ها باشد.

هنگامی که سریالی پرمخاطب مانند «تاسیان»، وسواس بیمارگونه امیر را به «عشق» ارتقا می‌دهد، درواقع در بازتولید همان منطق فرهنگی خطرناکی مشارکت می‌کند که خشونت علیه زنان را نادیده گرفته یا مشروع می‌سازد. باید توجه داشت که خطر چنین بازماندگی‌هایی در جامعه ایران تنها به بُعد فرهنگی و عرفی محدود نمی‌شود. قوانین موجود، که بر پایه‌ی فقه مردسالارانه و نگاه شرعی به زن تنظیم شده‌اند، بطور ساختاری زمینه‌ساز بازتولید خشونت‌اند. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی، زن در بسیاری از عرصه‌ها به مثابه «موجودی صغیر» دیده می‌شود: حق طلاق عمدتاً در اختیار مرد است؛ سن مسئولیت کیفری دختران پایین‌تر از پسران تعیین شده؛ قوانین ارث و دیه به زیان زنان تنظیم شده‌اند؛ و در بسیاری موارد خشونت خانگی نه تنها جرم‌انگاری نمی‌شود بلکه تحت عنوان «حق شرعی شوهر» توجیه می‌گردد. در چنین ساختاری، زنانی که قربانی خشونت، آزار یا حتی قتل‌های موسوم به «ناموسی» می‌شوند، غالباً از حمایت حقوقی مؤثر محروم می‌مانند. این شرایط، تأثیر بازماندگی‌های رسانه‌ای را دوچندان می‌کند. وقتی تلویزیون درام عاشقانه‌ای تولید می‌کند که در آن مرد متجاوز به مرزهای اخلاقی و انسانی، در مقام «عاشق قهرمان» رمانتیزه می‌شود، این تصویر نه در خلأ، بلکه بر بستری پخش می‌شود که خود قانون نیز به مرد حق سلطه بر زن را داده است. به بیان دیگر، تطهیر وسواس و خشونت به عنوان عشق، در جامعه‌ای که قانون، شرع و رسانه دست در دست هم دارند، عملاً بطور مضاعف به سلطه مردانه و استمرار خشونت علیه زنان مشروعیت می‌بخشد.

مسئولیت هنرمندان و رسانه‌ها

هنر فقط بازتاب جامعه نیست، بلکه سازنده‌ی هنجارها و الگوهای رفتاری نیز هست. کارگردان و نویسنده در قبال پیامدهای فرهنگی اثر خود مسئولیت دارند. بازماندگی عشق باید با تأکید بر عاملیت زن، رضایت متقابل، احترام به مرزهای فردی و مسئولیت‌پذیری دوطرفه باشد. هرگونه رمانتیزه کردن خشونت و وسواس به نام عشق، چیزی جز شراکت در سقوط اخلاقی جامعه نیست.

«تاسیان» می‌توانست هشدار تلخ درباره پیامدهای وسواس بیمارگونه باشد؛ داستانی که نشان دهد چگونه عشق تحریف‌شده می‌تواند به مرگ و ویرانی بیانجامد. اما انتخاب کارگردان در پایان، آن را بدل به تراژدی‌ای رومانزیک می‌کند و در نتیجه به تطهیر خشونت و دروغ می‌پردازد. در جامعه‌ای مانند ایران، که با بحران خشونت علیه زنان دست به گریبان است، این نه فقط یک خطای هنری، که نوعی بی‌مسئولیتی فرهنگی است. بازماندگی چنین روابطی تحت عنوان عشق، نه تنها زیبایی ندارد بلکه همدستی با خشونت است.

با در نظر گرفتن تمام آنچه در طول داستان رخ می‌دهد، از دروغ، فریب، خشونت غیرمستقیم و پیامدهای تراژیک آن، این پرسش جدی مطرح می‌شود که: اگر این رابطه «عشق واقعی» تلقی شود، آیا هیچ پدر و مادری حاضر است چنین فردی را عاشق دختر خود بداند؟!

*دکتر گلناز ابراهیمی پژوهشگر و عضو هیئت علمی دانشگاه فلوریدا

فرافکنی وزیر نیرو درباره بحران کمبود آب و انرژی؛ از دولت رئیسی تا خرابکاری دشمن!



● عباس علی‌آبادی وزیر نیرو: وقتی دولت جدید را تحویل گرفتیم صنایع خاموش بودند. اقدامی را که دشمن در خطوط گاز انجام داد، هیچ‌جا اعلام نکردم. جلسه علنی است و مایل نیستم اطلاعاتی که نباید داده شود، داده شود.

● وزیر نیرو با اشاره به عدم وجود سرمایه‌گذار در صنعت برق و آب ایران، اعلام کرد که «اخیرا خارجی‌ها به دلایلی که همه‌تان می‌دانید کشور ما را ترک کرده‌اند؛ حتی چینی‌ها هم از اینجا رفته‌اند.»

● آرش نجفی کارشناس انرژی: وزرای فعلی عمده‌تا گذشته را بهانه می‌کنند که بابت مشکلات فعلی پاسخی ندهند. این روال فرار رو به جلو و اینکه وزرای ما پاسخگو نیستند و نمی‌توانند مشکلات را حل کنند، نشان می‌دهد که ما هم مشکل ساختاری داریم و هم نقشه راه وزارت نیرو بازسازی و بازنگری نشده است.

● هاشم اورعی رئیس اتحادیه انرژی و کارشناس ارشد انرژی: برای اینکه کیفیت تصمیمات شورای عالی انرژی را بدانید بگویم که یکی از مصوبات این بود که در نیمه جنوبی کشور، تبلیغ برای کولرگازی ممنوع بود. شما عمق تصمیم را ببینید.

فرار رو به جلو و اینکه وزرای ما پاسخگو نیستند و نمی‌توانند مشکلات را حل کنند، نشان می‌دهد که ما هم مشکل ساختاری داریم و هم نقشه راه وزارت نیرو بازسازی و بازنگری نشده است. افزون بر این‌ها، وزیری که از صنعت برق شناخت دارد و سالهای سال، مدیر بزرگ ترین هلدینگ انرژی کشور بوده، اگر توانایی نداشته که صورت مسئله انرژی کشور را حل کند، نباید مسئولیت می‌پذیرفت.

همانطور که آرش نجفی هم اشاره کرده به نظر می‌رسد اساسا نقشه راه مشخصی در وزارت نیرو برای بخش آب و انرژی وجود ندارد. در این شرایط مدتهاست تنها اقدام وزارت نیرو جیره‌بندی است؛ جیره‌بندی از گاز و برق در سالهای گذشته شروع و امسال به جیره‌بندی آب رسید.

قابل توجه اینکه مقامات حکومتی نیز به دنبال «عادی‌سازی» جیره‌بندی آب و انرژی هستند. در این رابطه محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در سخنانی که امروز در جلسه نمایندگان با وزیر نیرو داشت، مدعی شد مردم قطع برق را می‌پذیرند!

قالیباف مدعی شده مشکل مردم «بی‌نظمی و ناعدالتی در قطع برق» است و افزوده «کسی که برگ سبز گرفته است و پول داده است که در هیچ شرایطی برق او قطع نشود، نمی‌پذیرد؛ سرمایه‌گذاری که سرمایه‌اش را در صنعت گذاشته و ما برق او را نمی‌دهیم، نمی‌پذیرد.»

پیش از این نیز کارشناسان نسبت به اقدامات غیرمؤثر دولت در رویارویی با بحران انرژی و آب انتقادهایی را مطرح کرده بودند.

هاشم اورعی رئیس اتحادیه انرژی و کارشناس ارشد انرژی مدتی پیش با انتقاد از عملکرد شورای عالی انرژی گفته بود «برای اینکه کیفیت تصمیمات شورای عالی انرژی را بدانید بگویم که یکی از مصوبات این بود که در نیمه جنوبی کشور، تبلیغ برای کولرگازی ممنوع بود. شما عمق تصمیم را ببینید. وقتی این وضع شورای عالی انرژی است، آن هم می‌شود وزارت نیرو و ساتبا و غیره. همه چیز به همه چیز می‌آید.»

انجام داد، هیچ‌جا اعلام نکردم. جلسه علنی است و مایل نیستم اطلاعاتی که نباید داده شود، داده شود. به هر صورت آنچه ما تحویل گرفتیم مخازن خالی بود اما امسال همکاران من در وزارت نفت مخازن را به وضعیت خوبی رسانده‌اند.»

او در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به عدم وجود سرمایه‌گذار در صنعت برق و آب ایران، اعلام کرد که «اخیرا خارجی‌ها به دلایلی که همه‌تان می‌دانید کشور ما را ترک کرده‌اند؛ حتی چینی‌ها هم از اینجا رفته‌اند.»

عباس علی‌آبادی وقتی به «اقدام دشمن در خطوط گاز» اشاره گفت که «ما از آن شرایط عبور کردیم و از این شرایط هم عبور خواهیم کرد». این در حالیست که همانطور که وزیر نیرو اشاره کرده هیچ سرمایه‌گذار خارجی حاضر نیست در اقتصاد ایران، از جمله انرژی، سرمایه‌گذاری کند.

در آنسو اما بودجه وزارت نیرو و درآمدهای این وزارتخانه رقمی قابل توجه است و مشخص نیست چرا سالهاست سرمایه‌گذاری در اینباره رخ نداده است.

در همین رابطه آرش نجفی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران و تحلیلگر بخش انرژی «وقتی صحبت از زیرساخت‌های فرسوده حوزه برق می‌شود، اتفاقا خوب است به مسئله درآمدهای وزارت نیرو هم بپردازیم. در سالهای اخیر و گذشته وزارت نیرو، از محل فروش برق، درآمد بسیار قابل توجهی داشته و این درآمد را هم که به نیروگاه‌دارها و تولیدکننده‌های نیرو تقدیم نکرده است. بنابراین، انتظار می‌رود هم اکنون، وزارت نیرو، انباشت سرمایه قابل توجهی داشته باشد. در شرایطی که حدس زده می‌شود چنین سرمایه‌ای در بدنه وزارت نیرو وجود دارد پس طبیعتا، این خواست به وجود می‌آید که حتما زیرساخت‌ها و شبکه توزیع برق را بازسازی و نوسازی کنند و عملا بهانه‌ای برای کمبود بودجه نداشته باشند.»

آرش نجفی افزوده «وزرای فعلی، عمده‌تا گذشته را بهانه می‌کنند که بابت مشکلات فعلی پاسخی ندهند. این روال

عباس علی‌آبادی وزیر نیرو روز سه‌شنبه ۱۱ شهریورماه ۱۴۰۴ در مجلس شورای اسلامی حضور پیدا کرد تا درباره بحران انرژی و آب به نمایندگان توضیح دهد. همانطور که پیش‌بینی می‌شد وزیر نیرو با فرافکنی و انداختن مسئولیت مشکلات موجود به دوش دولت قبلا تلاش کرد عملکرد نامطلوب وزارت نیرو دولت چهاردهم را توجیه کند. عباس علی‌آبادی همچنین هیچ برنامه روشن و مشخصی برای مهار بحران کمبود آب و برق ارائه نکرد!

عباس علی‌آبادی در صحن علنی مجلس شورای اسلامی گفت «ناترازی اقتصادی موجب شده است طی سالیان گذشته بدهی پیمانکاران و سرمایه‌گذاران حوزه آب و برق به موقع پرداخت نشود قیمت‌های تکلیفی تشکیل سرمایه را متوقف سازد و مصرف برق و آب را به صورت غیر هدفمند و غیر بهره‌ور رشد دهد و بالاخره موجبات ناترازی را فراهم آورد.»

او در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به اینکه بحران کمبود برق و آب برای نخستین‌بار در سال ۹۷ خود را نشان داد گفت «بخشی از شبکه برق فرسوده و نیازمند نوسازی و تقویت جدی است؛ شبکه برق کشور عمر بیش از عمر مفید خود دارد و نیازمند نوسازی و به‌روزرسانی است.»

وزیر نیرو همچنین با اشاره به مشکلات در بخش آب گفت «مهم‌ترین چالش‌های بخش آب عبارتند از وجود طرح‌های نیمه‌تمام متعدد در هر استان بطوری که در حال حاضر در هر استان بطور متوسط حدود ۱۰ طرح نیمه‌تمام وجود دارد و مجموعاً ۶۷ طرح نیمه‌تمام در بخش آب کشور با بودجه‌های مربوط به سال ۱۴۰۳ فعال هستند. در حالی که کل بودجه‌های پیش‌بینی شده برای سال ۱۴۰۴ در شرایط مطلوب تنها پاسخگوی بخش کوچکی از نیازها خواهد بود.» او همچنین بحران اصلی را به عملکرد دولت ابراهیم رئیسی مرتبط دانست که در آن دولت خودش وزیر صنعت، معدن و تجارت بود: «من وزیر صمت [دولت رئیسی] بودم؛ به شما عرض می‌کنم که وقتی دولت جدید را تحویل گرفتیم صنایع خاموش بودند. اقدامی را که دشمن در خطوط گاز

جمهوری اسلامی همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تعليق کرده است



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

● بر اساس گزارش محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که خبرگزاری آسوشیتدپرس نسخه‌ای از آن را مشاهده کرده است، جمهوری اسلامی ایران پیش از آغاز حمله نظامی اسرائیل در ۱۳ ژوئن (۲۳ خرداد)، ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را تا سطح نزدیک به درجه تسلیحاتی افزایش داده بود.

● آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که تمامی همکاری‌ها با جمهوری اسلامی به حالت تعلیق درآمده است. در این گزارش با اشاره به اینکه هرچند خروج بازرسان سازمان ملل در زمان جنگ به دلیل شرایط امنیتی ضروری بود، تصمیم بعدی تهران برای قطع همکاری با آژانس «بسیار تأسف برانگیز» توصیف شده است.

● بر اساس این گزارش، تا تاریخ ۲۳ خرداد کل ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران به ۹/۸ تن رسیده است که حدود ۶۲۷ کیلوگرم نسبت به دوره پیش افزایش داشته است.

● بر اساس گزارش آژانس، جمهوری اسلامی ایران در ۲۳ امرداد در نامه‌ای پیش‌نویس مفصلی از یک «ترتیب جدید» ارائه کرده که بر اساس آن، آژانس باید درخواست‌های خود را برای بازرسی از تأسیسات آسیب‌نندیده «مورد به مورد» ارائه کند.

کیلوگرم نسبت به دوره پیش افزایش داشته است. آژانس اعلام کرده است که از ۲۳ خرداد همزمان با آغاز جنگ ۱۲ روزه تا کنون «نتوانسته فعالیت‌های میدانی لازم برای جمع‌آوری و راست‌آزمایی داده‌های جمهوری اسلامی را که برای برآورد تغییرات ذخایر قبلی گزارش‌شده مورد نیاز است» انجام دهد.

همچنین گزارش شده است که بازرسان بیش از دو ماه و نیم است نتوانسته‌اند ذخایر اورانیوم نزدیک به درجه تسلیحاتی جمهوری اسلامی را راست‌آزمایی کنند؛ موضوعی که آژانس آن را «بسیار نگران‌کننده» توصیف کرده است.

بر اساس گزارش آژانس، جمهوری اسلامی ایران در ۲۳ امرداد در نامه‌ای پیش‌نویس مفصلی از یک «ترتیب جدید» ارائه کرده که بر اساس آن، آژانس باید درخواست‌های خود را برای بازرسی از تأسیسات آسیب‌نندیده «مورد به مورد» ارائه کند.

در مورد سایت‌های آسیب‌دیده، گزارش آژانس می‌گوید جمهوری اسلامی ایران «متعهد شده است گزارشی را تا یک ماه پس از نهایی شدن این ترتیب در اختیار آژانس قرار دهد». طبق پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران، تنها پس از ارائه چنین گزارشی، آنها با آژانس درباره ترتیبات جدید همکاری مذاکره خواهند کرد.

مدیرکل آژانس برای جمهوری اسلامی ایران روشن کرده است که هرگونه همکاری باید مطابق با توافق‌نامه پادمان باشد.

روزنامه «همشهری» در همین ارتباط نوشته است که با گزارش جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دور جدید بحران آفرینی توسط این نهاد آغاز شده است.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس پیشتر در مصاحبه با «فاکس نیوز» به جمهوری اسلامی هشدار داده بود: «اگر بخواهید از تکرار آنچه در ژوئن (جنگ ۱۲ روزه) دیدیم جلوگیری کنید، باید فعالیت‌های آژانس از سر گرفته شوند» و بدون بازرسی‌ها و گزارش آژانس هیچ توافقی در کار نخواهد بود.

روسیه فعالیت می‌کند. بازرسان در روزهای ۲۷ و ۲۸ اوت بر تعویض سوخت این نیروگاه نظارت کردند.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس در گزارش خود تصریح کرده است: «چارچوب‌های فنی لازم برای از سر گرفتن کامل بازرسی‌های آژانس باید بدون تأخیر نهایی شود».

تعليق همکاری جمهوری اسلامی با آژانس

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که تمامی همکاری‌ها با جمهوری اسلامی به حالت تعلیق درآمده است. در این گزارش با اشاره به اینکه هرچند خروج بازرسان سازمان



هشدار گروسی به جمهوری اسلامی:
اگر بخواهید از جنگ جلوگیری کنید باید به
بازرسان اجازه بازدید از سایت‌ها را بدهید

ملل در زمان جنگ به دلیل شرایط امنیتی ضروری بود، اما تصمیم بعدی تهران برای قطع همکاری با آژانس «بسیار تأسف برانگیز» توصیف شده است.

بر اساس این گزارش، تا تاریخ ۲۳ خرداد کل ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران به ۹/۸ تن رسیده است که حدود ۶۲۷

بر اساس گزارش محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که خبرگزاری آسوشیتدپرس نسخه‌ای از آن را مشاهده کرده است، جمهوری اسلامی ایران پیش از آغاز حمله نظامی اسرائیل در ۱۳ ژوئن (۲۳ خرداد)، ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را تا سطح نزدیک به درجه تسلیحاتی افزایش داده بود. در این گزارش که روز چهارشنبه سوم سپتامبر (۱۲ شهریور) منتشر شد، آمده است که تا ۲۳ خرداد، جمهوری اسلامی ۴۴۰/۹ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی در اختیار داشته است. این مقدار ۳۲/۳ کیلوگرم نسبت به میزان ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی تا اردیبهشت‌ماه افزایش داشته است. بر اساس گزارش آژانس، این مقدار «بر اساس اطلاعات ارائه‌شده از سوی جمهوری اسلامی، راست‌آزمایی آژانس بین ۲۷ اردیبهشت تا ۲۲ خرداد، (یک روز پیش از آغاز حملات نظامی) و برآوردهای مربوط به عملکرد گذشته تأسیسات مرتبط» محاسبه شده است. این مقدار اورانیوم، تنها یک گام فنی کوتاه تا رسیدن به سطح ۹۰ درصد (درجه تسلیحاتی) فاصله دارد.

بازرسی‌ها و مناقشات

طبق این گزارش محرمانه، جمهوری اسلامی و آژانس هنوز بر سر آغاز دوباره بازرسی از سایت‌هایی که در مپاران‌های اسرائیل و آمریکا هدف قرار گرفتند، به توافق نرسیده‌اند. هنوز مشخص نیست حملات اسرائیل و آمریکا تا چه اندازه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را مختل کرده است. اسرائیل اعلام کرده بود هدف قرار دادن سایت‌های هسته‌ای و نظامی جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای ضروری بوده است. در مقابل، جمهوری اسلامی همواره تأکید داشته که برنامه هسته‌ای‌اش ماهیتی صلح‌آمیز دارد.

تنها سایتی که از زمان آغاز جنگ مورد بازرسی قرار گرفته، نیروگاه هسته‌ای بوشهر است که با کمک‌های فنی

آغاز دور تازه‌ای از اعتراضات صنفی در شهرهای مختلف ایران



اعتراض کارکنان ارکان ثا در نفت و گاز گچساران، یکشنبه نهم شهریورماه ۱۴۰۴

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران گزارش داد همزمان آموزگاران نهضت سوادآموزی نیز برای سومین روز پیاپی در مقابل وزارت آموزش و پرورش در تهران تجمع کردند.

بر اساس این گزارش «آموزگاران نهضت سوادآموزی که سالها بی‌صدا در خدمت آموزش محرومان بوده‌اند، امروز خواستار ابلاغ فوری شیوه‌نامه حق‌التدریسی شدند. سکوت وزارتخانه در برابر حق‌خواهی آنان، زخمی تازه بر پیکر آموزش کشور است.»

در استان خوزستان نیز دانشجویان دانشکده پرستاری شهر ایذه به کیفیت بد و غیربهداشتی بودن غذای سلف دانشگاه معترض هستند. خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده دانشجویان با ارسال تصاویر و تماس‌های مکرر با این خبرگزاری گفته‌اند طی یک سال گذشته بارها از طرق مختلف صدای خود را به شبکه بهداشت و درمان ایذه، فرماندار و دانشگاه علوم پزشکی اهواز رسانده‌اند، اما نه تنها اقدامی صورت نگرفته بلکه کیفیت غذا بدتر هم شده است.

دانشجویان معترض به خبرگزاری «ایلنا» گفته‌اند وجود سنگ، مو، شیر کپ‌زده و تاریخ گذشته، کنسرو فاسد و غذای بی‌کیفیت سلامت هر انسانی را تهدید می‌کند.

همچنین جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی و کشوری نیز روز سه‌شنبه در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری استان کرمانشاه تجمع کردند.

بازنشستگان در این تجمع ضمن اعتراض به وضعیت معیشت خود، خواستار افزایش حقوق و رسیدگی به سایر خواست‌ها و حقوق خود شدند. آنها همچنین با سردادن شعارهایی، خواستار آزادی زندانیان سیاسی از جمله شریفه محمدی زندانی سیاسی محکوم به اعدام شدند.

آغاز دور جدیدی از اعتراضات صنفی در حالیست که جمهوری اسلامی به ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، فضای امنیتی را افزایش داده و همه تلاش خود را برای جلوگیری از شکل‌گیری اعتراضات در کشور به کار گرفته است.

ارکان ثا در نفت و گاز گچساران با هدف پایان دادن به تبعیض و حذف شرکت‌های پیمانکاری تجمع و راهپیمایی کردند.

«کارگر بیدار است از تبعیض بیزار است»، «وزیر بی لیاقت نمی‌خوایم، نمی‌خوایم»، «کارگر داد بزن، حق‌تو فریاد بزن» از جمله شعارهایی بود که در این اعتراض از سوی کارگران سر داده شد.

همزمان در نهم شهریورماه کارکنان رسمی شرکت نفت فلات قاره در منطقه خارک تجمع اعتراضی برگزار کردند. خواسته‌های معترضان «اصلاح حقوق حداقلی کارکنان»، «حذف کامل سقف حقوق پرسنل عملیاتی»، «حذف سقف سنوات بازنشستگی»، «عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده»، «اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی آن» و «استقلال کامل صندوق بازنشستگی نفت» اعلام شده است.

خبرگزاری «هرانا» نیز از تجمع اعتراضی شماری از نیروهای پیمانکاری شرکت ملی حفاری ایران در اهواز در روز سه‌شنبه ۱۱ شهریورماه خبر داده و نوشته این کارگران خواستار تبدیل وضعیت شغلی خود و حذف شرکت‌های واسطه پیمانکاری هستند.

روز سه‌شنبه ۱۱ شهریورماه گروهی از رانندگان تانکرهای حمل سوخت در مقابل سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای واقع در تهران دست به تجمع زدند. رانندگان نسبت به متوقف ماندن خودروهایشان در مرزهای شرقی کشور اعتراض دارند. این رانندگان خواهان برطرف شدن موانع از سوی نهادهای مسئول، برای بازگشت خودروهایشان به کشور هستند.

از سوی دیگر دو تجمع همزمان در مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش برگزار شد. شماری از آموزگاران بازنشسته صبح روز سه‌شنبه ۱۱ شهریورماه ۱۴۰۴ در مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. این آموزگاران بین سالهای ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ بازنشسته شده‌اند اما هنوز مزایای بازنشستگی را دریافت نکرده‌اند.

● «اتحادیه آزاد کارگران ایران» روز گذشته از اعتصاب غذای حدود چهار هزار تن از کارگران شرکت آلومینیوم اراک (ایرالکو) خبر داد. این کارگران بیش از ۳۵ روز است از دریافت غذا در محل کار خودداری می‌کنند.

● روز سه‌شنبه ۱۱ شهریورماه ۱۴۰۴ نیز شماری از کارکنان صنعت نفت در بیش از ۱۰ سکوی نفتی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

● روز سه‌شنبه نیز گروهی از رانندگان تانکرهای حمل سوخت در مقابل سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای واقع در تهران دست به تجمع زدند.

طی روزهای گذشته چندین اعتراض صنفی در شهرهای مختلف ایران و از سوی اصناف مختلف از جمله کارگران و آموزگاران برگزار شده است. اعتراضات و تجمعات صنفی در حالی برگزار می‌شود که جمهوری اسلامی پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل با فشار فضای امنیتی تلاش کرده از برگزاری اعتراضات در کشور جلوگیری کند.

«اتحادیه آزاد کارگران ایران» روز گذشته از اعتصاب غذای حدود چهار هزار نفر از کارگران شرکت آلومینیوم اراک (ایرالکو) خبر داد. این کارگران بیش از ۳۵ روز است از دریافت غذا در محل کار خودداری می‌کنند.

بر اساس گزارش «اتحادیه آزاد کارگران» علت این اعتصاب «تضییع فاحش حقوق انسانی خود و ویرانسازی شرکت» بوده است. همچنین گزارش شده مدیریت شرکت و مسئولان محلی پاسخگوی خواسته‌های برحق و قانونی کارگران اعتصاب‌کننده نیستند.

کارگران اعتصاب‌کننده با تأکید بر اینکه مشکلات آنها تنها دستمزد پایین و عقب‌افتادن حقوق نیست، گفته‌اند «سهام این مجموعه عظیم صنعتی که با تلاش و عرق جبین کارگران و سرمایه ملی مردم بنا شده است، باید از دست گروه‌های خاص که در حال ویرانی شرکت هستند خارج شده و در اختیار جمعی و شفاف مردمی قرار گیرد.»

کارگران شرکت آلومینیوم اراک (ایرالکو) تصاویری از سوانح دلخراش شغلی خود را برای «اتحادیه آزاد کارگران» ارسال کرده و یکی از مشکلات خود را رعایت نشدن استانداردهای ایمنی در محیط کار عنوان کرده‌اند.

کارگران صنعت نفت و گاز در جنوب کشور نیز در هفته‌های گذشته ده‌ها تجمع صنفی در محل کار برگزار کردند. روز سه‌شنبه ۱۱ شهریورماه ۱۴۰۴ شماری از کارکنان صنعت نفت در سکوهای چهل‌گانه شرکت نفت و گاز پارس، پالایشگاه گاز فجر جم، نفت و گاز پارس عسلویه (سایت ۱)، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)، منطقه ویژه عسلویه، مجتمع گازی پارس جنوبی و شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری جمع هماهنگ و همزمان برگزار کردند.

«شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت» با انتشار اخبار تجمع روز گذشته کارکنان صنعت نفت و گاز نوشته مهمترین مطالبات کارگران شامل «اصلاح نظام حقوق و دستمزد، پرداخت کامل حقوق، حذف کسورات ناعادلانه، اجرای قرارداد استخدامی، حذف سقف حقوق، اجرای کامل ماده ۱۰، عدم تفکیک مشاغل به تخصصی و پشتیبانی در مناطق عملیاتی» بوده است.

«شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت» گزارش داده که روز نهم شهریورماه نیز شماری از کارکنان

فایننشال تایمز: «ملی‌گرایی» برای رژیم مشروعیت نمی‌آورد



● در نمایش یک ملی‌گرایی مصنوعی برای ادامه حیات، رژیم جمهوری اسلامی دست به دامن کوروش بزرگ شده است! این چرخش تبلیغاتی جمهوری اسلامی پس از جنگ ۱۲ روزه است.

● جنگ اخیر جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل ضعف‌های امنیتی و اطلاعاتی تهران را آشکار کرد.

جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵ نقص‌های جدی سامانه‌های اطلاعاتی، امنیت داخلی و پدافند هوایی رژیم را نمایان کرد. مواجهه با این حملات خارجی باعث شد حکومت به سرعت به «نمایش ملی‌گرایی» متوسل شود. در میدان‌ها و شبکه‌های اجتماعی، تصاویر فراگیر از ایران باستان، کوروش بزرگ، تخت جمشید، نمادهای پیش از تسلط اسلام بر ایران در کنار نمادهای مذهبی شیعه منتشر شد؛ چرخشی جدید در جهت ملی‌گرایی نوین و ظهور تندروهایی که خود را مدافع جمهوری اسلامی نیز می‌دانند.

جمهوری اسلامی کوشیده است با بهره‌گیری از ترکیبی از نمادهای ملی‌گرایانه و ایدئولوژی دینی، جایگاه متزلزل خود را تحکیم کند. با این حال، ناظران می‌گویند آنچه در سطح جامعه دیده می‌شود، نه حمایت بی‌قید و شرط از حکومت بلکه نوعی «غرور ملی» و مقاومت در برابر تهدید خارجی است؛ وضعیتی که پرسش‌های جدی‌تری درباره آینده رژیم ملایان و بحران جانشینی رهبر آن برانگیخته است.

روزنامه فایننشال تایمز در تحلیلی به قلم بورجو اوزچلیک پژوهشگر ارشد اندیشکده سلطنتی مطالعات امنیتی و دفاعی لندن تأکید می‌کند که مسئله اصلی حکومت نه جنگ با اسرائیل و آمریکا، بلکه «مشروعیت سیاسی فرساینده»ی آن است. در این میان، بحران جانشینی نیز به عنوان موضوعی جدی مطرح شده: چه کسی جایگزین علی خامنه‌ای خواهد شد؟ پرسشی که بطور مستقیم با هویت آینده جمهوری اسلامی پیوند خورده است.

شعار و روایت «غرب قابل اعتماد نیست» که روز به روز بیشتر در جامعه ایران رواج می‌یابد، به خوبی در خدمت حکومت تهران قرار گرفته است. پس از بمباران‌های اسرائیل و ادامه ویرانی‌ها در غزه، بسیاری از ایرانیان به این نتیجه رسیده‌اند که نزدیکی به غرب، منافع ملی آنان را تأمین نخواهد کرد. با این حال، برخلاف برخی تحلیل‌ها، این روند لزوماً به معنای تبدیل نسل جدید به حامیان سرسخت مذهبی یا ملی‌گرا نیست. در آغاز حملات اسرائیل، جامعه ایران یکبارچه پشت حکومت نایستاد، اما احساس گسترده‌ای از غرور ملی و نوعی سرسختی در برابر تهدید خارجی شکل گرفت. پس از آن، ملی‌گرایی تازه با فضای ارباب و هراس همراه شد و دستاویزی برای سرکوب گسترده مخالفان گشت؛ سرکوبی که زیر عنوان «دفاع از وطن» توجیه شده است. گزارش‌ها حاکی است که در پی جنگ ژوئن، بیش از ۲۱ هزار نفر به عنوان «مظنون» بازداشت شده‌اند. اقدامی که حکومت آن را «دفاع از امنیت ملی» نامیده است.

چالش اصلی برای آمریکا و اروپا، این است که روایت جمهوری اسلامی را که می‌گوید «غرب هرگز شریک قابل اعتمادی برای ایرانیان نیست» خنثی کنند و نشان دهند که امکان دستیابی به آینده‌ای بهتر برای مردم ایران وجود دارد. رقابت بر سر اینکه چه کسی سخنگوی گذشته، حال و آینده ایران باشد، به شدت با بحران جانشینی رهبری پیوند خورده است. پرسش کلیدی این است: چه کسی جایگزین

هشدار دادند. در عین حال، تهران همچنان از حزب‌الله و دیگر گروه‌های مسلح غیردولتی حمایت می‌کند؛ حمایتی که مانع دستیابی به ثبات پایدار در منطقه است.

شاید موج ملی‌گرایی در کوتاه‌مدت قدرتی تازه به جمهوری اسلامی بدهد، اما در داخل و خارج، صبر و تحمل نسبت به رژیم که نیازهای اولیه مردم را فدای طرح‌های منطقه‌ای می‌کند رو به پایان است. با اینهمه، اگر غرب صرفاً بر فشار نظامی تکیه کند و دیپلماسی را کنار بگذارد، نه به نفع مردم ایران خواهد بود و نه به سود صلح منطقه.

پس از بمباران‌های اسرائیل، حکومت تهران به سرعت به نمادهای باستانی و مذهبی روی آورده است. تصاویر کوروش بزرگ و تخت جمشید در کنار نمادهای شیعی منتشر شده تا ترکیبی از «ملی‌گرایی پیش از اسلامی» و «ایدئولوژی دینی» ارائه شود.

اقتصاد فرسوده و بحران‌های داخلی

بر اساس یافته‌های این تحلیل، مشکلات داخلی ایران عمیق‌تر از آن است که با شعارهای ملی‌گرایانه مصنوعی پوشانده شود. خاموشی‌های گسترده، خشکسالی و سوء مدیریت منابع آبی، زندگی روزمره مردم را مختل کرده است. همزمان، تحریم‌های بین‌المللی که به تازگی توسط بریتانیا، فرانسه و آلمان تهدید شد، همراه با میراث کارزار «فشار حداکثری» دولت ترامپ، اقتصاد کشور را در وضعیت شکننده نگه داشته است.

به باور این تحلیلگر، مسیر آینده ایران به تصمیمات نیروهای نظامی گره خورده است و موج ملی‌گرایی شاید در کوتاه‌مدت به جمهوری اسلامی قدرتی تازه ببخشد، اما صبر همه در داخل و خارج نسبت به رژیمی که قادر به تأمین نیازهای اولیه شهروندان نیست، رو به پایان است.

اوزچلیک افزود: «بمباران اسرائیل و تداوم جنگ در غزه باعث شده بسیاری از ایرانیان نسبت به چشم‌انداز بهبود روابط با غرب دچار تردید شوند.»

*منبع: فایننشال تایمز

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

علی خامنه‌ای خواهد شد؟ موج کوتاه مدت حمایت داخلی پس از حملات اسرائیل و آمریکا، نتوانسته بحران مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی را برطرف کند.

شعارهای ملی‌گرایانه نیز نمی‌توانند مشکلات واقعی کشور را پنهان کنند. خاموشی‌های گسترده، خشکسالی طولانی و سوء مدیریت منابع آبی، زندگی روزمره مردم را مختل کرده است. همزمان، بازاعمال تحریم‌های بین‌المللی از سوی بریتانیا، فرانسه و آلمان و میراث سیاست «فشار حداکثری» دولت ترامپ، اقتصاد ایران را به شدت آسیب‌پذیر ساخته است.

مانند بسیاری از رژیم‌های اقتدارگرا، دوام جمهوری اسلامی نه به خاطر تغییرناپذیری، بلکه به سبب توانایی در تطبیق و تغییر است. در هفته‌های اخیر، تهران نشانه‌هایی از بازسازی قدرت سیاسی و نظامی نشان داده است: انتصاب فرماندهان تازه برای پر کردن خلأ ناشی از ترور چهره‌های کلیدی، از جمله فرمانده کل سپاه پاسداران و بازگرداندن علی لاریجانی به شورای عالی امنیت ملی پس از ۱۸ سال، نشان از کمبود چهره‌های کارگشته دیپلماتیک دارد. در همین حال، رئیس جمهور مسعود پزشکیان و دیگر اصلاح طلبان خواستار بازگشت به دیپلماسی شده‌اند، اما تندروها هرگونه معامله با غرب را «دعوت به تجاوز بیشتر» می‌دانند. نقش افسران نظامی در سال‌های آینده سرنوشت‌ساز خواهد بود: آیا سپاه پاسداران همچنان بر «صدور انقلاب» که عملاً ناکام مانده اصرار خواهد کرد یا تمرکز خود را بر دفاع از داخل کشور و رفع بحران‌های اجتماعی و اقتصادی خواهد گذاشت؟ همچنین توازن قدرت میان ارتش و سپاه نیز عامل تعیین‌کننده‌ای خواهد بود.

بازگشت به دیپلماسی جدی با هدف دستیابی به توافق پایدار، ضروری به نظر می‌رسد. تلاش‌هایی که صرفاً به خرید زمان محدود شود، کارساز نخواهد بود. با این حال، رژیم ایران نشانه‌ای از تغییر مسیر نشان نداده است. در ماه ژوئیه، آمریکا، بریتانیا و متحدان اروپایی با صدور بیانیه‌ای نسبت به تلاش‌های نهادهای اطلاعاتی تهران برای «ترور، آدم‌ربایی و آزار شهروندان در اروپا و آمریکای شمالی»

ازدواج کودکان در مسجدی در بریتانیا؛ نشانه‌ای از سقوط استانداردهای یک کشور مدعی پیشرفت



شکاف‌های اجتماعی تصویری کاملاً متفاوت از بریتانیای امروز به نمایش می‌گذارد. این تناقض آشکار و ناسازگاری فرهنگ‌ها، بیش از پیش بریتانیا را در مسیر شباهت به کشورهای قرار می‌دهد که خود بارها به خاطر نقض قوانین حقوق بشر مورد انتقاد قرار داده است.

پرونده‌ی امام مسجد «نورث‌همپتون» صرفاً یک تخلف فردی نیست؛ این اتفاق زنگ خطری است از روندی نگران‌کننده که بنیان‌های فرهنگی و اخلاقی جامعه بریتانیا را سست کرده و شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر ساخته است.

اگر دولت و نهادهای مسئول با قاطعیت و جدیت واکنش نشان ندهند، چنین رویدادهایی نه تنها بریتانیا را از جایگاه یک کشور پیشرفته به سمت وضعیتی شبیه جوامع عقب‌مانده سوق خواهد داد، بلکه چنانچه برخی کارشناسان مانند پرفسور دیوید بتز استاد دانشگاه کینگزکالج لندن بطور جدی هشدار داده‌اند، خطر بروز ناآرامی‌های گسترده و احتمال درگیری‌های داخلی را افزایش خواهد داد.

حتی‌کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا از حزب کارگر نیز پیشتر اعلام کرده بود که این کشور به تدریج به «جزیره‌ای از بیگانگان» که با یکدیگر سازگاری ندارند تبدیل می‌شود. با این حال، او بعدها تحت فشار برخی از نمایندگان حزب کارگر که بخش بزرگی از رأی‌دهندگان حوزه‌های انتخابیه‌ی آنها اقلیت‌های مسلمان هستند، ناچار شد از بیان این سخنان ابراز پشیمانی کند.

این عقب‌نشینی نخست‌وزیر انگلیس نشان می‌دهد که انتقاد از پیامدهای سیاست چند فرهنگ‌گرایی در بریتانیا هنوز یک تابو باقی مانده و فشار اقلیت‌های مسلمان و گروه‌های چپ‌گرا باعث شده است که حتی نخست‌وزیر کشور نیز از بیان صریح واقعیت‌ها درباره ناسازگاری‌های اجتماعی و فرهنگی ابراز پشیمانی کند، موضوعی که نشان‌دهنده محدودیت گفتگوهای آزاد و ناتوانی سیاستمداران در پرداختن به چالش‌های واقعی جامعه و حل این معضلات است.

مصوب ۲۰۲۲ که ازدواج افراد زیر سن قانونی را در هر شرایطی ممنوع می‌داند، وی باید در دادگاه حاضر شود. طبق قوانین بریتانیا، هرگونه تلاش برای ازدواج کودکان حتی بدون استفاده از زور، غیرقانونی است و مجازات آن می‌تواند تا هفت سال زندان باشد.

این رویداد اما فقط یک پرونده‌ی قضایی ساده نیست. پرسش اصلی این است: چگونه در بریتانیا که خود را یک کشور پیشرفته معرفی می‌کند، چنین پدیده‌هایی که بیشتر در کشورهای اسلامی و «جهان سوم» دیده می‌شود، اتفاق می‌افتد؟ چگونه امام جماعت یک مسجد در کشوری با ادعای قانونمداری، تا این حد جسارت پیدا می‌کند که در مسجدی که با مجوز رسمی دولت بریتانیا فعالیت می‌کند، جایی که از خودش نیز به عنوان مدیر این موسسه در اداره ثبت شرکت‌ها نام برده شده، به نقض آشکار قوانین بپردازد و نظام حقوقی این کشور را زیر پا بگذارد؟

بحران هویت و چندفرهنگ‌گرایی بی‌قید و شرط

سیاست چندفرهنگ‌گرایی در بریتانیا در سال‌های اخیر به صورت جدی به چالش کشیده شده است. سوء استفاده از آزادی‌های مذهبی بدون نظارت مؤثر باعث شده گروه‌هایی تحت لوای مذهب یا فرهنگ، عملاً قوانین کشور را نادیده بگیرند و قوانینی موازی ایجاد کنند. نتیجه آنکه ارزش‌های بنیادین مانند حقوق کودکان، برابری جنسیتی، آزادی بیان و امنیت اجتماعی، که سال‌ها برای تأمین و تضمین آنها در بریتانیا تلاش شده، قربانی شوند.

از ادعای پیشرفت تا واقعیت تلخ امروز

بریتانیا هنوز هم تلاش می‌کند چهره‌ای از یک کشور پیشرفته و مدرن ارائه دهد، اما رخدادهایی مانند ازدواج کودکان در مساجد، ضعف شدید در کنترل مهاجرت غیرقانونی، رسوائی بزرگ ناتوانی در مهار باندهای عمده‌تای پاکستانی‌تبار در سوء استفاده و آزار جنسی کودکان آسیب‌پذیر و افزایش روزافزون

● پلیس ایالت «نورث‌همپتون‌شایر» اعلام کرده که اشرف زمان عثمانی، ۵۲ ساله، متولد بنگلادش، امام جماعت مسجد مرکزی «نورث‌همپتون» به اتهام برگزاری یک مراسم نکاح بین دو نوجوان زیر ۱۸ سال دستگیر شده است.

● طبق قوانین بریتانیا، هرگونه تلاش برای ازدواج کودکان حتی بدون استفاده از زور، غیرقانونی است و مجازات آن می‌تواند تا هفت سال زندان باشد.

● اما چگونه امام جماعت یک مسجد در کشوری با ادعای قانونمداری، تا این حد جسارت پیدا می‌کند که در مسجدی که با مجوز رسمی دولت بریتانیا فعالیت می‌کند، به نقض آشکار قوانین بپردازد و نظام حقوقی این کشور را زیر پا بگذارد؟

● اگر دولت و نهادهای مسئول با قاطعیت و جدیت واکنش نشان ندهند، چنین رویدادهایی نه تنها بریتانیا را از جایگاه یک کشور پیشرفته به سمت وضعیتی شبیه جوامع عقب‌مانده سوق خواهد داد، بلکه چنانچه برخی کارشناسان مانند پرفسور دیوید بتز استاد دانشگاه کینگزکالج لندن بطور جدی هشدار داده‌اند، خطر بروز ناآرامی‌های گسترده و احتمال درگیری‌های داخلی را افزایش خواهد داد.

● حتی‌کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا از حزب کارگر نیز پیشتر اعلام کرده بود که این کشور به تدریج به «جزیره‌ای از بیگانگان» که با یکدیگر سازگاری ندارند تبدیل می‌شود.

پتکین آذر مهر - خبر تکان‌دهنده‌ای از شهر «نورث‌همپتون» انگلستان بار دیگر بحث عمیقی را در خصوص وضعیت اجتماعی و سیاسی این کشور به میان آورده است. پلیس ایالت «نورث‌همپتون‌شایر» اعلام کرده که اشرف زمان عثمانی، ۵۲ ساله، متولد بنگلادش، امام جماعت مسجد مرکزی «نورث‌همپتون» به اتهام برگزاری یک مراسم نکاح بین دو نوجوان زیر ۱۸ سال دستگیر شده است. این مراسم در نوامبر ۲۰۲۳ انجام شده و اکنون بر اساس قانون جدید

اختلاف بر سر «مذاکره با آمریکا»؛ معاون سیاسی سپاه پاسداران: «مقاومت» تنها راه است!



نشست سران قوای جمهوری اسلامی، پزشکيان، اژه‌ای و قالیباف

پیشرفت ایران جز از طریق مقاومت و اتکا به توان داخلی میسر نیست.

جوانی گفت در مقابل «نگاه انقلابی مقاومت» جریان دیگری در کشور وجود دارد که با تردید به توانایی‌های ملت ایران می‌نگرد و بجای اتکا به ظرفیت‌های داخلی، نسخه‌هایی مانند «مدل ژاپن و آلمان» را مطرح می‌کند. این جریان، امروز نیز «در بیانیه‌های خود، خواستار تغییر رویکرد اساسی، مذاکره جامع با آمریکا و بازگشت به توافقاتی شده است که عملاً استقلال و توانمندی ایران را زیر سؤال می‌برد».

او حتا مدعی شد: «در حالی که جمهوری اسلامی پیروز جنگ اخیر شد و توانست دست برتر را در میدان تثبیت کند، طرح چنین دیدگاه‌هایی در داخل کشور خطری جدی است، چراکه دشمن امروز نیز به دنبال محدودکردن ایران در حوزه موشکی، هسته‌ای و نفوذ منطقه‌ای است و هرگونه عقب‌نشینی در این شرایط، به معنای دادن فرصت به دشمن خواهد بود».

صحبت‌های جوانی بیان‌کننده نگاه عمده‌ی قدرت اصلی در جمهوری اسلامی و جریان اصلی درون سپاه پاسداران است. درباره چشم‌انداز آینده جمهوری اسلامی دیدگاه‌های مختلفی مطرح می‌شود از جمله یکی از رایج‌ترین آنها احتمال «فروپاشی نظام» است. در شرایطی که حکومت حاضر به پذیرش شروط غرب برای توافق نیست و اتفاقاً خود را پیروز جنگ ویرانگر با اسرائیل می‌داند، بدیهی است بحران اقتصادی تشدید می‌شود و احتمال اعتراضات اجتماعی بالا می‌رود، ضمن اینکه به نظر می‌رسد اسرائیل خود را برای دومین کارزار حمله آماده می‌کند و منتظر چراغ سبز آمریکاست.

حمله اسرائیل را بگیرد. دیدگاه مسعود پزشکیان به عنوان رئیس قوه مجریه به روحانی نزدیک‌تر است. او ۱۹ مردادماه گفت: «مذاکره نکنیم؛ می‌خواهی چکار کنی؛ بچنگی؟!»

در شرایطی که حکومت دچار بحران‌های اساسی است و نارضایتی در درون ایران به اوج خود رسیده، بخشی از جریان اصلاح‌طلب رژیم «مذاکره با آمریکا» را راه نجات جمهوری اسلامی می‌دانند.

در همین ارتباط، «جبهه اصلاحات ایران» ۲۶ مرداد ۱۴۰۴ در بیانیه‌ای با اشاره به وضعیت بحرانی نظام، خواستار «تعطیل داوطلبانه غنی‌سازی» و «پذیرش نظارت آژانس انرژی اتمی» و «آغاز مذاکرات جامع و مستقیم با ایالات متحده آمریکا» شد.

در بخشی از این بیانیه هشدار داده شده: «اقتصاد ایران نیز پیش از جنگ زیر فشار ناترازی‌های مزمن و تصمیمات ناپایدار رو به فرسایش بود و امروز، پیامدهای جنگ در کنار تورم افسارگسیخته، رکود تولید، سقوط ارزش پول ملی و فرار سرمایه، خطر فلج اقتصادی را بیش از هر زمان برجسته‌تر کرده است».

مخالفت شدید با مذاکره

این بیانیه از سوی مقام‌های ارشد حکومت، دفتر علی خامنه‌ای، نمایندگان استانی او، فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیاری از نمایندگان مجلس با واکنش شدید روبرو شد. اینها که مخالف مذاکره با آمریکا هستند، در محاسبات خود، جمهوری اسلامی را پیروز جنگ اسرائیل می‌دانند و با استناد به همین باور بر ادامه «مقاومت» تأکید دارند. یکی از آنها سردار پاسدار بدالله جوانی معاون سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که نهم شهریور در دوره دانش‌افزایی و توانمندسازی اساتید بسیجی گفت: «مسیر

حسن روحانی یکشنبه نهم شهریورماه در جمع مشاوران خود گفت: «روابط را با اروپا، همسایگان و شرق و غرب، حتی تنش با آمریکا را اگر می‌توانیم کاهش دهیم، اگر به نفع منافع ماست، چه اشکالی دارد؟ نه تنها اشکال ندارد که بر ما لازم و واجب است!»

روحانی هم‌نظر با پزشکيان می‌گوید برای جلوگیری از جنگ باید وارد مذاکره با غربی‌ها شد.

بدالله جوانی معاون سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهم شهریور در دوره دانش‌افزایی و توانمندسازی اساتید بسیجی گفت: «مسیر پیشرفت ایران جز از طریق مقاومت میسر نیست».

دو ماه پس از اعلام آتش‌بس میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، در شرایطی که سه قدرت اروپایی «مکانیسم ماشه» را فعال کرده‌اند، حسن روحانی رئیس پیشین دولت جمهوری اسلامی، برای چندمین بار در هفته‌های گذشته خواستار کاهش تنش با آمریکا و مذاکره با غرب شد.

روحانی یکشنبه نهم شهریورماه در جمع مشاوران خود گفت: «روابط را با اروپا، همسایگان و شرق و غرب، حتی تنش با آمریکا را اگر می‌توانیم کاهش دهیم، اگر به نفع منافع ماست، چه اشکالی دارد؟ نه تنها اشکال ندارد که بر ما لازم و واجب است!»

او ادامه داد: «باید رابطه‌مان را با دنیا تقویت کنیم. هر کس که آماده مذاکره است، اگر مذاکره را به نفع کشور و منافع ملی و امنیت ملی دیدیم، حرف بزنیم».

حسن روحانی همچنین با اشاره به «جنگ ۱۲ روزه» تأکید کرد: «حساب اسرائیل جداست و اگر آمریکا نخواهد، عملاً چیزی نیست.» درواقع او عنوان کرد که آمریکا می‌تواند جلوی

رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی: ادعاهای وزیر نیرو درباره علت کمبود برق «کذب محض» و «توهین به متخصصان ایرانی» است



● وزیر نیرو با حضور در مجلس شورای اسلامی برای توضیح درباره علت بحران کمبود برق و آب مدعی شد که یکی از اصلی‌ترین دلایل کمبود انرژی، خروج شرکت‌های چینی از بخش انرژی است.

● رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی ایران در گفتگو با وبسایت «دیده‌بان ایران» ادعای وزیر نیرو را در ربط دادن کمبود برق با رفتن کارشناسان چینی «کذب محض و توهین به متخصصان ایرانی صنعت برق» دانست و مهمترین دلیل کاهش برق را مدیریت ناکارآمد دولت عنوان کرد.

● هاشم اورعی آنچه به عنوان «کاهش مصرف برق» مورد ادعای مقامات دولت است را مرتبط با جیره‌بندی می‌داند و تأکید می‌کند کاهش تولید برق سبب شده برق کمتری در اختیار مردم قرار بگیرد.

● محمد رشیدی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: برنامه‌ریزی در وزارت نیرو صحیح نیست و مسئولان به درستی به وظایف خود عمل نکرده‌اند که باعث قطع نامتوازن برق و برنامه‌ریزی غلط و ناعادلانه در ساعت‌های قطع برق و زمان آن در شهرهای مختلف شده و به بی‌اعتمادی عمومی دامن زده است.

● آرش نجفی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران و تحلیلگر بخش انرژی هم معتقد است وزارت نیرو با توجه به بودجه سالانه و درآمدهای زیادی که دارد منابعی برای سرمایه‌گذاری در بخش انرژی داشته اما به علت نبود نقشه راه کارآمد بخش انرژی با بحران‌های فزاینده روبرو شده است.

رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی ایران ادعای وزیر نیرو جمهوری اسلامی در ربط دادن کمبود برق با رفتن کارشناسان چینی را «کذب محض و توهین به متخصصان ایرانی صنعت برق» ارزیابی کرد و گفت که مهمترین دلیل کاهش برق، مدیریت ناکارآمد دولت است.

عباس علی‌آبادی وزیر نیرو جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه ۱۱ شهریورماه ۱۴۰۴ با حضور در مجلس شورای اسلامی برای توضیح درباره علت بحران کمبود برق و آب مدعی شد که یکی از اصلی‌ترین دلایل کمبود انرژی، خروج شرکت‌های چینی از بخش انرژی است.

هاشم اورعی رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی ایران در گفتگو با وبسایت «دیده‌بان ایران» ادعای وزیر نیرو جمهوری اسلامی در ربط دادن کمبود برق با رفتن کارشناسان چینی را «کذب محض و توهین به متخصصان ایرانی صنعت برق» دانست و مهمترین دلیل کاهش برق را مدیریت ناکارآمد دولت عنوان کرد.

وی توضیح داد: «این صحبت که آقای علی‌آبادی یکی از دلایل ناترازی انرژی را رفتن کارشناسان چینی از کشورمان مطرح کرده، هم کذب محض است و هم توهینی است به زحمتکشان و متخصصان صنعت برق کشور، زیرا صنعت برق ایران در مقایسه با عمده صنایع دیگر، از نظر نیروی انسانی و فناوری بومی در سطح بسیار بالایی قرار دارد، بطوری که نه تنها ایران نیازمند کارشناسان چینی نیست، بلکه فعالان صنعت برق ما در بسیاری از کشورهای جهان از جمله در عراق، سوریه، لبنان، روسیه و آمریکای لاتین در

شبکه برق نیز افزایش می‌یابد.»

به گفته هاشم اورعی، دلیل سوم نیز فرسودگی شبکه برق کشور و عدم سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی است. دلیل چهارم هم بی‌توجهی به استفاده از ظرفیت‌های مورد نیاز برای افزایش تولید شامل به‌موقع انجام ندادن تعمیرات و ناچیز بودن سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در تولید برق کشور است.

او افزود: «دلیل پنجم کاهش تولید برق کشور در سال جاری که از همه مهمتر است، ناکارآمدی مدیریتی است، چراکه سیستم تولید و توزیع برق ما یک سیستم دولتی است و این سیستم دولتی نمی‌تواند با راندمان بالا فعالیت داشته باشد.»

عباس علی‌آبادی وزیر نیرو در مجلس شورای اسلامی در توجیه کمبود برق گفت: «اخیرا خارجی‌ها به دلایلی که همه‌تان می‌دانید کشور ما را ترک کرده‌اند؛ حتی چینی‌ها هم از اینجا رفته‌اند.»

وی همچنین بحران اصلی را به عملکرد دولت ابراهیم رئیسی مرتبط دانست که در آن دولت، خودش وزیر صنعت، معدن و تجارت بود: «من وزیر صمت [دولت رئیسی] بودم؛ به شما عرض می‌کنم که وقتی دولت جدید را تحویل گرفتیم صنایع خاموش بودند. اقدامی را که دشمن در خطوط گاز انجام داد، هیچ‌جا اعلام نکردم. جلسه علنی است و مایل نیستم اطلاعاتی که نباید داده شود، داده شود. به هر صورت آنچه ما تحویل گرفتیم مخازن خالی بود اما امسال همکاران من در وزارت نفت مخازن را به وضعیت خوبی رسانده‌اند.»

ادعاهای وزیر نیرو با واکنش برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز روبرو شد. از جمله محمد رشیدی عضو کمیسیون انرژی مجلس در نشست روز سه‌شنبه گفت: «سال گذشته پیک مصرف ۸۰ هزار مگاوات بود و امسال ۷۷ هزار مگاوات بوده است، اما چگونه است که با وجود این که پیک مصرف ۳ هزار مگاوات

حوزه نیروگاه‌ها مشغول فعالیت بوده یا هستند.»

او افزود: «کارشناسان چینی حتی در زمینه برق خورشیدی هم برتری خاصی نسبت به ما ندارند، فقط مشغول اجرای یک پروژه انرژی بادی در ایران بودند که اخیرا آن را ترک کرده‌اند و به نظر می‌رسد وزیر نیرو این پروژه را مستمسک قرار داده و در شرایطی که ظرفیت تولید برق با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران کمتر از یک درصد کل ظرفیت تولید برق در کشور است، این اتفاق را پنهان کرده و می‌گوید که ناترازی برق به دلیل رفتن کارشناسان چینی است. این صحبت به هیچ عنوان صحت ندارد و فقط نشانه عدم صداقت آقای علی‌آبادی است.»

هاشم اورعی آنچه را به عنوان «کاهش مصرف برق» از سوی مقامات دولت ادعا می‌شود، مرتبط با جیره‌بندی می‌داند و تأکید می‌کند کاهش تولید برق سبب شده برق کمتری در اختیار مردم قرار بگیرد: «وقتی مصرف برق در شرایط پیک ۳ درصد کمتر شده، این یعنی مقدار تولید هم در این شرایط ۳ درصد کاهش یافته است. بنابراین نباید کاهش ۳ درصدی مصرف را به عنوان یک دستاورد تلقی کرد، زیرا در حقیقت، این صنعت برق کشور است که میزان تولید آن ۳ درصد کاهش یافته و به همین میزان برق کمتری در اختیار مردم گذاشته است که مصرف کنند.»

رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی ایران گفته مهمترین دلیل کاهش تولید برق در سال جاری، ناکارآمدی مدیریتی است، چرا که سیستم تولید و توزیع برق ما یک سیستم دولتی است و این سیستم دولتی نمی‌تواند با راندمان بالا فعالیت داشته باشد.

او توضیح داد: «یکی از دلایل کمتر شدن تولید برق در سال جاری، کاهش قابل توجه میزان تولید برق توسط نیروگاه‌های برق‌آبی به دلیل پایین بودن سطح آب پشت سدها است؛ به نحوی که امسال تقریباً تمام نیروگاه‌های برق‌آبی کشور از مدار خارج شده‌اند. دلیل دوم نیز افزایش گرما است، بطوری که هرچه گرمای هوا بیشتر شود، تلفات

جلب حمایت با حراج منابع ملی!



کمتر شده، ولی شدت قطعی برق بیشتر شده است. معلوم است برنامه ریزی در وزارتخانه صحیح نیست و مسئولان به درستی به وظایف خود عمل نکرده اند که باعث قطعی نامتوازن برق و برنامه ریزی غلط و ناعادلانه در ساعت های قطعی و زمان آن در شهرهای مختلف شده و به بی اعتمادی عمومی دامن زده است.»

او خطاب به وزیر نیرو گفت: «معاونان شما بجای این که به نمایندگان که پیگیر مطالبات بحق مردم هستند، فشار بیاورند که امضا برای استیضاح شما را پس بگیرند، به دنبال اصلاح سیستم ناترازی باشند.»

آرش نجفی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران و تحلیلگر بخش انرژی هم معتقد است وزارت نیرو با توجه به بودجه سالانه و درآمدهای زیادی که دارد منابعی برای سرمایه گذاری در بخش انرژی داشته اما به علت نبود نقشه راه کارآمد بخش انرژی با بحران های فزاینده روبرو شده است.

آرش نجفی توضیح داده: «وقتی صحبت از زیرساخت های فرسوده حوزه برق می شود، اتفاقا خوب است به مسئله درآمدهای وزارت نیرو هم بپردازیم. در سالهای اخیر و گذشته وزارت نیرو، از محل فروش برق، درآمد بسیار قابل توجهی داشته و این درآمد را هم که به نیروگاه دارها و تولیدکننده های نیرو تقدیم نکرده است. بنابراین، انتظار می رود هم اکنون، وزارت نیرو، انباشت سرمایه قابل توجهی داشته باشد. در شرایطی که حدس زده می شود چنین سرمایه ای در بدنه وزارت نیرو وجود دارد پس طبیعتا، این خواست به وجود می آید که حتما زیرساخت ها و شبکه توزیع برق را بازسازی و نوسازی کنند و عملا بهانه ای برای کمبود بودجه نداشته باشند.»

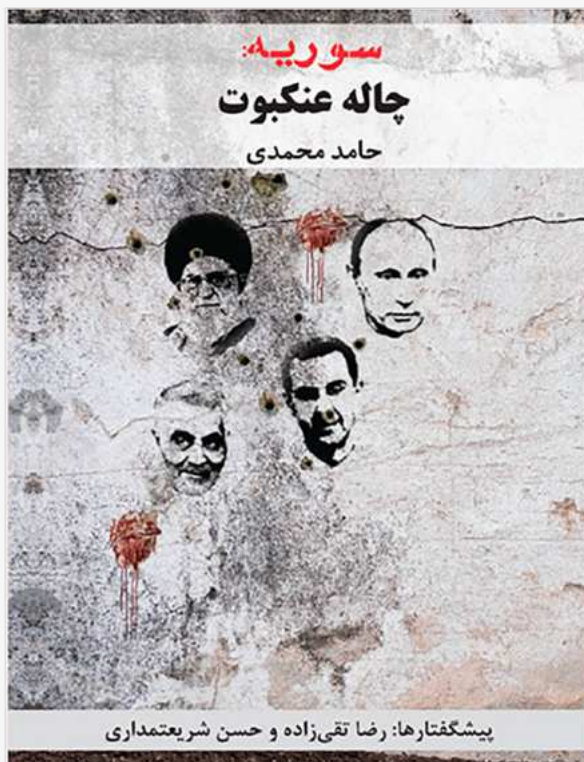
او افزود: «وزاری فعلی، عمدتا گذشته را بهانه می کنند که بابت مشکلات فعلی پاسخی ندهند. این روال فرار رو به جلو و اینکه وزاری ما پاسخگو نیستند و نمی توانند مشکلات را حل کنند، نشان می دهد که ما هم مشکل ساختاری داریم و هم نقشه راه وزارت نیرو بازسازی و بازنگری نشده است. افزون بر این ها، وزیری که از صنعت برق شناخت دارد و سالهای سال، مدیر بزرگ ترین هلدینگ انرژی کشور بوده، اگر توانایی نداشته که صورت مسئله انرژی کشور را حل کند، نباید مسئولیت می پذیرفت.»

به گفته کارشناسان انرژی، کمبود برق در ایران از سال ۱۳۹۹ جدی شد. در این سال حداکثر تولید ۵۸ هزار مگاوات و حداکثر تقاضا ۶۴ هزار مگاوات بود و در نتیجه شکاف ۶ هزار مگاواتی را شاهد بودیم. در سال های بعد این شکاف افزایش پیدا کرد و در سال ۱۴۰۳ با حداکثر تولید ۶۵ هزار مگاواتی و تقاضای ۸۵ هزار مگاوات، به ۲۰ هزار مگاوات رسیدیم. برای امسال یعنی سال ۱۴۰۴، پیش بینی افراد صاحب نظر و وزیر نیرو، بر کسری ۲۵ هزار مگاواتی است.

بر اساس محاسبات انجام شده از سوی کارشناسان با سرمایه گذاری ۳۰ میلیارد دلاری و پس از یک سال، بخش قابل توجهی از کمبود برق در کشور جبران خواهد شد. این در حالیست که تشدید تحریم ها، به ویژه با فعال شدن مکانیزم ماشه، و کاهش منابع درآمدی دولت سبب کسری بودجه شدیدی خواهد شد بطوری که دولت حتی برای تأمین هزینه های جاری نیز منابع کافی در اختیار ندارد و در این شرایط نخواهد توانست سرمایه گذاری مورد نیاز برای حل بحران کمبود برق را انجام دهد.

این روند به معنای ادامه جیره بندی برق در بخش خانگی، صنعتی و کشاورزی و تحمیل فشار بی کفایتی حکومت بر دوش شهروندان و فعالان بخش خصوصی اقتصاد است!

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیما از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی زاده و حسن شریعتمداری

«کاهش افزایش» قیمت ارز در بازار ایران موقتی است؛ بسترهای لازم برای تقویت پول ملی وجود ندارد

فعال شوند.»
برزو حق شناس همچنین گفته اگر در یکی دو روز اخیر شاهد کاهش نسبی قیمت دلار و طلا هستیم، این به معنای افزایش فروش نیست، بلکه به این دلیل است که تقاضا اندکی کاهش یافته، آن هم به واسطه نکاتی که عرض کردم. مکانیسم فعال شده و تأثیر خود را گذاشته؛ تقاضایی که ناشی از آن وضعیت بود، فعلاً به پایان رسیده. اما اگر جامعه به این باور نرسد که مسائل سیاسی در مسیر حل شدن قرار دارند، و اگر در شورای امنیت سازوکاری فعال نشود که نشانه‌ای از بهبود شرایط باشد، آنگاه این تقاضا دوباره اوج خواهد گرفت.»

جدا از اثرپذیری شدید اقتصاد ایران از جمله بازار ارز از اخبار و تحولات سیاسی، بازار ارز در ایران تحت دخالت مستقیم بانک مرکزی قرار دارد و بانک مرکزی بطور مداوم با دستکاری عرضه و تقاضا می‌تواند قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

در همین رابطه مرتضی عزتی اقتصاددان پیشتر تأکید کرده بود «هر زمان که دولت و بانک

اقتصادی گفته: «افزایش کنونی نرخ ارز بیش از هر چیز ناشی از شوک روانی مکانیسم ماشه است و به همین دلیل می‌توان آن را موقتی دانست. در چنین وضعیتی، دخالت فعال دولت می‌تواند به عنوان یک ضربه‌گیر کوتاه‌مدت عمل کرده و از تشدید التهاب بازار جلوگیری کند.»

وی توضیح داده که «تزریق هدفمند ارز و ارائه پیام‌های شفاف به فعالان اقتصادی، مانع از تبدیل نگرانی‌های سیاسی به جهش شدید قیمتی می‌شود. این سیاست به‌ویژه زمانی اهمیت دارد که بازار بیش از آن‌که تحت تأثیر واقعیت‌های اقتصادی باشد، درگیر شوک‌های روانی و اخبار سیاسی است.»

این تحلیلگر اقتصادی اما تأکید کرده با این حال، ثبات پایدار در بازار ارز زمانی محقق خواهد شد که در کنار این سیاست‌های مقطعی، اصلاحات بنیادین در حوزه‌های پولی، مالی و تجاری نیز در دستور کار قرار گیرد.

برزو حق شناس، کارشناس بازارهای مالی، نیز در گفتگو با «اعتماد آنلاین» گفته افزایش اخیر قیمت دلار و طلا، عمدتاً

● قیمت‌ها در بازار ارز از دو روز پیش با شبی ملایم روندی کاهشی یافته و قیمت هر دلار آمریکا تا ۱۰۲ هزار و ۶۵۰ تومان در بامداد روز پنجشنبه ۱۳ شهریورماه کاهش یافته که درواقع «کاهش افزایش» است!

● کارشناسان اما معتقدند «کاهش افزایش» این روزهای قیمت‌ها در بازار ارز ایران موقتی است و بسترهای لازم برای تقویت پول ملی وجود ندارد.

● فاطمه عبدالشاه کارشناس اقتصادی: ثبات پایدار در بازار ارز زمانی تحقق خواهد یافت که در کنار این سیاست‌های مقطعی، اصلاحات بنیادین در حوزه‌های پولی، مالی و تجاری نیز در دستور کار قرار گیرد.

● برزو حق شناس کارشناس اقتصادی: اگر تفکر غالب همچنان بر تشدید تنش‌ها استوار باشد و مردم احساس نکنند که به سمت بهبود اوضاع حرکت می‌کنیم، در آن صورت تقاضا برای ارز دوباره افزایش خواهد یافت.

● سناریوهای بدبینانه رسیدن به سقف تا ۱۶۵ هزار تومان برای قیمت دلار را در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه و ناتوانی جمهوری اسلامی در مواجهه با تحریم‌ها پیش‌بینی می‌کنند.

قیمت دلار در بازار ایران طی روزهای گذشته با سرعت ملایمی با کاهش جزئی روبرو شده است. کارشناسان معتقدند اگرچه دولت تلاش دارد جو روانی ناشی از فعال شدن مکانیسم ماشه را مدیریت کند تا قیمت‌ها در بازار ارز کاهش پیدا کند اما این کاهش موقتی است و بسترهای اقتصادی برای کاهش قیمت ارز و تقویت ارزش پول ملی فعلاً وجود ندارد.

قیمت دلار طی روزهای گذشته تا مرز ۱۰۶ هزار و ۸۰۰ تومان نیز افزایش یافت. قیمت دیگر ارزهای رایج در بازار ارز ایران نیز با افزایش چشمگیری روبرو شد. اما این قیمت‌ها از دو روز پیش با شبی ملایم روندی کاهشی یافته و قیمت هر دلار آمریکا تا ۱۰۲ هزار و ۶۵۰ تومان در بامداد روز پنجشنبه ۱۳ شهریورماه کاهش یافته که درواقع «کاهش افزایش» است!

کارشناسان معتقدند این «کاهش افزایش» قیمت موقتی است و بسترهای لازم برای تقویت پول ملی وجود ندارد. فاطمه عبدالشاه کارشناس و تحلیلگر



مرکزی اراده کنند، می‌توانند با ابزارهای نظارتی و مدیریت فعال بازار، جلوی رشد بی‌منطق قیمت‌ها را بگیرند.»

در برخی دوره‌ها نیز افزایش قیمت ارز راهکاری برای جبران کسری بودجه دولت‌ها بوده است. با افزایش قیمت ارز دولت نیز منابع ارزی خود را با قیمت بالاتری به بانک مرکزی می‌فروشد و ریال بیشتری دریافت می‌کند.

کارشناسان اقتصادی سناریوهای مختلفی را قیمت ارز در ماه‌های آینده پیش‌بینی می‌کنند. در سناریوهای خوش‌بینانه مختلفی که طی روزهای گذشته مطرح شده، پیش‌بینی شده با گشایش در مذاکرات و فعال نشدن مکانیسم ماشه قیمت دلار تا کانال ۸۰ هزار تومان کاهش پیدا کند.

سناریوهای بدبینانه اما رسیدن به سقف تا ۱۶۵ هزار تومان برای قیمت دلار را در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه و ناتوانی جمهوری اسلامی در مواجهه با تحریم‌ها پیش‌بینی می‌کنند.

ناشی از افزایش ریسک‌های سیاسی بوده است. این کارشناس معتقد است آنچه امروز در بازار ارز می‌بینیم، نتیجه فعال شدن روند مکانیسم ماشه است. به نوعی می‌توان گفت این مکانیسم با بازگشت تحریم‌ها کلید خورده و این مسئله پیش‌خور شده و بر قیمت‌ها تأثیر گذاشته است. اگر فضای تنش موجود به نحوی مدیریت شود و اقتصاد کشور احساس کند که روند به سمت حل و فصل مسائل سیاسی پیش می‌رود، طبیعتاً قیمت‌ها کاهش خواهند یافت.

او پیش‌بینی کرده «در چنین صورتی حتی ممکن است قیمت دلار به کمتر از ۱۰۰ هزار تومان نیز برسد» و افزوده «اما اگر این حس در جامعه ایجاد نشود، یعنی اگر تفکر غالب همچنان بر تشدید تنش‌ها استوار باشد و مردم احساس نکنند که به سمت بهبود اوضاع حرکت می‌کنیم، در آن صورت تقاضا برای ارز دوباره افزایش خواهد یافت و سرمایه‌ها به سمت بازار ارز سرازیر می‌شوند، نه برای تأمین نیازهای واقعی، بلکه از بیم آن‌که تنش‌ها افزایش یافته و حتی قطعنامه‌ها دوباره

شکایت ایمان خلیف به دادگاه در پی منع او از مسابقات بوکس زنان

● قهرمان المپیک الجزایر علیه قانون جدید فدراسیون جهانی بوکس به دادگاه داوری ورزش شکایت کرد.
● خلیف مسیر همواری برای ورزش حرفه‌ای نداشت، زیرا او ابتدا به دلیل عشقی که به فوتبال داشت کار خود را در «مستطیل سبز» آغاز کرد و سپس با توصیه یک مربی به دنیای بوکس روی آورد. خلیف برای تأمین هزینه‌های خانواده و جلسات آموزشی و تمرینی چاره‌ای جز فروش نان و مواد قابل بازیافت پلاستیکی و آهنی در خیابان‌ها نداشت.

ایمان خلیف قهرمان المپیک الجزایر به دنبال منع شدن از حضور در مسابقات مشت‌زنی زنان جهان علیه فدراسیون بین‌المللی بوکس که او را مجبور به آزمایش تعیین جنسیت می‌کند به دادگاه شکایت کرده است.

خلیف که مدال طلای وزن ۶۶ کیلوگرم را در المپیک پاریس ۲۰۲۴ از آن خود کرد، روز پنجم اوت شکایت خود را ثبت و حتی درخواست کرد تا قبل از رای نهایی بتواند بطور موقت در مسابقات شرکت کند، اما دادگاه این درخواست را رد نمود. زمان رسیدگی به پرونده اصلی هنوز مشخص نیست. در کنار این ماجرا، شایعاتی هم درباره خداحافظی او از بوکس منتشر شد. مدیر برنامه‌های سابق وی در مصاحبه‌ای گفت خلیف «از دنیای بوکس کنار رفته»؛ اما بعد توضیح داد که منظورش فقط جدایی او از باشگاه نیس بوده است. ایمان خلیف در فیسبوک واکنش نشان داد و این حرف‌ها را «دروغ و مغرضانه» خواند و تأکید کرد: «هرگز اعلام بازنشستگی نکرده‌ام. همچنان تمرین می‌کنم، بین الجزایر و قطر در رفت و آمد هستم و برای مسابقات آینده آماده می‌شوم.» مشکل از آنجا شروع شد که قرار بود این ورزشکار در ژوئن گذشته در یک تورنمنت در هلند حاضر شود، اما فدراسیون جهانی بوکس با قانون جدید خود، مانع او شد. طبق این قانون، همه بوکسورهای زن باید تست تعیین جنسیت بدهند تا عدالت مسابقات حفظ شود. فدراسیون حتی اعلام کرد تا زمانی که خلیف این تست را انجام ندهد اجازه شرکت در بخش زنان را نخواهد داشت.

ماجرا زمانی داغتر شد که یک گزارش پزشکی از سال ۲۰۲۳ فاش شد؛ گزارشی که در آن آمده بود خلیف «از نظر بیولوژیکی مرد» است. همین موضوع باعث شد او از رقابت‌های جهانی کنار گذاشته شود. رئیس فدراسیون بعداً بابت افشای نام او عذرخواهی کرد و گفت باید حریم

خصوصی‌اش حفظ می‌شد.

جالب اینکه در همان سال، مشت زن تایوانی لین یو تینگ هم با مشکل مشابهی روبرو شده بود. با این حال، هر دو در المپیک پاریس ۲۰۲۴ با تصمیم کمیته بین‌المللی المپیک اجازه رقابت پیدا کردند و حتی مدال طلا هم گرفتند؛ اتفاقی که سر و صدای زیادی در دنیای ورزش بپا کرد.

ایمان خلیف که ۲۶ سال دارد، بارها تأکید کرده که «زن به دنیا آمده» و سال‌ها در رقابت‌های زنان حاضر بوده است. او هم‌اکنون خود را برای هدف بزرگ بعدی‌اش یعنی دفاع از طلای المپیک در لس‌آنجلس ۲۰۲۸ آماده می‌کند.

این بوکسور الجزایری پس از سال‌ها نان فروشی در دوران کودکی و دست و پنجه نرم کردن با مشکلات و هزینه‌های ورزش حرفه‌ای، نشان طلای بوکس المپیک پاریس را به گردن آویخت.

او مسیر همواری برای ورزش حرفه‌ای نداشته، زیرا ابتدا به دلیل عشقی که به فوتبال داشت فعالیت ورزشی خود را در زمین سبز فوتبال آغاز کرد و سپس با توصیه یک مربی به دنیای بوکس روی آورد. خلیف برای تأمین هزینه‌های خانواده و جلسات آموزشی و تمرینی چاره‌ای جز فروش نان

نیز این شایعات را تکذیب کرد.

ایمان در مصاحبه‌ای با روزنامه بریتانیایی «سان» گفت که ورزش را از کودکی آغاز کرده و در اوایل فوتبال‌بست بوده، زیرا پدرش عاشق این ورزش است. اما توضیح داد که یک مربی در مدرسه به او به دلیل ساختار قوی بدنی‌اش توصیه کرده بوکس حرفه‌ای را آغاز کند.

دارنده مدال طلا الجزایری که پیش از این از دشواری‌های زمان کودکی خود گفته بود، اعتراف کرد که در محله‌ای فقیر بزرگ شده و برای ورزش کردن می‌بایست ۱۵ کیلومتر راه می‌رفته و در سنین کم برای تأمین هزینه‌های خود و خانواده‌اش، مجبور به فروش نان و مواد قابل بازیافت پلاستیکی و آهنی بوده است.

او با غلبه بر این چالش‌ها و با وجود جنجال‌های پیرامون جنسیت او، نشان طلای مسابقات بوکس زنان در المپیک پاریس ۲۰۲۴ را با شکست بوکسور چینی به دست آورد.

عموی ایمان در واکنش به این شایعات گفته بود: «ایمان یک زن کاملاً معمولی است. او در کنار دختران دیگر بزرگ شده، درس خوانده و بازی کرده است. اگر به وی لقب دیگری داده‌اند فقط به خاطر قدرت مشت‌هایش در رینگ



بوکس است، آیا انتظار دارند در رینگ به حریفان خود گل هدیه کند؟»

محمد یادآور شد که حذف ایمان از مسابقات جهانی بوکس در سال گذشته همه را شوکه کرد. او گفت که خانواده خلیف احساس ظلم و بی‌عدالتی کرده‌اند، زیرا ایمان در آن زمان نمی‌توانست از خود دفاع کند.

او همچنین به موانع خانوادگی و اجتماعی در مسیر ورزش حرفه‌ای این بوکسور الجزایری اشاره کرده و گفته: «مشت‌زنی در روستای ما برای زنان غیرمعمول است و من بارها با پدر ایمان درباره ورزش کردن او اختلاف نظر داشتم. ما در جامعه‌ای محافظه‌کار زندگی می‌کنیم، اما من همیشه به پدرش می‌گفتم که بگذارید او ورزشی را که دوست دارد انجام دهد.»

محمد درباره لحظات پر از استرس و امید خانواده و ساکنان محله در طول مرحله یک چهارم نهایی المپیک پاریس گفته بود: «ما همراه با او خوشحال شدیم و مردم الجزایر نیز همراه با او شادی کردند. ما پس از مسابقه نیز با او گریستیم.»

و مواد قابل بازیافت پلاستیکی و آهنی در خیابان‌ها نداشت. ایمان در محله‌ای فقیر بزرگ شده و پیشتر از دشواری‌های دوران کودکی خود گفته بود. به گفته عموی این ورزشکار، او در کودکی گرسنگی و تشنگی را تحمل می‌کرد و امیدوارانه، ورزش‌های مختلف از جمله فوتبال و بوکس را پی می‌گرفت. مشکلات و دشواری‌های خلیف پس از اینکه سال گذشته به دلیل محرومیت از حضور در دیدار پایانی مسابقات بوکس قهرمانی جهان آغاز شد؛ زیرا از آن زمان دیگر نتوانست در مسابقات زنان شرکت کند.

به دنبال پیروزی ایمان خلیف مقابل آنجلا کارینی بوکسور ایتالیایی در بازی‌های المپیک ۲۰۲۴، شایعاتی درباره جنسیت این مشت‌زن سرشناس در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و از سوی بسیاری خبرگزاری‌ها و رقیب ایتالیایی‌اش مورد حمله قرار گرفت؛ هرچند که بوکسور ایتالیایی پس از آن از او عذرخواهی کرد.

برخی مدعی شدند ایمان خلیف مرد است و نباید در بخش زنان این مسابقات شرکت می‌کرد. آن زمان هیچ مدرکی درباره این ادعا منتشر نشد و کمیته بین‌المللی المپیک

ایران یکبار دیگر کهن‌ترین تمدن جهان شناخته شد

● چندین کشور، از جمله ایران، مصر و ویتنام به خاطر قدمت شگفت‌انگیز و تداوم تاریخی در آخرین به‌روزرسانی سال ۲۰۲۵ باز هم در صدر کهن‌ترین کشورها قرار گرفتند.

چندین کشور، از جمله ایران، مصر و ویتنام به خاطر قدمت شگفت‌انگیز و تداوم تاریخی در آخرین به‌روزرسانی سال ۲۰۲۵ باز هم در صدر کهن‌ترین کشورها قرار گرفتند. این کشورها دارای طولانی‌ترین تاریخ‌های ثبت‌شده‌اند و شاهد ظهور و سقوط امپراتوری‌ها و تحول جوامع بوده‌اند. میراث غنی آنها هویت ملی را به صورتی عمیق شکل داده و بر فرهنگ جهانی، دیپلماسی و تجارت اثرگذار بوده است. وقتی از «قدیمی‌ترین کشورها» سخن می‌گوییم، منظور ملت‌هایی هستند با طولانی‌ترین تاریخ‌های مکتوب، جایی که فرهنگ، سیاست و جامعه در طول سده‌ها و حتی هزاره‌ها تکامل یافته‌اند. این کشورها شاهد ظهور و سقوط امپراتوری‌ها، دگرگونی حکومت‌ها و تحول جوامع بوده‌اند و اثری ماندگار بر جهان مدرن گذاشته‌اند. در سال ۲۰۲۵، چندین کشور به خاطر قدمت چشمگیر و تداوم تاریخی‌شان شاخص هستند. روزنامه تایمز هندوستان به نقل از پایگاه خبری «مرور جمعیت جهان» قدیمی‌ترین کشورها در سال ۲۰۲۵ این رده‌بندی را منتشر کرده است:

- ۱- ایران (۳۲۰۰ پیش از میلاد)
- ۲- مصر (۳۱۰۰ پیش از میلاد)
- ۳- ویتنام (۲۸۷۹ پیش از میلاد)
- ۴- ارمنستان (۲۴۹۲ پیش از میلاد)
- ۵- کره شمالی (۲۳۳۳ پیش از میلاد)
- ۶- چین (۲۰۷۰ پیش از میلاد)
- ۷- هند (۲۰۰۰ پیش از میلاد)
- ۸- گرجستان (۱۳۰۰ پیش از میلاد)
- ۹- اسرائیل (۱۳۰۰ پیش از میلاد)
- ۱۰- سودان (۱۰۷۰ پیش از میلاد)

ایران که در گذشته با نام «پارس» شناخته می‌شد، یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های پیوسته جهان است. میراث فرهنگی غنی آن شامل معماری‌های با شکوه، پیشرفت‌های اولیه در ریاضیات و نجوم و ایجاد یکی از نخستین حکومت‌های دارای دیوانسالاری و ساختار اداری (بوروکراسی) بود. نفوذ ایران از طریق امپراتوری‌هایی چون هخامنشی و ساسانی در سراسر خاورمیانه گسترش یافت و میراثی ماندگار در هنر، زبان و شیوه‌های حکومتی بجا گذاشت.

ایران، سرزمینی با تمدنی چند هزار ساله، یکی از کهن‌ترین مراکز تمدنی جهان است که تاریخ آن به بیش از ۷۰۰۰ سال پیش بازمی‌گردد. از تمدن‌های پیش از آریایی‌ها تا دوران مدرن، ایران شاهد شکوفایی فرهنگی، امپراتوری‌های عظیم، و فراز و نشیب‌های متعدد بوده است.

پیش از ورود آریایی‌ها به فلات ایران، تمدن‌های متعددی در این سرزمین شکوفا شده بودند. این تمدن‌ها، که قدمت برخی از آنها به هزاره‌های چهارم و پنجم قبل از میلاد بازمی‌گردد، پایه‌های فرهنگی و تمدنی ایران را شکل دادند. تمدن ایلام در جنوب غربی ایران (خوزستان کنونی) یکی از برجسته‌ترین این تمدن‌ها بود که از حدود ۳۲۰۰ تا ۶۴۰ پیش از میلاد فعالیت داشت. ایلامی‌ها با ایجاد سیستم‌های حکومتی متمرکز و خط میخی، تأثیر عمیقی بر تمدن‌های همسایه مانند بین‌النهرین گذاشتند. علاوه بر ایلام، تمدن‌های دیگری مانند شهر سوخته



جنگ‌های پارسیان با یونانیان، و ساخت تخت جمشید است.

اشکانیان (۲۲۶-۲۵۰ پیش از میلاد)

پس از سقوط هخامنشیان به دست اسکندر مقدونی، اشکانیان با رهبری اشک اول، حکومتی جدید تأسیس کردند. این سلسله، که به دلیل مهارت در جنگ‌های چریکی و تیراندازی سواره شهرت داشت، در نبرد حران (۵۳ پیش از میلاد) به رهبری سورنا، رومیان را شکست داد. اشکانیان با حفظ فرهنگ ایرانی و تلفیق آن با عناصر یونانی، نقش مهمی در حفظ هویت ایرانی داشتند.

ساسانیان (۶۵۱-۲۲۶ میلادی)

ساسانیان آخرین امپراتوری ایران پیش از اسلام، توسط اردشیر بابکان تأسیس شد. این دوره شاهد اوج شکوفایی فرهنگ، هنر، و علم ایرانی بود. شاپور اول با پیروزی بر رومیان و اسارت امپراتور والرین، قدرت ایران را به رخ جهان کشید. ساسانیان با ایجاد نظام طبقاتی، تقویت زرتشتی‌گری، و توسعه تجارت و شهرنشینی، تأثیر عمیقی بر تمدن‌های اطراف گذاشتند. آثار معماری مانند طاق کسری و دستاوردهای علمی مانند تأسیس دانشگاه جندی‌شاپور از برجستگی‌های این دوره هستند.

حملات به ایران و ورود اسلام

با حمله اعراب در سال ۶۵۱ میلادی، امپراتوری ساسانی سقوط کرد و ایران وارد دوره جدیدی شد. این حمله، که با نبردهای قادسیه و نهاوند همراه بود، به دلیل ضعف داخلی ساسانیان و خستگی از جنگ‌های طولانی با روم، موفقیت‌آمیز بود. ورود اسلام به ایران، ابتدا با مقاومت‌هایی همراه بود، اما به تدریج ایرانیان اسلام را پذیرفتند و با تلفیق فرهنگ ایرانی و اسلامی، دوره جدیدی را رقم زدند.

عصر اسلامی (قرن هشتم تا سیزدهم میلادی)

دوره پس از اسلام، به ویژه از قرن هشتم تا سیزدهم

در سیستان (با قدمت حدود ۳۲۰۰ پیش از میلاد)، تمدن جیرفت در کرمان، و تپه سیلک در کاشان نیز وجود داشتند. شهر سوخته به دلیل نظام شهری پیشرفته، سیستم فاضلاب، و آثار هنری مانند اولین انیمیشن جهان (تصویر بز بر ظرف سفالی) شهرت دارد. تمدن جیرفت نیز با کشفیات باستان‌شناسی اخیر، نشان‌دهنده فرهنگ غنی و تجارت گسترده در جنوب شرقی ایران است. این تمدن‌ها نشان می‌دهند که ایران پیش از ورود آریایی‌ها، دارای ساختارهای اجتماعی و اقتصادی پیچیده‌ای بوده است. ورود آریایی‌ها به فلات ایران در حدود ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ پیش از میلاد، نقطه عطفی در تاریخ ایران بود. این اقوام هندوایرانی، که از استپ‌های اوراسیا مهاجرت کردند، در مناطق مختلف فلات ایران ساکن شدند و تمدن‌های جدیدی را پایه‌گذاری کردند. مادها و پارسی‌ها، دو قوم برجسته آریایی، نقش کلیدی در تشکیل اولین دولت‌های متمرکز ایران را داشتند.

مادها، که در غرب پارس (مناطق کنونی کردستان، همدان، و آذربایجان) ساکن بودند، اولین دولت متمرکز ایران را در قرن هشتم پیش از میلاد تأسیس کردند. دیاکو بنیانگذار این دولت، هگمتانه (همدان امروزی) را به عنوان پایتخت برگزید. هخامنشیان سومین پادشاه ماد با اتحاد با بابلی‌ها در سال ۶۱۲ پیش از میلاد، امپراتوری آشور را سرنگون کرد و به سلطه آشوری‌ها بر این کشور پایان داد. این پیروزی، مادها را به قدرتی منطقه‌ای تبدیل کرد.

امپراتوری هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ پیش از میلاد)

کوروش بزرگ در سال ۵۵۰ پیش از میلاد، امپراتوری هخامنشی را تأسیس کرد. این امپراتوری، که به عنوان یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های تاریخ شناخته می‌شود، از هند تا مصر و آسیای صغیر گسترش یافت. کوروش با سیاست سازش و احترام به فرهنگ‌های مختلف، امپراتوری‌ای چند فرهنگی ایجاد کرد. داریوش اول با سازماندهی سیستم ساتراپی، جاده شاهی، و ایجاد واحد پول (داریک)، ساختار اداری هخامنشیان را تقویت نمود. اتفاقات کلیدی این دوره شامل فتح بابل،

خسرو علی‌کردی وکیل زندانیان سیاسی از تحصیل در مقطع دکترا محروم شد



خسرو علی‌کردی

انتشار اخبار دادرسی موکلینم؛ فاطمه سپهری و خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده و دیگر زندانیان سیاسی، به دو سال ممنوعیت از شغل وکالت محکوم شدم.

این وکیل دادگستری اواسط بهمن‌ماه ۱۴۰۲ برای پرونده دیگری به دادرسی عمومی و انقلاب مشهد احضار و سپس بازداشت شد. او برای گذراندن دوران محکومیت به زندان وکیل آباد مشهد منتقل شد و بعد از مدتی با رأی باز از زندان آزاد شد. او همزمان در بهمن‌ماه ۱۴۰۲ خبر داده

● **خسرو علی‌کردی وکیل پایه یک دادگستری اعلام کرده پس از ۵ سال تحصیل در دکترای حقوق عمومی و در آستانه آزمون جامع از ادامه تحصیل محروم شده است.**

● **این وکیل دادگستری افزوده «در سال ۸۹ نیز علیرغم قبولی در مقطع ارشد حقوق عمومی دانشگاه علامه، ستاره‌دار شدم و به دلایل سیاسی از تحصیل بازماندم.»**

خسرو علی‌کردی وکیل پایه یک دادگستری که وکالت شماری از زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادرخواه را بر عهده داشته از تحصیل در مقطع دکترای حقوق دانشگاه تهران محروم شد.

خسرو علی‌کردی وکیل پایه یک دادگستری در شبکه «ایکس» نوشته «امروز با مراجعه به سایت دانشگاه تهران فهمیدم، پس از ۵ سال تحصیل در دکترای حقوق عمومی و در آستانه آزمون جامع، به دلیل یک سالی که در زندان بودم از ادامه تحصیل محروم شده‌ام.»

این وکیل دادگستری افزوده: «در سال ۸۹ نیز علیرغم قبولی در مقطع ارشد حقوق عمومی دانشگاه علامه، ستاره‌دار شدم و به دلایل سیاسی از تحصیل بازماندم.»

خسرو علی‌کردی از وکلای پایه یک ساکن مشهد است که طی سال‌های گذشته وکالت شماری از فعالان سیاسی از جمله فاطمه سپهری و محمدحسین سپهری را بر عهده داشته است. او همچنین وکیل خانواده‌های دادرخواه از جمله ابوالفضل آدینه‌زاده و عرفان رضایی نوایی از جانب‌اختگان در اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ بوده است.

خسرو علی‌کردی به علت پذیرش وکالت فعالان سیاسی و خانواده‌های دادرخواه با فشارهای شدید امنیتی و قضایی روبرو بوده است. او شامگاه سه‌شنبه ۲۴ دی‌ماه ۱۴۰۲ خبر محکومیت خود را در شبکه «ایکس» اعلام کرد و همراه با بی‌تی از حافظ نوشت: «ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم، با پادشاه بگوی که روزی مقدر است.»

این وکیل دادگستری در ادامه نوشته: «طبق رأی شعبه ۴ دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری خراسان، به جرم!

➔ میلادی، به‌عنوان «عصر اسلامی» شناخته می‌شود. ایرانیان نقش کلیدی در شکوفایی تمدن اسلامی داشتند. شهرهایی مانند بغداد، نیشابور، و ری به مراکز علمی، فرهنگی، و تجاری تبدیل شدند. دانشمندانی مانند ابن‌سینا، خوارزمی، و بیرونی در این دوره ظهور کردند و دستاوردهای آنها در ریاضیات، پزشکی، و نجوم جهان را متحول کرد.

سلسله‌های طاهریان، صفاریان، و سامانیان از جمله اولین سلسله‌های ایرانی پس از اسلام بودند که هویت ایرانی را حفظ کردند. سامانیان با احیای زبان پارسی و حمایت از شاعرانی مانند رودکی، نقش مهمی در رنسانس فرهنگی ایران داشتند. در قرن سیزدهم، حمله مغول‌ها به رهبری چنگیزخان به تخریب گسترده شهرها و کشتار مردم منجر شد. این دوره، یکی از تاریک‌ترین مقاطع تاریخ ایران بود که تأثیرات منفی آن تا قرن‌ها باقی ماند.

افول ایران و دوره‌های میانی

پس از حمله مغول‌ها، ایران وارد دوره‌ای از افول سیاسی و اقتصادی شد. با این حال، سلسله‌هایی مانند ایلخانان و تیموریان تلاش کردند تا ثبات را بازگردانند. تیموریان با حمایت از هنر و معماری، به ویژه در شهرهایی مانند سمرقند و هرات، به احیای فرهنگ ایرانی کمک کردند.

صفویان (۱۵۰۱-۱۷۳۶ میلادی)

دوره صفویه به ویژه در زمان شاه عباس کبیر، نقطه عطف دیگری در تاریخ ایران بود. انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت، توسعه تجارت، و ساخت بناهایی مانند میدان نقش جهان، ایران را به یکی از مراکز بزرگ تمدن جهان تبدیل کرد. در این زمان، صفویان مذهب شیعه را رسمی اعلام کردند.

افشاریان و زندیان

نادرشاه افشار با شکست افغان‌ها و پس گرفتن سرزمین‌های از دست‌رفته، ایران را بار دیگر متحد کرد. زندیان نیز با انتخاب شیراز به عنوان پایتخت، به توسعه فرهنگی و اقتصادی کمک کردند. با این حال، این دوره‌ها با درگیری‌های داخلی و خارجی همراه بود.

دوره قاجار (۱۷۹۶-۱۹۲۵)

این دوره با ضعف سیاسی و از دست دادن بخش‌هایی از ایران (مانند قفقاز) همراه بود. پهلوی‌ها با ایجاد ایرانی نوین، از جمله تأسیس راه‌آهن و دانشگاه‌ها، تلاش کردند تا کشور را به سمت پیشرفت هدایت کنند.

قدمت تمدن ایران

بر اساس شواهد باستان‌شناسی، قدمت تمدن در ایران به حدود ۷۰۰۰ سال پیش (تمدن شهر سوخته و ایلام) بازمی‌گردد. تاریخ سیاسی ایران از زمان مادها (۷۰۸ پیش از میلاد) آغاز می‌شود، که حدود ۲۷۳۰ سال قدمت دارد. این تاریخ غنی، ایران را به یکی از کهن‌ترین تمدن‌های جهان تبدیل کرده است.

تاریخ ایران، با قدمتی بیش از ۷۰۰۰ سال، داستانی از تمدن‌های درخشان، امپراتوری‌های عظیم، و فراز و نشیب‌های بی‌شمار است. از تمدن‌های اولیه مانند ایلام و شهر سوخته تا دوران اسلامی و مدرن‌سازی پهلوی، ایران همواره نقشی کلیدی در تاریخ جهان داشته است. این تاریخ غنی، با دستاوردهای فرهنگی، علمی، و سیاسی، هویت ویژه‌ای به ایران بخشیده است. این گزارش، خلاصه‌ای از مسیر تغیر و تحول در ایران و گواهی بر پایداری و شکوه تمدن ایرانی است.



بود که از سه مقام قوه قضاییه به دلیل «تخلفات انتظامی قضات» شکایت کرده است.

این وکیل دادگستری خطاب به رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی نوشته بود: «آقای محسنی اژه‌ای، سه شکایت خسرو علی‌کردی در خصوص تخلفات انتظامی قضات؛ هادی منصوری، حسین ایزدخواه، رؤسای شعب اول و پنجم دادگاه انقلاب مشهد به دلیل «ممانعت از دفاع وکیل انتخابی متهم سیاسی در جلسات دادگاه» و بازپرس محسن گلمحدی تولا به دلیل «غرض‌ورزی نسبت به وکیل» در دادرسی انتظامی قضات ثبت شد.»

موج گرانی و فقر پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی



بر اجرای سیاست تک نرخی کردن ارز اصرار کرده و گفته این اقدام به عنوان برنامه محوری وزارت اقتصاد پیگیری خواهد شد. کارشناسان اقتصادی معتقدند اگرچه تک نرخی شدن سبب شفافیت اقتصادی خواهد شد اما شرایط کنونی اقتصاد آمادگی چنین شوکی را نخواهد داشت.

در حال حاضر دولت برای واردات کالاهای ضروری از جمله دارو و نهادهای دامی از ارز ترجیحی یا ارز با نرخ دولتی استفاده می‌کند. ارز با نرخ دیگری در بازار ارز تجاری برای صادرات و واردات برخی دیگر از کالاها ارائه می‌شود و ارز در بازار آزاد نیز به عنوان گران‌ترین ارز در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد.

تک نرخی کردن ارز به معنای رساندن قیمت ارز ترجیحی و ارز تجاری به قیمت ارز آزاد است که سبب گران‌تر شدن کالاهای وارداتی و تولیدی در کشور است. افزایش قیمت‌ها و موج تازه‌ای از تورم نیز بطور مستقیم سبب بدتر شدن وضعیت معیشتی خانوارهای کم‌درآمدی خواهد شد که امروز نیز برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی با بحران روبرو هستند.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز درباره تک نرخی کردن ارز گفته «اگر منظورشان این باشد که نرخ ارز حمایتی دولت به نرخ بازار آزاد برسد، این موضوع می‌تواند به یک فاجعه تبدیل شود، نه فقط یک مشکل کوچک. چنین تصمیمی باعث توفان افزایش قیمت‌ها خواهد شد و بخش بزرگی از جمعیت کشور را به زیر خط فقر می‌کشد. البته من خیلی بعید می‌دانم چنین اتفاقی بیفتد.»

مرتضی افقه افزوده «می‌دانم وزیر اقتصاد چنین دیدگاهی دارد و من از ابتدا با این تفکر مخالف بودم. اما واقعیت این است که نه وزیر اقتصاد، نه بانک مرکزی و نه هیچ سیاست‌گذار دیگری در شرایط فعلی نمی‌تواند چنین تصمیمی بگیرند. چون خودشان هم می‌دانند چه پیامدهای سنگینی خواهد داشت.»

می‌رود و خانواده‌ها را سمت تهیه و انبار کردن آذوقه سوق می‌دهد. وقتی مردم به سمت فروشگاه‌ها یا سوپرمارکت‌ها هجوم می‌آورند که به افزایش تقاضا و متعاقب آن قیمت‌ها منجر می‌شود. این میان هر چه قدرت خرید کمتر باشد، هم کالای کمتری گیر آن فرد می‌آید و هم فشار تورمی جانکاه‌تر می‌شود، مشابه وضعیتی که طبقه کارگر به آن دچار شد.

در حالیکه فعالان کارگری امیدوار بودند با توجه به افزایش تورم و گرانی کالا، دولت در رقم دستمزد بازنگری و حداقل حقوق کارگران را افزایش دهد اما احمد میدری وزیر کار دولت پزشکیان هفته گذشته به صراحت اعلام کرد که «دولت در سال ۱۴۰۴ برنامه‌ای برای افزایش دوباره حقوق بازنشستگان و کارگران ندارد.»

برآوردها نشان می‌دهد رقم سید معیشت که به معنای هزینه‌های ضروری زندگی یک خانوار سه تا چهار نفره است به ۴۲ میلیون تومان در ماه رسیده است. در آنسو کارگران در صورت دریافت همه مزایای شغلی از جمله حق مسکن و حق اولاد حدود ۱۶/۵ میلیون تومان درآمد خواهند داشت. مقایسه این دو رقم وضعیت تکانه‌دهنده معیشتی میلیون‌ها خانوار کارگری و حداقل‌بگیر را به تصویر می‌کشد که حتی اگر زن و مرد با هم کار کنند، باز هم توان پرداخت هزینه‌های ضروری زندگی را ندارند.

فرامرز توفیقی نیز عملکرد وزارت کار دولت پزشکیان را نامطلوب ارزیابی کرده و گفته «آقای وزیر کار از من بهتر می‌داند که دستمزد فعلی از نظر قانون و عقل زیان بار است و فاصله معناداری با نرخ هزینه‌های خانواده‌ها دارد ولی با این وجود جلوی این مطالبه به حق مزدبگیران ایستاد و موضعی مخالف گرفت. من فکر نمی‌کنم مسیر فعلی وزارت کار تفاوت چندانی با مسیر گذشته آن داشته باشد.» در مجموع، تیم اقتصادی دولت پزشکیان عملکردی ناامیدکننده و با فاصله زیاد از وعده‌های اقتصادی رئیس دولت داشته است.

علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دولت پزشکیان نیز به تازگی

● ارقام ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران درباره تورم در امرداد امسال نشان می‌دهد تورم مواد خوراکی از تورم عمومی اقتصاد بیشتر بوده و تورم ماهانه گروه نان و غلات به رقم ۷/۸ درصد رسیده است.

● فرامرز توفیقی فعال کارگری معتقد است که جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی بر معیشت خانوارهای کارگری و دیگر حداقل‌بگیران اثر منفی داشته است.

● در حالی که فعالان کارگری امیدوار بودند با توجه به افزایش تورم و گرانی کالا، دولت در رقم دستمزد بازنگری و حداقل حقوق کارگران را افزایش دهد اما احمد میدری وزیر کار دولت پزشکیان هفته گذشته به صراحت اعلام کرد که «دولت در سال ۱۴۰۴ برنامه‌ای برای افزایش دوباره حقوق بازنشستگان و کارگران ندارد.»

گزارش تورم امرداد امسال نشان می‌دهد کالاهای پرمصرف در سبد مصرفی خانوارهای کم‌درآمد در صدر فهرست تورم کالاها قرار داشتند. کارشناسان می‌گویند پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی فشار معیشتی بر اقشار کم‌درآمد افزایش پیدا کرده و سیاست‌های اقتصادی دولت نیز می‌تواند موجی از فشار مضاعف بر حقوق‌بگیران را در ماه‌های آینده رقم بزند.

ارقام ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران درباره تورم در امرداد امسال نشان می‌دهد تورم مواد خوراکی از تورم عمومی اقتصاد بیشتر بوده و تورم ماهانه گروه نان و غلات به رقم ۷/۸ درصد رسیده است. این رقم بیانگر اینست که نان به عنوان قوت غالب اقشار کم‌درآمد و تنگدست بیشترین تورم را در میان کالاهای مختلف در امرداد داشته است.

در گروه میوه و خشکبار بیشترین افزایش قیمت نسبت به ماه قبل مربوط به پرتقال با ۱۷/۱ درصد، موز با ۸/۶ درصد و هلو با ۶/۲ درصد بوده است.

در بخش لبنیات، تخم مرغ و انواع روغن نیز بیشترین افزایش قیمت نسبت به ماه قبل مربوط به پنیر ایرانی پاستوریزه با ۵/۱ درصد، دوغ پاستوریزه با ۳/۸ درصد و روغن نباتی جامد و ماست پاستوریزه با ۳/۳ درصد بوده است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد حدود ۹۰ درصد هزینه خانوارهای متوسط و تنگدست صرف تهیه مسکن و خوراک می‌شود و در عمل هزینه‌های بهداشتی، فرهنگی و آموزشی به علت منابع محدود خانوارهای تنگدست از سبد مصرفی آنها حذف شده است. این خانوارها که اقشار کارگری و بازنشسته را نیز شامل می‌شوند حالا ناچار هستند با بار تورم فزاینده مواد خوراکی نیز روبرو شوند.

فرامرز توفیقی فعال کارگری معتقد است که جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی بر معیشت خانوارهای کارگری و دیگر حداقل‌بگیران اثر منفی داشته است. او گفته «هر جا مصیبتی به وجود باید، طبقه کارگر بیش از هر بخش دیگری هزینه آن را می‌دهد و متعاقباً جنگ نیز به عنوان یک مصیبت بزرگ بیش از هر قشر یا طبقه‌ای، به زیان کارگران تمام می‌شود. در این ۱۲ روز جنگ اخیر، نشانه‌هایی گوناگونی در صحت این گزاره وجود دارد.»

فرامرز توفیقی توضیح داده که «همه تبعات جنگ مستقیم نیستند. هنگامی که تنش‌های نظامی به مرحله جنگ می‌رسد، نگرانی از کمبود کالاهای اساسی هم بالاتر

خانوارهای حقوق بگیر، گرفتار در گرداب هزینه‌های فزاینده و دستمزدهای ناچیز



● فعالان کارگری می‌گویند حق مسکن ۹۰۰ هزار تومانی در برابر اجاره‌های چند میلیون تومانی، نه تنها کمکی به معیشت کارگران نمی‌کند، بلکه فاصله عمیق سیاست‌های مزدی با واقعیت‌های اقتصادی است.

● اگرچه طی سال‌های گذشته دولت‌های مختلف طرح وام ودیعه مسکن را اجرا کرده‌اند اما این وام‌ها نیز در عمل برای اقشار نیازمند، یعنی مستأجران کم‌درآمد، بی‌خاصیت بوده است.

● یکی دیگر از مهمترین هزینه‌ها در سبد مصرفی خانوارهای کم‌درآمد هزینه تأمین خوراک است. تورم مواد غذایی ماه‌هاست بیشتر از تورم عمومی اقتصاد است و گرانی مواد خوراکی رکوردهای جدیدی را ثبت کرده است.

افزایش تورم و کاهش ارزش پول ملی بیش از پیش سبب کاهش قدرت خرید خانوارهای حقوق‌بگیر شده است. یکی از مهمترین مشکلات اقشار کم‌درآمد از جمله کارگران تأمین هزینه مسکن است. رقم رسمی حق مسکن در فیش حقوقی کارگران ۹۰۰ هزار تومان است در حالی که هزینه اجاره یک آپارتمان کوچک در محله‌های حاشیه‌ای به چند میلیون تومان در ماه می‌رسد.

فعالان کارگری تأمین هزینه مسکن را یکی از مهمترین مشکلات خانوارهای کارگری عنوان می‌کنند. فعالان کارگری می‌گویند حق مسکن ۹۰۰ هزار تومانی در برابر اجاره‌های چند میلیون تومانی، نه تنها کمکی به معیشت کارگران نمی‌کند، بلکه فاصله عمیق سیاست‌های مزدی با واقعیت‌های اقتصادی است.

بر اساس گزارش‌ها در حال حاضر در شهرهای بزرگ کارگران ناچار هستند رقمی معادل ۶۰ تا ۸۰ درصد از درآمد خود را به پرداخت هزینه مسکن اختصاص دهند. در شرایطی که دستمزد کارگران در صورت دریافت همه مزایای شغلی حدود ۱۶/۵ میلیون تومان در ماه است، دیگر از حقوق کارگران پولی برای پوشش دیگر هزینه‌های زندگی از جمله خوراک، درمان، آموزش و حمل و نقل نمی‌ماند و به این ترتیب خانوارهای کارگری زیر خط فقر رانده شده‌اند.

در همین رابطه خبرگزاری «تسنیم» نوشته هزینه اجاره یک آپارتمان ۵۰ متری در مناطق متوسط تهران امروز به ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان رسیده است. در سایر کلان‌شهرها نیز اجاره‌های چندمیلیونی به امری عادی تبدیل شده است. در چنین شرایطی، کارگران معتقدند ۹۰۰ هزار تومان حق مسکن، بیشتر به یک شوخی شبیه است تا یک حمایت واقعی.

این گزارش افزوده «از مسکن مهر در دولت‌های گذشته گرفته تا طرح اقدام ملی مسکن و نهضت ملی مسکن در سال‌های اخیر، همگی با هدف خانه‌دار کردن اقشار کم‌درآمد از جمله کارگران طراحی شدند. اما تجربه نشان داده که این طرح‌ها عملاً نقش مؤثری در خانه‌دار کردن کارگران نداشته‌اند. علت اصلی آن، نیاز به آورده اولیه سنگین، هزینه بالای ساخت‌وساز و اقساط سنگین تسهیلات بانکی است؛ مسائلی که بسیاری از کارگران را از همان ابتدا از ورود به این طرح‌ها محروم کرده است.»

اگرچه طی سال‌های گذشته دولت‌های مختلف طرح وام ودیعه مسکن را اجرایی کرده‌اند اما این وام‌ها نیز در عمل برای اقشار نیازمند، یعنی مستأجران کم‌درآمد، بی‌خاصیت

و بازنشستگان تا پایان سال ندارد.

سمیه گلپور رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران با انتقاد از تصمیم وزیر کار گفته «عنوان ۴۵ درصد افزایش مزد در سال ۱۴۰۴ به نظر بزرگ می‌رسد. اما از همان ابتدای سال پیش‌بینی برخی کارشناسان این بود که میزان افزایش دستمزد کارگران کف تورم سال ۱۴۰۴ خواهد بود؛ متأسفانه با گذشت ۶ ماه از سال مشاهده می‌کنیم که اوضاع گرانی‌ها و افزایش قیمت‌ها بسیار شدید است و باعث کاهش قدرت خرید کارگران شده است و در واقع افزایش ۴۵ درصدی مزدی کاری برای کارگران نکرد. چرا که کارگران با چنین تورمی نمی‌توانند زندگی خود را بگذرانند.»

این فعال کارگری معتقد است تورم واقعی هیچ‌گاه در تعیین مزد لحاظ نمی‌شود: «متأسفانه هزینه‌های سبد معیشت در دستمزد دیده نشد. اگر می‌خواستند دستمزد را مطابق تورم و سبد معیشت محاسبه کنند رقم افزایش مزد بسیار بیشتر می‌شد. اینکه می‌گویند دستمزد را مطابق تورم افزایش دادیم درست نیست چرا که تورم واقعی در جامعه بسیار بیشتر از ۴۵ درصد بود.»

سمیه گلپور با انتقاد از ثابت نگه داشتن رقم حق مسکن گفته «مبلغ ۹۰۰ هزار تومان برای اجاره یک متر خانه در اطراف تهران هم جوابگو نیست. برایم تعجب است که چگونه شورای عالی کار حق مسکن را چند سال است که فیریز کرده است. میزان ۳۵ درصد افزایش مزد سال ۱۴۰۳ با ۴۵ درصد افزایش مزد سال ۱۴۰۴ در مجموع حدود ۸۰ درصد می‌شود که حق مسکن باید به این میزان افزایش یابد.»

او همچنین گفته «بارها درخواست برگزاری جلسه شورای عالی کار و بازنگری در این آیین مزدی را داشته ایم اما توجهی نشده» و افزوده است: «عقب ماندگی مزدی کارگران در افزایش مزد امسال جبران نشد فقط با عنوان اینکه دستمزد افزایش یافته است کارگران دلخوش شدند.»

بوده است.

«تسنیم» نوشته وام‌های مسکن گرچه به ظاهر ارقام بزرگی دارند، اما اقساط آن‌ها بسیار بیشتر از توان مالی کارگران است. یک وام خرید مسکن در شرایط فعلی، قسطی معادل چندین میلیون تومان در ماه دارد، در حالی که حقوق پایه یک کارگر به سختی کفاف هزینه‌های جاری زندگی را می‌دهد. به همین دلیل، بخش بزرگی از کارگران اساساً امکان استفاده از این وام‌ها را ندارند و خانه‌دار شدن برای آن‌ها به رؤیایی دست‌نیافتنی تبدیل شده است.

یکی دیگر از مهمترین هزینه‌ها در سبد مصرفی خانوارهای کم‌درآمد هزینه تأمین خوراک است. تورم مواد غذایی ماه‌هاست بیشتر از تورم عمومی اقتصاد است و گرانی مواد خوراکی رکوردهای جدیدی را ثبت کرده است.

گزارش مرکز آمار ایران از تورم امرداد امسال نشان می‌دهد مواد خوراکی با موجی از افزایش قیمت روبرو بوده است. قیمت کره ۹۳ درصد و ماست ۶۴/۵ درصد نسبت به امرداد سال گذشته افزایش یافته است. لوبیا چیتی نیز ۲۴۸ درصد، برنج ایرانی ۱۴۲/۸ درصد و روغن مایع ۴۳/۷ درصد نسبت به سال گذشته گران شده است.

بررسی جزئیات تورم ماهانه نیز نشان می‌دهد قیمت مواد غذایی با سرعت در حال افزایش است. سبزیجات و میوه‌ها پیش‌تاز رشد قیمت ماهانه بوده‌اند. در فاصله اول تا پایان امرداد امسال خیار با ۲۸ درصد، قارچ با ۱۸/۶ درصد، پرتقال با ۱۷/۱ درصد، موز با ۸/۶ درصد، بادمجان با ۷/۹ درصد و هلو با ۶/۲ درصد افزایش قیمت روبرو بوده‌اند. همچنین تورم گروه نان و غلات نیز طی یک ماه ۷/۸ درصد افزایش یافته است.

افزایش تورم و موج‌های پی در پی گرانی سبب شده فعالان کارگری خواستار بازبینی دولت در رقم رسمی حداقل دستمزد و افزایش حقوق کارگران باشند. احمد میدری وزیر کار اما به تازگی اعلام کرده رقم دستمزد در ابتدای سال افزایش یافته و دولت برنامه‌ای برای افزایش دستمزد کارگران

خطر بیخ گوش صنایع بزرگ ایران؛ از بحران انرژی و کاهش صادرات تا مکانیسم ماشه!



● در شرایطی که جمهوری اسلامی با سوء مدیریت و ناکارآمدی، اقتصاد ایران را معیوب و خسارت‌های گسترده‌ای در آن ایجاد کرده، بازگشت تحریم‌ها می‌تواند بخش‌های مختلف نیمه‌جان اقتصاد کشور را با مخاطراتی جدی روبرو کند.

● وحید شقاقی شهری اقتصاددان: در شرایطی که حلقه تحریم‌ها تنگ‌تر شده، تنها راه حل، تغییر ریل حکمرانی اقتصادی و سپردن اقتصاد به بخش خصوصی است. اگر چنین نشود، بحران‌ها روز به روز شدیدتر می‌شوند.

صنایع بزرگ ایران که در کنار صنعت نفت سهم بالایی در تولید و درآمدزایی داشته‌اند در حالی با بحران‌هایی چون کمبود انرژی و نبود نقدینگی و هزینه‌های فزاینده روبرو هستند که فعال شدن مکانیسم ماشه نیز به تهدیدی جدی برای آنها تبدیل شده است.

فرآیند فعال شدن مکانیسم ماشه در شورای امنیت سازمان ملل متحد آغاز شده است و در صورت عدم ارائه برنامه روشنی از سوی جمهوری اسلامی در جهت شفاف‌سازی هسته‌ای طی یک ماه دیگر، تحریم‌های بین‌المللی پیش از برجام اجرایی خواهند شد.

تحریم‌های بین‌المللی زنگ خطر برای بخش‌های مختلف اقتصاد ایران را به صدا در آورده است. در شرایطی که جمهوری اسلامی با سوء مدیریت و ناکارآمدی، اقتصاد ایران را معیوب و خسارت‌های گسترده‌ای در آن ایجاد کرده، بازگشت تحریم‌ها می‌تواند بخش‌های مختلف نیمه‌جان اقتصاد کشور را با مخاطراتی جدی روبرو کند.

در این میان صنایع بزرگی که طی سال‌های گذشته با مشکلاتی چون بحران کمبود انرژی، بحران تأمین منابع، افزایش هزینه تولید، کاهش تولید و کاهش صادرات روبرو بودند و به سختی توانسته‌اند در ساختار مافیایی و رانتی جمهوری اسلامی حیات خود را حفظ کنند، ممکن است با فعال شدن مکانیسم ماشه به کلی فلج شوند.

قابل توجه اینکه بسیاری از صنایع بزرگ مانند فولادسازی همواره در کنار صنعت نفت نقشی محوری در درآمدزایی و ارزآوری برای اقتصاد ایران داشته‌اند و تشدید رکود در آنها می‌تواند سبب موجی از تورم در کشور شود.

برخی کارشناسان معتقدند با توجه به سهم صنایع مختلف از صادرات کشور، می‌توان گفت احتمالاً بیشترین آسیب به اتومبیل‌سازی و پتروشیمی وارد خواهد شد و صنعت فولاد با اتکا به بازار داخلی کمی مقاوم‌تر عمل می‌کند. در مجموع، بی‌ثباتی روانی بازار و محدودیت‌های تجاری، چالش‌های جدی‌ای پیش روی صنعت و معیشت کشور قرار خواهد داد.

حسین سلاح‌روزی رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران در توییتی نوشته است: «اگر مکانیسم ماشه فعال شود، صادرات پتروشیمی ایران بین پنج تا هشت میلیون تن کاهش خواهد یافت و تخفیف‌های پنج تا ۱۰ درصدی روی متانول و اوره اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. این موضوع می‌تواند سه تا پنج میلیارد دلار درآمد ارزی کشور را از بین ببرد».

این در حالیست که بر اساس برنامه هفتم توسعه، قرار بود صنعت پتروشیمی ایران با سرمایه‌گذاری ۴۰ میلیارد دلاری به تولید ۱۳۳ میلیون تن انواع محصول در سال برسد تا ۲۵ میلیارد دلار ارزآوری داشته باشد.

با ما را محدود کردند. تازه معامله با کشور عراق برای ما از همه راحت‌تر بود، درباره مابقی مشتریان که اوضاعمان بدتر است. در نتیجه صادرات به مشکل می‌خورد و وارداتمان هم بسیار سخت‌تر و حداقل ۱۰ درصد پرهزینه‌تر می‌شود.»

عضو انجمن فولاد افزوده «در پی فعال‌شدن مکانیسم ماشه و افزایش قیمت دلار هم هزینه‌های تولید بالا می‌رود، هم بازار داخل ما ظرفیت فروش را ندارد، چون اکثر افراد به دنبال سرمایه‌گذاری درازمدت هستند. تا همین‌جا هم بیش از ۵۰ میلیون ظرفیت تولید فولاد داریم اما شاهدیم که سال ۱۴۰۳ تولیدمان به دوران کرونا کاهش یافت و امسال هم با کمبود انرژی و مواد اولیه و سیاست‌های ارزی به جایی رسیدیم که صورت‌های مالی شرکت‌ها نشان می‌دهد از ۹۰ درصد کاهش سود نسبت به سال قبل تا ضرری چندین برابر سال قبل اتفاق افتاده مثل ذوب آهن که زیان شدید به بار آورده است. اگر تا حالا شیب افت ما ۱۰ درصد بود، از این به بعد ۵۰ درصد است. لذا شرایط در این صنعت از آنچه فکرش را می‌کنید، خیلی بدتر خواهد شد.»

در این میان وحید شقاقی شهری اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی نیز در گفتگو با روزنامه «جهان صنعت» توضیح داده که دخالت گسترده دولت در بخش‌های مختلف اقتصاد سبب تضعیف بخش خصوصی شده و در نتیجه اقتصاد کشور را در برابر تحریم آسیب‌پذیرتر کرده است.

این اقتصاددان معتقد است: «در شرایطی که حلقه تحریم‌ها تنگ‌تر شده، تنها راه حل، تغییر ریل حکمرانی اقتصادی و سپردن اقتصاد به بخش خصوصی است. اگر چنین نشود، بحران‌ها روز به روز شدیدتر می‌شوند. مشکلات امروز مانند قطعی آب و برق و بحران انرژی فقط ظاهر ماجراست و در آینده وخیم‌تر خواهد شد.»

وحید شقاقی شهری افزوده: «من می‌پذیرم تحریم‌ها هزینه‌زا هستند و ضربه می‌زنند اما اگر بخش خصوصی در اقتصاد حضور داشت، شدت اثر آنها بسیار کمتر می‌شد. مثال روشن آن همان فرد ورزشکار سالم است که می‌تواند در برابر حمله مقاومت یا آگاهانه عقب‌نشینی کند و دوباره ضربه بزند در حالی که فرد معتاد حتی توان ایستادن ندارد.»

آمارهای مورد ادعای حکومت اما از وضعیت نامطلوب صنعت پتروشیمی حکایت دارد. صنعت پتروشیمی کشور در سال ۱۴۰۳ بالغ بر ۱۳/۵ میلیارد دلار صادرات و ارزآوری داشته و ۴۰ درصد صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داده است. در سال ۱۴۰۴ اما آمار صادرات محصولات پتروشیمی کاهش یافته و بنا به گزارش گمرک در چهارماهه ابتدایی سال جاری صادرات پتروشیمی نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۰ درصد کاهش داشته و ارزش آن به شش میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار رسیده است.

حمید حسینی عضو هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران نیز درباره اثرات فعال شدن مکانیسم ماشه به صنعت پتروشیمی با اشاره به رونق پیشین این صنعت، گفته «ما در حال واردات مواد برخی پتروشیمی‌ها هستیم چون زنجیره‌مان کامل نشده و تولیدمان عمق ندارد. تحریم، قفل بزرگی بر در صنعت پتروشیمی است که از روابط بانکی تا حمل‌ونقل و اسنادسازی را تحت تأثیر قرار داده است. در این شرایط هر اقدامی در راستای تشدید تحریم‌ها وضعیت را بدتر می‌کند. ترامپ ۴۶۰ تحریم جدید وضع کرده که هر کدام یک گره جدید در مسیر پتروشیمی بوده است.»

حمید حسینی معتقد است تحریم‌های ایالات متحده شدیدتر از تحریم‌های سازمان ملل است و افزوده «ادامه مسیر صادرات پس از فعال‌شدن مکانیسم ماشه و افزایش سخت‌گیری‌ها کاملاً به این بستگی دارد که کشورهای بازار هدف ایران (مثل چین، هند، ترکیه، کشورهای منطقه) چه برخوردی با فعال‌شدن تحریم‌های سازمان ملل داشته باشند.» صادرات زنجیره آهن و فولاد اما حتی در تحریم نیز روندی صعودی داشته است و در نتیجه با توجه به نظر کارشناسان در رویارویی با تحریم‌های سازمان ملل می‌تواند آسیب‌پذیر باشد. در همین رابطه رضا شهرستانی عضو انجمن فولاد به روزنامه «شرق» گفته «بازار صادرات ما محدود بود و با افزایش فشارها احتمالاً همان میزان اندک هم تحت‌الشعاع قرار بگیرد، برای مثال عراق از کشورهایی است که مایل است با ما کار کند اما به خاطر معضلات تحریم، فعالیتشان

هزینه‌های چند صد میلیون تومانی برای بستری کردن بیماران



● هزینه بستری کردن یک بیمار کمتر از ۲۰ روز در برخی بیمارستان‌ها به بیش از ۶۲۰ میلیون تومان می‌رسد.
● کمبود پرستار باعث می‌شود خانواده‌ها برای مراقبت از بیمار، ناچار به استخدام پرستار خصوصی با هزینه روزانه بیش از ۵ میلیون تومان شوند.
● عبدالحسین هوشمند مدیرعامل انجمن ام‌اس ایران نیز خبر داده که هزینه درمان بیماران ام‌اس به ۲۰ میلیون تومان در ماه رسیده است.

هزینه درمان در ایران با افزایش قابل توجهی روبرو شده و دارو و درمان برخی بیماری‌ها چند ده میلیون تومان در ماه هزینه دارد و هزینه بستری کردن دو سه هفته‌ای بیماران در بیمارستان‌ها به صدها میلیون تومان می‌رسد. یک عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی هشدار داده که ساختار درمانی کشور دچار «ناترازی» شده و اگر برای نظام سلامت کشور برنامه‌ریزی دقیق نشود هم دولت‌ها توان پرداخت هزینه‌های درمانی مردم را نخواهد داشت.

افزایش هزینه درمان و بستری کردن بیماران در ایران به بحرانی جدی برای شهروندان تبدیل شده است. روزنامه «هفت صبح» در یک گزارش میدانی به تجربه خانواده‌ای اشاره کرده که پدرشان را با وجود هزینه کردن یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان به دلیل تشخیص دیرنگام بیماری از دست دادند.

این گزارش نشان می‌دهد هزینه بستری کردن یک بیمار کمتر از ۲۰ روز در برخی بیمارستان‌ها به بیش از ۶۲۰ میلیون تومان می‌رسد. این هزینه در حالیست که در مواردی ویزیت‌های صوری پزشکان و آزمایش‌های غیرضروری به فاکتور بیمارمان اضافه می‌شود!

بیماران و خانواده‌ها می‌گویند تشخیص بیماری‌ها ماه‌ها به طول می‌انجامد و همین تأخیر، فرصت درمان را از بین می‌برد. در بسیاری موارد، کمبود پرستار باعث می‌شود خانواده‌ها برای مراقبت از بیمار، ناچار به استخدام پرستار خصوصی با هزینه روزانه بیش از ۵ میلیون تومان شوند.

در آنسو بحران تأمین دارو هم همچنان پابرجاست و داروهایی مانند «آلبومین» و «آمینواسید» در مراکز رسمی نایاب است و بیماران باید آنها را از بازار آزاد با قیمتی ۳ تا ۵ برابر نرخ رسمی تهیه کنند. تنها در ۱۲ روز مصرف این داروها، بیش از ۶۰ میلیون تومان هزینه به خانواده‌ها تحمیل می‌شود.

افزایش هزینه درمان تنها به هزینه‌های بیمارستانی و کلینیکی نیست و هزینه سنگین دارو نیز سبب شده بسیاری از بیماران که توان پرداخت هزینه را ندارند روند درمان را متوقف کنند. عبدالحسین هوشمند مدیرعامل انجمن ام‌اس ایران نیز خبر داده که هزینه درمان بیماران ام‌اس به ۲۰ میلیون تومان در ماه رسیده است. مدیرعامل انجمن ام‌اس گفته این مبلغ شامل هزینه‌های دارو، خدمات توانبخشی، لوازم بهداشتی و سایر خدمات مکمل می‌شود که فشار مالی زیادی را بر خانواده‌ها وارد می‌کند.

عبدالحسین هوشمند افزود یکی از دغدغه‌های اصلی بیماران، پوشش ناکافی خدمات توانبخشی است. متأسفانه بسیاری از این خدمات تحت پوشش کامل بیمه قرار ندارند و بیماران مجبورند بخشی از هزینه‌ها را شخصاً پرداخت

ضروری را از مواردی دانسته که می‌تواند به افزایش بهره‌وری نظام سلامت کمک کند. ماه گذشته نیز فاطمه محمد بیگی نایب رئیس اول کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی از افزایش سهم مردم در پرداخت هزینه درمان خبر داده و گفته بود «اکنون میزان هزینه پرداختی مردم از جیب افزایش پیدا کرده و کم از کم از مرز ۷۰ درصد عبور می‌کند؛ در حالی که باید این مقدار برعکس باشد؛ یعنی مردم ۳۰ درصد و دولت ۷۰ درصد پرداخت کند».

وی گفته بود «به دلیل نقایص ساختاری و عدم اعمال صحیح تعرفه‌های بیمه‌ای، عدم پرداخت به موقع بیمه‌ها، عدم تغذیه شدن صنعت بیمه و عیوب ساختاری که وجود دارد ما عملاً می‌بینیم پوشش بیمه‌ای ما مرتب در حال کاهش است و این موضوع به مردم به ویژه اقشار کم برخوردار و ضعیف آسیب می‌رساند».

نایب رئیس اول کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی افزوده بود «اولین راهکار ما در بحث حکمرانی سلامت نگاه جامع به حوزه و صنعت بیمه است؛ در حکمرانی سلامت باید یک پیوست‌های ویژه بیمه‌ای قرار داده شود و به شکل قانونی در قوانین جامعه باشد».

او افزوده بود «در برنامه هفتم موضوع تجمیع بیمه‌های درمانی ذکر شده اما عملاً این اجرا نمی‌شود و ضمن اینکه در برنامه ششم نیز وجود داشته است. در واقع تجمیع بیمه‌ها خیلی مهم است. تقویت بیمه‌های تکمیلی نیز خیلی مهم است و در دستور کار همه ادارات قرار دارد».

فاطمه محمد بیگی همچنین هشدار داده بود که «صنعت بیمه ما در حال شکست خوردن است» و گفته «تا زمانی که با این دست فرمان جلو برویم کاری نمی‌توان انجام داد».

این نماینده مجلس شورای اسلامی همچنین افزوده بود «سهم سلامت از تولید ناخالص ملی (GDP) کم است و باید سهم سلامت ما به جای ۳/۹ دهم درصد به بالای ۸ درصد برسد».

فاطمه محمدبیگی با اشاره به «افزایش ۷ تا ۱۰ برابری قیمت دارو» در یک سال گذشته گفته بود «جبران مابه‌التفاوت قیمت ارز ترجیحی در دارو عملاً غیر ممکن شده است».

کنند که این موضوع به افزایش هزینه درمان ام‌اس منجر شده است. فرامرز اختراعی رئیس سندیکای تولیدکنندگان مواد اولیه دارویی گفته دولت باز هم به فکر آزادسازی مجدد قیمت دارو است و برخی‌ها در دولت تلاش می‌کنند ارز دارو را دوباره گران کنند.

این سخنان در پی تلاش دولت برای حذف ارز ترجیحی یا همان دلار با نرخ دولتی برای واردات دارو و مواد اولیه دارویی مطرح شده است. حذف ارز ترجیحی دارو از ابتدای سال گذشته آغاز شد و همچنان ادامه دارد. برخی اقلام دارو و تجهیزات پزشکی طی یک سال با افزایش ۲۰۰ تا ۷۰۰ درصدی قیمت روبرو شدند. از سوی دیگر در پی تأمین نشدن ارز مورد نظر دارو و مواد اولیه، بسیاری از اقلام دارویی نیز با کمبود در بازار روبرو هستند. اینهمه ساختار درمانی ایران را با مشکلات زیادی روبرو کرده است؛ از یکسو هزینه‌ها در حال افزایش هستند و از سوی دیگر مردم توان پرداخت هزینه‌ها ندارند و دولت هم هیچ برنامه حمایتی برای کمک به اقشار کم‌درآمد در روند درمان ندارد. در همین رابطه رضا جباری عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که اگر برای نظام سلامت کشور برنامه ریزی دقیق نشود بحران ناترازی ای که امروز در بخش انرژی دچار آن هستیم در حوزه سلامت نیز ایجاد می‌شود و دولت‌ها توان پرداخت هزینه‌های درمانی مردم را نخواهد داشت. این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «در نظام سلامت ما نگاه دولتی حاکم است و این نگاه باعث شده روزمرگی بر حوزه سلامت غلبه داشته باشد و بسیاری از قوانین بالا دستی در این مسیر مغفول مانده است اما با اجرای برخی طرح‌ها نظیر خرید راهبردی توسط دستگاه‌های خدمات‌رسان و بیمه‌ها، تجمیع منابع بیمه‌ها و محاسبه عملیاتی قیمت تمام شده خدمات حوزه درمان در سطوح مختلف می‌توان این چالش را مرتفع کرد».

رضا جباری توضیح می‌دهد که نیمی از حدود ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومانی که به نظام سلامت اختصاص دارد می‌توان با بهره‌وری صرفه جویی شده و در مسیر توسعه و پیشرفت سطح درمان مردم استفاده شود. او اقدامات تشخیصی غیر

رشد منفی اقتصاد ایران در دو ماه پیاپی؛ روزهای دشوارتری در راه است



ایران، تورم نقطه به نقطه بخش خوراکی در تیرماه برابر با ۴/۴۷ درصد ثبت شده؛ در حالیکه تورم نقطه به نقطه کل، در این ماه برابر با ۲/۴۱ درصد ثبت شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همچنین اعلام کرده در تیرماه امسال برخلاف بخش کشاورزی، بخش نفت و گاز در عملکرد مثبتی را به ثبت رسانده است. ارزش افزوده این بخش نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۹/۲ درصد رشد داشته است. طبق آخرین آمارهای اوپک، تولید نفت ایران در این دوره با رشد ۵/۲ درصدی همراه بوده است.

این رشد در بخش نفت، نقش مهمی در تعدیل رکود کلی اقتصاد داشته و سهمی معادل ۲۵/۰ واحد درصد از نرخ رشد کلی اقتصاد را به خود اختصاص داده است. این امر نشان می‌دهد که بخش نفت به عنوان یک موتور محرک، توانسته است تا حدودی از شدت رکود در کل اقتصاد را بکاهد.

گروه صنایع و معادن نیز در تیرماه ۱۴۰۴ با رکود روبرو شده و رشد منفی ۴/۳ درصدی را تجربه کرده است. این گروه شامل بخش‌های ساختمان، صنعت، استخراج معدن، تأمین آب، برق و گاز طبیعی است. این کاهش عمدتاً به دلیل کاهش شاخص تولید صنایع بورسی و کاهش فروش نهاده‌های ساختمانی در بورس بوده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ارزیابی کرده این موضوع نشان‌دهنده کاهش فعالیت‌های صنعتی و ساختمانی در این دوره است که می‌تواند ناشی از عواملی مانند کاهش تقاضا، مشکلات تولید، یا چالش‌های مالی باشد. سهم این گروه از نرخ رشد منفی کلی اقتصاد، منفی ۱۶/۱ واحد درصد بوده که نشان‌دهنده تأثیر قابل‌توجه آن بر رکود کل اقتصاد است.

در میان بخش‌های اصلی اقتصاد، گروه خدمات تنها بخشی است که در تیرماه ۱۴۰۴ رشد مثبتی را به ثبت رسانده است. ارزش افزوده این بخش با رشد ۳/۳ درصدی همراه بوده است. این رشد مثبت تحت تأثیر عملکرد

به بیان دیگر در دو ماه تیرماه و خردادماه ۱۴۰۴ نسبت به تیرماه و خردادماه ۱۴۰۳ اقتصاد ایران کوچک‌تر شده است. قطع و جیره‌بندی گسترده انرژی در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی، معدنی و خدماتی، و جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی و اسرائیل از دلایل محوری کاهش رشد اقتصادی و کوچک شدن اقتصاد ایران ارزیابی می‌شوند.

مرکز پژوهش‌های مجلس با ارائه جزئیاتی از رشد اقتصادی ایران تأکید کرده این گزارش با هدف «جبران تأخیر در انتشار آمارهای رسمی توسط مراجع آماری مانند بانک مرکزی و مرکز آمار ایران» ارائه شده و به نمایندگان و سیاستگذاران امکان می‌دهد تا واکنش‌های سریع‌تری نسبت به تغییر روندهای اقتصادی داشته باشند.

بر اساس جزئیات این گزارش، رشد اقتصادی کل کشور در تیرماه ۱۴۰۴ نسبت به ماه مشابه سال قبل، منفی ۳/۰ درصد برآورد شده است. همچنین، رشد اقتصادی بدون احتساب بخش نفت نیز منفی ۶/۰ درصد بوده است.

این در حالیست که در سال ۱۴۰۳، تولید ناخالص داخلی با نفت و بدون نفت به ترتیب ۱/۳ و ۳ درصد رشد داشته است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده بخش کشاورزی که همواره یکی از ارکان اصلی اقتصاد ایران محسوب می‌شود، در تیرماه ۱۴۰۴ با چالش‌های جدی روبرو شده و ارزش افزوده آن نسبت به ماه مشابه سال قبل، رشد منفی ۱/۸ درصدی را ثبت کرده است.

در این ماه تولید محصولات زراعی با کاهش ۳/۱۱ درصدی و تولید محصولات دامی با کاهش ۱/۹ درصدی مواجه شده‌اند. این رکود در تولید به عوامل مختلفی از جمله شرایط اقلیمی نامساعد و کاهش میزان بارش نسبت داده می‌شود.

این گزارش افزوده کارشناسان اشاره دارند که یک عامل مهم در تورم بالای خوراکی‌ها در تیرماه، رشد منفی بخش کشاورزی در این ماه بوده است. بر اساس اعلام مرکز آمار

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده که رشد تولید ناخالص داخلی ماهانه اقتصاد ایران نسبت به ماه مشابه سال قبل، در دو ماه از چهار ماه اول سال ۱۴۰۴ منفی بوده است.

● رشد اقتصادی کل کشور در تیرماه ۱۴۰۴ نسبت به ماه مشابه سال قبل، منفی ۳/۰ درصد برآورد شده است. همچنین، رشد اقتصادی بدون احتساب بخش نفت نیز منفی ۶/۰ درصد بوده است.

● قطع و جیره‌بندی گسترده انرژی در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی، معدنی و خدماتی، و جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی و اسرائیل از دلایل محوری کاهش رشد اقتصادی و کوچک شدن اقتصاد ایران ارزیابی می‌شوند.

● با فعال شدن مکانیسم ماشه وضعیت اقتصاد ایران بحرانی‌تر خواهد شد؛ اتاق بازرگانی از احتمال رکود عمیق، تورم ۹۰ درصدی، نرخ ارز ۱۶۵ هزار تومانی، رشد اقتصادی منفی سه درصد، سقوط ارزش دلاری بورس و افزایش نرخ بیکاری تا ۱۴ درصدی در آینده نزدیک خبر داده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده که رشد تولید ناخالص داخلی ماهانه اقتصاد ایران نسبت به ماه مشابه سال قبل، در دو ماه از چهار ماه اول سال ۱۴۰۴ منفی بوده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس، به تازگی گزارش «پایش بخش حقیقی اقتصاد ایران: برآورد تولید ناخالص داخلی ماهانه (تیرماه ۱۴۰۴)» را ارائه داده است. این گزارش با تمرکز بر پایش و ارزیابی بخش حقیقی اقتصاد ایران در تیرماه ۱۴۰۴ تنظیم شده و برآوردی از تحولات تولید ناخالص داخلی (GDP) و رشد اقتصادی در ۴ ماه اولیه امسال را ارائه داده است.

بر اساس این گزارش، رشد تولید ناخالص داخلی ماهانه نسبت به ماه مشابه سال قبل، در دو ماه از چهار ماه اول سال ۱۴۰۴، یعنی خردادماه و تیرماه منفی بوده است.

سیاست‌های تیم اقتصادی دولت پزشکیان عامل افزایش تلاطم و بی‌ثباتی در اقتصاد کشور



به پیش‌فروش و حراج سکه کرده است اما در عمل این سیاست‌ها به کاهش قیمت یا حتی کنترل سرعت افزایش قیمت آن منجر نشده است.

کارشناسان معتقدند حراج سکه از سوی بانک مرکزی مانند دیگر اقداماتی چون قیمت‌گذاری دستوری بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد و مقامات تیم اقتصادی دولت هم می‌دانند این اقدام اثرگذاری واقعی بر بازار نداشته است.

کارشناسان می‌گویند تیم اقتصادی دولت و به ویژه رئیس بانک مرکزی به جای اصلاح ساختارهای اقتصادی، به اقدامات مقطعی و پرهزینه روی می‌آورد، نتیجه‌ای جز بی‌اعتمادی عمومی و تشدید نوسانات ندارد.

در همین رابطه حسین راغفر، اقتصاددان در گفتگو با وبسایت «تجارت‌نوز» گفته حراج‌های سکه اقدامی بی‌اثر در کاهش حباب قیمتی بوده و هدف اصلی این سیاست‌ها، نه کنترل بازار بلکه تأمین کسری بودجه دولت است.

این اقتصاددان افزوده «دولت تلاپی را که با ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان وارد کرده، با دلار ۱۳۰ هزار تومانی به مردم می‌فروشد؛ بنابراین مسأله فقط تأمین کسری بودجه دولت است که این تأمین را از طریق افزایش قیمت کالاهایی که وارد کرده انجام می‌دهد.»

احمد جانجان کارشناس اقتصادی نیز در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته برخلاف هدفگذاری دولت برای حراج سکه، واقعیت این است که وقتی سکه از محل ذخایر طلا فروخته می‌شود، ریال هم جمع می‌شود ولی در مقابل وقتی با کسری بودجه مواجه و مجبور به چاپ ریال می‌شویم، این جمع‌آوری نقدینگی دوامی ندارد.

این کارشناس اقتصادی توضیح داده که «حباب سکه تابع سه پارامتر اصلی است؛ یکی انتظارات است که در نرخ ارز و تورم خود را نشان می‌دهد، دومی ریسک سیاسی و نااطمینانی است و سومین پارامتر هم محدودیت‌های کانال‌های نقل و انتقال ارزی واردات و سرمایه‌گذاری‌هاست

که ما در این سه حوزه به چالش‌های جدی مواجه

● بانک مرکزی مدتهاست با هدف کاهش حباب قیمتی سکه، جذب نقدینگی سرگردان و ایجاد ثبات در بازار اقدام به پیش‌فروش و حراج سکه کرده است اما در عمل این سیاست‌ها به کاهش قیمت یا حتی کنترل سرعت افزایش قیمت آن منجر نشده است.

● حسین راغفر اقتصاددان گفته حراج‌های سکه اقدامی بی‌اثر در کاهش حباب قیمتی بوده و هدف اصلی این سیاست‌ها، نه کنترل بازار بلکه تأمین کسری بودجه دولت است.

● احمد جانجان کارشناس اقتصادی: وقتی سکه از محل ذخایر طلا فروخته می‌شود، ریال هم جمع می‌شود ولی در مقابل وقتی با کسری بودجه مواجه و مجبور به چاپ ریال می‌شویم، این جمع‌آوری نقدینگی دوامی ندارد.

● کامران ندری کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه گفته: «تا زمانی که اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران انجام نشود، آزادسازی و مدیریت نرخ ارز امکان‌پذیر نیست. برای آزادسازی و شناور کردن نرخ ارز، ابتدا باید مسئله تورم حل شود که ریشه آن نیز در کسری بودجه پنهان و پیدای دولت است.»

● مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز نیز معتقد است در شرایط فعلی اقتصاد ایران، با تکرار نرخ کردن ارز به سمت بازار آزاد، ۸۰ درصد مردم به زیر خط فقر سقوط می‌کنند.

دو برنامه محوری تیم اقتصادی دولت پزشکیان شامل تکرار نرخ کردن ارز و حراج یا پیش‌فروش سکه طلا با انتقاد کارشناسان روبروست. اگرچه دولت مدعی است این اقدامات سبب ثبات بازار و جلوگیری از نوسانات قیمتی می‌شود اما کارشناسان می‌گویند این سیاست‌ها نتیجه عکس داده و بر تلاطم بازار خواهد افزود.

بانک مرکزی مدتهاست با هدف کاهش حباب قیمتی سکه، جذب نقدینگی سرگردان و ایجاد ثبات در بازار اقدام

خوب زیربخش‌هایی مانند «اداره عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی»، «عمده‌فروشی و خرده‌فروشی» و «املاک و مستغلات» بوده است.

این ارقام در حالی در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ارائه شده که در برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی رشد اقتصادی هشت درصد ثبت شده است. پیش‌تر نیز کارشناسان دستیابی به رشد اقتصادی هشت درصد را با توجه به شرایط اقتصادی کشور و سیاست‌های جمهوری اسلامی در حوزه بین‌الملل، خیالی خام ارزیابی کرده بودند.

اکنون در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز تأکید شده که چشم‌اندازی برای تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی وجود ندارد. علاوه بر این، ریسک‌های سیاسی همچون احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت در قبال اقتصاد ایران، همچنان به‌عنوان عامل اثرگذار بر فضای اقتصادی کشور شناخته می‌شود.

این گزارش افزوده در کنار این عوامل، بی‌ثباتی‌های حاکم بر اقتصاد کلان کشور، پیش‌بینی‌های مثبتی را در رابطه با رشد اقتصادی، در مقابل دیدگان فعالان اقتصادی قرار نمی‌دهند. به گفته کارشناسان، تغییر دست فرمان کلی سیاست خارجی کشور، انجام اصلاحات ساختاری بودجه‌ای در اقتصاد و گام برداشتن در راستای اصلاح نگاه حکمرانی سیاست‌گذاران از دستوری به تنظیم‌گری، مهم‌ترین اقداماتی است که برای تغییر روند رشد اقتصادی کشور، باید در دستور کار ساختار حکمرانی کشور قرار گیرد.

از سوی دیگر با توجه به درخواست سه کشور اروپایی عضو برجام برای فعال شدن مکانیسم ماشه که روز گذشته به صورت رسمی در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفته، وضعیت اقتصاد ایران پیچیده‌تر و رکود تورمی عمیق‌تر خواهد شد.

اتاق بازرگانی ایران در گزارشی با اشاره به فعال شدن مکانیسم ماشه سه سناریو درباره اقتصاد ایران، از خوشبینانه تا بدبینانه، را ارائه داده که نشان‌دهنده وخیم‌تر شدن شرایط اقتصادی ایران در آینده نزدیک است.

اتاق بازرگانی هشدار داده است که در سناریوی بدبینانه احتمال رکود عمیق، تورم ۹۰ درصدی، نرخ ارز ۱۶۵ هزار تومانی، رشد اقتصادی منفی سه درصد، سقوط ارزش دلار یورو و افزایش نرخ بیکاری تا ۱۴ درصد وجود دارد.

در سناریوی خوش‌بینانه ترسیم شده از سوی اتاق بازرگانی با وجود بازگشت تحریم‌ها، اقتصاد ایران بهترین عملکرد ممکن را خواهد داشت. در این حالت، نرخ دلار به ۱۱۵ هزار تومان، تورم به ۶۰ درصد و رشد اقتصادی به ۱.۵ درصد مثبت می‌رسد. هرچند نرخ بیکاری به ۵/۱۰ درصد افزایش می‌یابد، اما ارزش بازار بورس تا ۱۲۰ میلیارد دلار رشد خواهد کرد.

اما در سناریوی دوم اقتصاد وارد یک دوره رکود تورمی می‌شود. قیمت دلار به ۱۳۵ هزار تومان جهش کرده، تورم تا ۷۵ درصد اوج می‌گیرد و رشد اقتصادی به منفی یک درصد کاهش می‌یابد. در این شرایط، بیکاری به ۱۲ درصد رسیده و ارزش بازار بورس به ۹۰ میلیارد دلار تنزل پیدا می‌کند.

نگران‌کننده‌ترین چشم‌انداز در سناریوی بدبینانه ترسیم شده است. در این حالت اقتصاد ایران با یک بحران عمیق مواجه خواهد شد. نرخ دلار به ۱۶۵ هزار تومان، تورم به بیش از ۹۰ درصد و نرخ بیکاری به ۱۴ درصد خواهد رسید. رشد اقتصادی نیز با سقوط به منفی سه درصد، رکود را عمیق‌تر خواهد کرد و ارزش بازار بورس تا ۶۵ میلیارد دلار افت می‌کند.

امنیت غذایی ایران بازیچه ناکارآمدی و ناتوانی وزیر جهاد کشاورزی

● در امرداد امسال تورم نقطه‌ای مواد غذایی از ۵۱ درصد عبور کرده و گروه نان و غلات با تورم ماهانه ۷/۸ درصدی رکورددار گرانی خوراکی‌ها در این ماه بوده است.

● بر اساس گزارش مرکز آمار ایران از تورم امرداد امسال، در گروه کالایی سبزیجات و حبوبات هم تورم نقطه به نقطه ۵۲/۹ درصد و تورم سالانه ۶۶/۵ درصد اعلام شده است.

● در گروه کالایی چای، قهوه، کاکائو، نوشابه و آبمیوه و نوشابه‌های غیرالکلی هم تورم نقطه به نقطه ۶۸/۱ درصد و تورم سالانه ۴۵/۵ درصد اعلام شده است.

● نایب رئیس هیئت مدیره بنیاد ملی گندم نیز با هشدار نسبت به چالش امنیت غذایی در کشور، گفته «قطع مکرر برق، کمبود آب، افزایش هزینه نهاده‌ها و بالاترین الگوی کشت، تولید کشاورزی را به یک سوم کاهش داده و کشور را با چالش جدی در تأمین گندم و علوفه روبرو کرده است».

تولید محصولات کشاورزی در ایران به دلایل مختلف از جمله خشکسالی، تصمیمات غیرکارشناسی وزارت جهاد کشاورزی و افزایش قابل توجه هزینه تولید با کاهش روبرو شده است. قیمت مواد غذایی نیز با افزایش روبرو شده و مواد خوراکی در صدر جداول افزایش تورم قرار دارند. کارشناسان عملکرد وزارت جهاد کشاورزی دولت مسعود پزشکیان را تهدیدی علیه امنیت غذایی کشور ارزیابی می‌کنند.

آمارهای تورم اقتصاد ایران در امرداد امسال نشان می‌دهد همچنان مواد غذایی در صدر جداول افزایش تورم قرار دارند. در امرداد امسال تورم نقطه‌ای مواد غذایی از ۵۱ درصد عبور کرده و گروه نان و غلات با تورم ماهانه ۷/۸ درصدی رکورددار گرانی خوراکی‌ها در این ماه بوده است.

جدا از گروه «نان و غلات» که تورم ۷/۸ درصد طی یک ماه را ثبت کرده، در گروه میوه و خشکبار هم در فاصله تیرماه تا امرداد امسال تورم ۴ درصدی ثبت شده است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران از تورم امرداد امسال، در گروه کالایی سبزیجات و حبوبات هم تورم نقطه به نقطه ۵۲/۹ درصد و تورم سالانه ۶۶/۵ درصد اعلام شده است.

در گروه روغن‌ها و چربی‌ها نیز تورم نقطه به نقطه ۴۷/۴ درصدی صبت شده است. در گروه کالایی چای، قهوه، کاکائو، نوشابه و آبمیوه و نوشابه‌های غیر الکلی هم تورم نقطه به نقطه ۶۸/۱ درصد و تورم سالانه ۴۵/۵ درصد اعلام شده است.

این ارقام که همگی بالاتر از سطح عمومی تورم اقتصاد کشور قرار دارند نشان می‌دهد تولید و تأمین مواد غذایی با اختلالاتی روبروست.

آزادسازی و مدیریت نرخ ارز امکان‌پذیر نیست. برای آزادسازی و شناور کردن نرخ ارز، ابتدا باید مسئله تورم حل شود که ریشه آن نیز در کسری بودجه پنهان و پیدای دولت است.»

این اقتصاددان افزوده «بودجه دولت باید ساماندهی و اصلاح شود؛ اما اصلاح بودجه کار ساده‌ای نیست، زیرا هر ردیف بودجه‌ای دارای ذی‌نفعانی است و اصلاح آن‌ها با مقاومت‌های سیاسی روبرو خواهد شد. بدون اصلاحات مالی گسترده در بودجه دولت، آزادسازی نرخ ارز ممکن نیست.»

کامران ندری توضیح داده که «نکته دوم اینکه بازار سرمایه باید به تدریج توسعه پیدا کند، طوری که تمام ابزارهای پوشش‌دهنده ریسک نرخ ارز برای فعالان اقتصادی فراهم و کاربردی شود. بنگاه‌های اقتصادی با ریسک نوسانات نرخ ارز مواجه هستند و برای پوشش این ریسک باید ابزارهای مالی مانند اوراق اختیار معامله و اوراق آتی وجود داشته باشد.»

او همچنین گفته که «اگر این ابزارها در اقتصاد نباشند، بنگاه‌ها در مدیریت ریسک نرخ ارز دچار مشکل می‌شوند و برای مدیریت نوسانات نرخ ارز، به دولت فشار می‌آورند. در کشورهای پیشرفته نیز نوسانات نرخ ارز وجود دارد، اما بخش خصوصی از طریق بازار سرمایه و خرید این اوراق، ریسک را مدیریت می‌کند. بازار سرمایه ایران هنوز به اندازه کافی توسعه نیافته و بخش خصوصی آگاهی کافی برای استفاده از این ابزارها ندارد.»

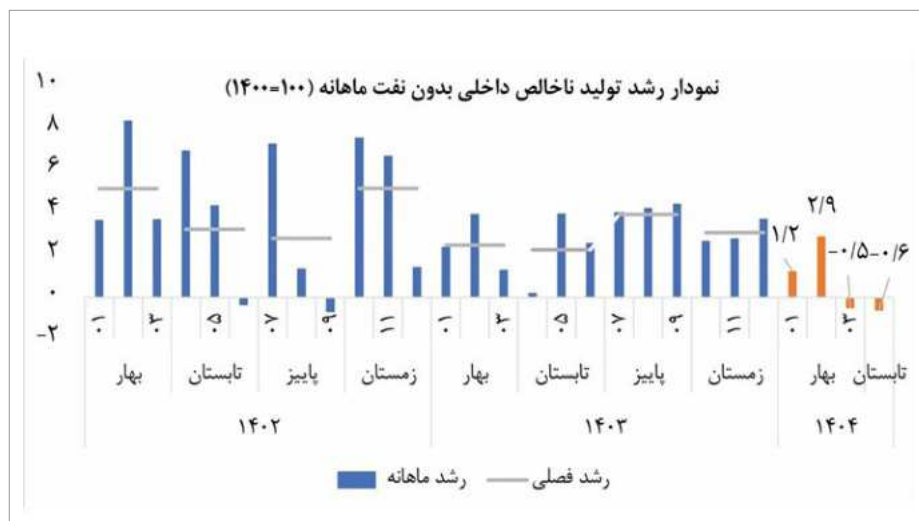
کامران ندری معتقد است آزادسازی قیمت ارز می‌تواند به سود جریانات مافیایی باشد: «اقتصاد ایران دارای بنگاه‌های بزرگ با قدرت انحصاری و نفوذ سیاسی است؛ این اقتصاد

→ هستیم. اثر پیش فروش سکه می‌تواند روی گزینه اول و سوم قدری اثر بگذارد، اما ریسک‌های سیاسی و نااطمینانی را اصلاً پوشش نمی‌دهد؛ بنابراین اگر قیمت حراج زیر نرخ بازار تعیین شود، رانت آربیتراژ به وجود می‌آید و خود حراج یک نوع سوخت منابع به نفع سفته بازی است. با این تفصیلات حراج سکه ممکن است اثر کوتاه مدت داشته باشد ولی پایدار نیست چراکه انضباط پولی و مالی، آزادسازی تدریجی بازارها، کنار گذاشتن قیمت‌گذاری دستوری و تک‌نرخ‌سازی ارز وجود ندارد.»

احمد جانجان افزوده «در منطق اقتصاد آزاد، حراج مسکن است نه درمان. یعنی اگر شما یک بسته پایدار برای تنظیم‌گری و رگولاتوری می‌خواهید باید یک بسته سیاست پولی و مالی قاعده‌مند و متناسب داشته باشید. بدین معنا که پولی‌سازی کسری بودجه را متوقف کنید، سقف کسری بودجه شفاف و راه تأمین همه اینها مشخص باشد. متأسفانه نظام بودجه‌ریزی ما به دنبال تراز کردن بودجه است و هرچا چهار کسری می‌شود در انتها به شکل جمعی خرجی آن را تراز می‌کنند.»

یکی دیگر از سیاست‌های تیم اقتصادی دولت پزشکیان که با انتقاد کارشناسان اقتصادی روبروست، تک‌نرخ‌کردن ارز است.

تک‌نرخ‌کردن ارز از جمله برنامه‌های عبدالناصر همتی وزیر پیشین اقتصاد دولت پزشکیان بود که با اجرای برخی مقدمات برای عملی شدن ارز تک‌نرخ‌سبب افزایش قیمت ارز در بازار داخلی و ایجاد موجی از تورم در بخش



نوعی اقتصاد رفاه‌گراست که در آن گروه‌ها نرخ‌ها را به سمت منافع خود سوق می‌دهند. آزادسازی نرخ ارز زمانی معنا پیدا می‌کند که این گروه‌ها قدرت سیاسی و نفوذ بر بازار را نداشته باشند، اما اقتصاد ایران هنوز به این شرایط نرسیده است.»

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز نیز معتقد است در شرایط فعلی اقتصاد ایران، با تک‌نرخ‌کردن ارز به سمت بازار آزاد، ۸۰ درصد مردم به زیر خط فقر سقوط می‌کنند.

افقه با اشاره به سخنان علی مدنی‌زاده و شمس‌الدین حسینی گفته «این مدل سخنان از سوی برخی مقامات و مسئولان از اقتصادی تا غیراقتصادی کشور نشان از ناآگاهی جدی آنان دارد. جدا من گاهی متعجب می‌شوم از این همه دور بودن تصمیم‌گیران اقتصادی کشور از واقعیت بازار و اقتصاد ایران! زمانی که ایران درآمدهای ارزی مکفی داشت نیز نتوانست ارز را تک‌نرخ کند.»

تولیدی و مصرفی شد. او در نهایت اسفندماه گذشته توسط نمایندگان مجلس شورای استیضاح و عزل شد.

آذرماه گذشته عبدالناصر همتی با توقف فعالیت بازار ارز نیمایی، بازار ارز تجاری را دایر کرد که قیمت‌ها در آن پیرو قیمت‌ها در بازار آزاد ارز بودند. واردکنندگان باید ارز مورد نیاز خود را که پیشتر از بازار نیمایی تهیه می‌کردند، ارز مورد نیاز را از بازار ارز تجاری تهیه می‌کردند که قیمت‌ها در آن طی یک بازه دو ماهه با ۵۰ درصد افزایش روبرو شد!

ماه گذشته نیز علی مدنی‌زاده وزیر جدید اقتصاد گفته سیاست محوری او تک‌نرخ‌کردن ارز خواهد بود. اگر چه تک‌نرخ‌کردن ارز از نظر منطق اقتصادی درست است و می‌تواند مقدمه ایجاد شفافیت اقتصادی باشد اما اجرای آن در شرایط کنونی اقتصاد می‌تواند تلاطم‌ها را افزایش و سبب بروز موجی از گرانی شود.

کامران ندری کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه گفته «تا زمانی که اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران انجام نشود،

عبدالمجید شیخی کارشناس اقتصاد کشاورزی در گفتگو با روزنامه «جهان صنعت» درباره عملکرد وزیر جهاد کشاورزی گفته «بخش کشاورزی نیز مانند تمام بخش‌های دیگر با چالش‌های فراوانی دست به گریبان است. امروزه شاهد هستیم که قیمت تمام شده تولید گندم، دو برابر سال گذشته است اما وزیر جهاد کشاورزی توانایی و فهم اقتصادی این موضوع را ندارد که اعلام کند هزینه‌های تولید اعم از هزینه‌های ارزی و هزینه‌های غیرارزی با قیمت خرید تضمینی همخوانی ندارد و باید طبق روند تورم قیمت خرید

از ۴۰۰ به حدود ۷۰۰ هزار تومان رسیده و کود وارداتی هم هنوز تعیین قیمت نشده است.»
نائب‌رئیس هیأت‌مدیره بنیاد ملی گندم با اشاره به اینکه دولت بخشی از مطالبات کشاورزان را نیز پرداخت نکرده است، افزود: بین ۱۰ تا ۱۵ درصد از مطالبات گندم‌کاران همچنان باقی مانده و این مسئله دست کشاورزان را برای ورود به فصل کشت، بسته است.
بطور کلی فعالان بخش اقتصاد کشاورزی معتقدند افزایش هزینه کشاورزان در کنار قیمت‌گذاری دستوری از

کارشناسان معتقدند برای افزایش قیمت کالاهایی مانند میوه و سبزیجات که عمده آن در داخل کشور تولید می‌شود عواملی مانند خشکسالی، بحران کمبود انرژی، افزایش نرخ حمل‌ونقل، افزایش قیمت حقوق و دستمزد از جمله دلایل افزایش قیمت‌ها بوده است.
طی روزهای گذشته گزارش‌هایی از افزایش قیمت کود منتشر شد. قیمت کود شیمیایی اوره تنها در یک سال ۷۴ درصد جهش داشته بطوری که تنها در یک سال گذشته قیمت هر کیسه کود شیمیایی اوره از ۳۹۵ هزار تومان به



تضمینی گندم و دیگر کالاهای اساسی به‌روزرسانی شود.»
این کارشناس اقتصاد کشاورزی با اشاره به بی‌توجهی غلامرضا نوری قزلقه به امنیت غذایی کشور، توضیح داده که «یک مدیر لایق و توانمند در بخش کشاورزی همواره باید داشته باشد که بخش کشاورزی تحت تأثیر شرایط آب‌وهوایی همواره دچار نوسانات «فصلی بودن» و آسیب‌پذیری طبیعی است و بالاترین نقشی که یک وزیر کشاورزی می‌تواند ایفا کند، هدف‌گذاری امنیت غذایی است. امنیت غذایی متکی به یک برنامه جامع تنظیم بازار است که دو بُعد عرضه و تقاضا را شامل می‌شود و نیازمند ابزارهایی مانند ذخیره‌سازی، تعریف سامانه‌های توزیعی، تعریف برنامه‌های حمایتی از تولید، تعریف برنامه‌های حمایت از توزیع و استفاده از عناصر توانمند بخش خصوصی و دولتی است.»

او همچنین به مواردی مانند افزایش شدید قیمت مواد غذایی در یک سال گذشته اشاره کرده و گفته «پیشتر برای تأمین و تنظیم قیمت گوشت در بازار ارز دولتی اختصاص داده می‌شد و گوشت به قیمت دولتی در اختیار مردم قرار می‌گرفت. نه تنها در حال حاضر این ارز قطع شده بلکه قیمت گوشت داخلی نیز جهشی باورنکردنی داشته است و عملاً مردم برای خرید یک کیلوگرم گوشت باید یک میلیون تومان بپردازند! در چنین شرایطی کارگری که ۱۰ میلیون تومان درآمد دارد و بخش اعظم درآمد خود را صرف اجاره مسکن می‌کند، چگونه می‌تواند در طول سال یک وعده (بلکه یک لقمه استخوان) گوشت مصرف کند؟ تمام این موارد نشان می‌دهد که آقای نوری قزلقه توانایی مدیریت این بخش کلیدی اقتصاد کشور را نداشته است.»

سوی دولت سبب زیان کشاورزان و بی‌انگیزه شدن آنها از ادامه فعالیت در این بخش است؛ موضوعی که عملکرد وزارت جهاد کشاورزی را زیر سوال می‌برد!
در همین رابطه داود رنگی عضو هیأت نمایندگان کشاورزی اتاق بازرگانی با تأکید بر اینکه «مشکل اصلی کشاورزی نه بارندگی کم، بلکه سیاست‌های نادرست قیمتی دولت است» گفته «مهم‌ترین عامل عقب‌ماندگی کشاورزی کشور کمبود دانش و تکنولوژی است. اگر این مسئله حل شود، حتی با همین میزان بارندگی که در کشور وجود دارد و در مقیاس کلان چندان هم کم نیست می‌توان محصولات کشاورزی مطلوبی تولید کرد و نیاز کشور به واردات کالاهای اساسی را به حداقل رساند.»

نارضایتی از عملکرد غلامرضا نوری قزلقه وزیر جهاد کشاورزی دولت پزشکیان که او نیز مانند رئیس دولت از نمایندگی مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت چهاردهم راه یافته بود، در ماه‌های گذشته افزایش یافته است.
دامنه این نارضایتی‌ها سبب شد ۴۶ تن از نمایندگان طرح سوال از وزیر جهاد کشاورزی را امضا و اعلام کنند که وزارت جهاد کشاورزی دچار روزمرگی شده و کشاورزی و دامداری در حال نابودی است؛ همچنین مشکلاتی هم بر اثر عملکرد وزارتخانه در حوزه منابع طبیعی و آب‌خیزداری به وجود آمده است.

نیمه امرداد وزیر جهاد کشاورزی به مجلس شورای اسلامی فراخوانده شد و در نهایت هم پاسخ‌هایی فراقکنانه به سوالات نمایندگان داد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی همچنان معتقدند عملکرد وزیر جهاد کشاورزی بازی با امنیت غذایی کشور است!

۶۸۸ هزار تومان رسیده است.
بر اساس گزارش‌ها علت اصلی کمبود و گرانی کود، نرسیدن گاز به کارخانجات تولید کود شیمیایی در زمستان بود که باعث توقف تولید شد. در نتیجه در زمان حساس اسفند و اوایل فروردین، کود در دسترس کشاورزان قرار نگرفت.
قدمعلی بوربور نائب رئیس هیئت مدیره بنیاد ملی گندم نیز با هشدار نسبت به چالش امنیت غذایی در کشور، گفته «قطع مکرر برق، کمبود آب، افزایش هزینه نهاده‌ها و بالاتر کیفی الگوی کشت، تولید کشاورزی را به یک سوم کاهش داده و کشور را با چالش جدی در تأمین گندم و علوفه روبرو کرده است.»

نائب رئیس هیئت مدیره بنیاد ملی گندم افزوده «در سال زراعی گذشته حدود ۱۲ میلیون تن گندم برداشت شد، اما امسال به دلیل کمبود انرژی و مشکلات آبیاری، میزان تولید به حدود ۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تن کاهش یافت. این یعنی افتی بین ۳۵ تا ۴۰ درصد که در تاریخ کشاورزی کشور کم‌سابقه است.»

او مشکلات فعلی را فراتر از گندم دانسته و گفته «در بخش علوفه نیز، وضعیت بحرانی است. قیمت پونجه و نهاده‌های دامی سر به فلک کشیده، در حالی که تولید کاهش شدیدی داشته است. این یعنی امنیت غذایی دام هم در معرض خطر است و با ادامه این روند، در نهایت به گرانی لبنیات و گوشت منجر خواهد شد.»

قدمعلی بوربور افزوده «تنها یک‌ماه تا آغاز سال زراعی ۱۴۰۵ باقی مانده است، اما هنوز الگوی کشت ابلاغ نشده و تکلیف قیمت‌گذاری نیز مشخص نیست. از سوی دیگر، هزینه نهاده‌ها جهش پیدا کرده است؛ قیمت کود شیمیایی

مکانیسم ماشه؛ کابوس جدید اقتصاد دیجیتال در ایران



● بخش اقتصاد دیجیتال ایران که با مشکلات ساختاری از جمله محدودیت‌های شدید اینترنتی روبروست و از خردادماه امسال و با جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی، فشارهای امنیتی گسترده و محدودکننده‌ای را تحمل کرده، حالا در معرض پیامدهای اجرای مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد.

● فعالان بخش اقتصاد دیجیتال می‌گویند یکی از مهمترین مشکلات ناشی از تحریم‌ها برای کسب و کارهای آنلاین در ایران، قطع ارتباط با درگاه‌های پرداخت بین‌المللی است؛ درگاه‌هایی مانند پی‌پال، اسکریل و نتلر.

● رضا الفت نسب رئیس اتحادیه کسب و کارهای اینترنتی موضوع «اخراج نیروی کار» را به عنوان یکی از پیامدهای اجرای مکانیسم ماشه در اقتصاد دیجیتال و یکی از ابزارهای مدیران برای کاهش هزینه‌ها در شرایط بحران مورد تأکید قرار داده است.

اقتصاد دیجیتال در ایران یکی از بخش‌های نوپا، پویا و در عین حال زیر فشار است که موقعیت آن با فعال شدن مکانیسم ماشه می‌تواند شکننده‌تر از پیش شود. این در حالیست که مشکلات موجود در ساختار اقتصاد کشور، محدودیت‌های شدید اینترنتی و نگاه امنیتی حکومت بر این بخش سبب خسارت گسترده شرکت‌ها و استارت‌آپ‌های فعال در این بخش شده است.

روند فعال شدن مکانیسم ماشه یا «اسنپ‌بک» از سوی سه کشور اروپایی عضو برجام آغاز شده و نخستین اثرات این اقدام در بازارهای ارز و طلا نمایان شده است. بخش‌های مختلف اقتصاد ایران با فعال شدن مکانیسم ماشه متأثر شده و شرایط دشوارتری نسبت به امروز خواهند یافت.

بخش اقتصاد دیجیتال ایران که با مشکلات ساختاری از جمله محدودیت‌های شدید اینترنتی روبروست و از خردادماه امسال و با جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی، فشارهای امنیتی گسترده و محدودکننده‌ای را تحمل کرده، حالا در معرض پیامدهای اجرای مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد.

رضا الفت نسب رئیس اتحادیه کسب و کارهای اینترنتی درباره اثرات فعال شدن مکانیسم ماشه بر اقتصاد دیجیتال ایران گفته «همین الان هم کسب و کارهای اینترنتی با مشکلات ناشی از تحریم‌ها مواجه هستند و اسنپ بک می‌تواند این مشکلات را تشدید کند.»

او افزوده «در حال حاضر نیز به دلیل التهاب ناشی از بازگشت تحریم‌ها قیمت دلار رو به افزایش است که تأثیر مستقیمی بر قیمت کالاها خواهد داشت. هر چه تورم بیشتر باشد قدرت خرید مردم کاهش یافته و کسب و کارهای اینترنتی و خرده فروشی‌های آنلاین آسیب خواهند دید.»

رئیس اتحادیه کسب و کارهای اینترنتی با اشاره اینکه «از زمان جنگ ۱۲ روزه مردم سیاست خرید کالاهای ضروری را در پیش گرفته‌اند و به دلیل افزایش قیمت‌ها قدرت خریدشان کاهش یافته»، می‌گوید: «کسب و کارهای اینترنتی همین الان هم شرایط سختی را از سر می‌گذارند. به هر حال در شرایط انقباضی اقتصاد مردم با احتیاط خرج می‌کنند، سفره کوچک‌تر و خریدها جمع و جورتر شده است. ما هم همچون صنوف دیگر تحت تأثیر شرایط ناشی از اقتصاد تحریمی خواهیم بود»

رضا الفت نسب همچنین موضوع «اخراج نیروی کار» را

کسب درآمد می‌کردند.

فعالان بخش اقتصاد دیجیتال در حالی این روزها درگیر چگونگی حفظ کسب و کار خود با بازگشت تحریم‌های بین‌المللی هستند که در هفته‌های گذشته نیز با بحران‌های شدیدی روبرو بودند.

با آغاز جنگ ۱۲ روزه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل محدودیت‌های اینترنتی افزایش پیدا کرد؛ اینترنت برای روزهای متوالی خاموش بود و پس از اتصال دوباره شبکه، کاهش سرعت و فیلترینگ تشدید شد. دولت علت این محدودیت‌ها را ملاحظات امنیتی عنوان کرده است.

گزارش «اسپیدتست» از وضعیت اینترنت جهان در ژوئیه ۲۰۲۵ نشان می‌دهد سرعت اینترنت سیار در کشور کاهش پیدا کرده است.

انجمن تجارت الکترونیک به تازگی در پنجمین گزارش وضعیت کیفیت اینترنت ایران اعلام کرد «ایران با قرارگرفتن در رتبه ۹۵ بدترین وضعیت کیفیت اینترنت در میان صد کشور اول GDP یا همان بزرگ‌ترین کشورها در حوزه اقتصاد را دارد».

بر اساس گزارش انجمن تجارت الکترونیک، استفاده اینترنت در ایران فقط از کشورهای کوبا، ترکمنستان، کامرون، آنگولا، سودان، کنگو و اتیوپی وضعیت بهتری دارد. در آنسو اما نگاه امنیتی شدیدی به کسب و کارهای اقتصاد دیجیتال کشور به راه افتاده که فعالان اقتصاد دیجیتال بارها در اینباره هشدار داده‌اند.

ماه گذشته بیش از ۱۰۰ شرکت و استارت‌آپ پشرو در اقتصاد دیجیتال کشور، با امضای بیانیه‌ای خواستار پایان دادن به سیاست‌های محدودکننده اینترنت شدند.

چند روز پیشتر نیز مدیران چند شرکت بزرگ تجارت الکترونیک ایران در نامه‌ای به مسعود پزشکیان خواستار پایان دادن به نگاه امنیتی به فضای اقتصاد دیجیتال کشور شدند. انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی نیز در بیانیه‌ای کم‌سابقه نسبت به موج تازه فشارها و محدودیت‌ها علیه پلتفرم‌های آنلاین کشور هشدار داد.

به عنوان یکی از پیامدهای اجرای مکانیسم ماشه در اقتصاد دیجیتال و یکی از ابزارهای مدیران برای کاهش هزینه‌ها در شرایط بحران مورد تأکید قرار داده است.

او گفته «در بحران‌های اقتصادی اینچنینی از آنجا که با کاهش فروش و افزایش هزینه‌ها مواجه شوند، ممکن است به عنوان یکی از آخرین راهکارها به سراغ گزینه تعدیل نیرو هم بروند تا از این طریق هزینه‌های پرداخت حقوق و بیمه را کاهش دهد. در شرایط بحرانی اقتصادی شاهد بودیم نیروی کار آسیب دیده است.»

فعالان بخش اقتصاد دیجیتال می‌گویند یکی از مهمترین مشکلات ناشی از تحریم‌ها برای کسب و کارهای آنلاین در ایران، قطع ارتباط با درگاه‌های پرداخت بین‌المللی است؛ درگاه‌هایی مانند پی‌پال، اسکریل و نتلر. این موضوع نه تنها پرداخت‌های کاربران خارجی به استارت‌آپ‌های ایرانی را غیرممکن کرده بلکه حتی گردشگران خارجی را هم در ایران برای پرداخت آنلاین با مشکل روبرو می‌کند.

اکنون با فعال شدن مکانیسم ماشه، این محدودیت‌ها شدیدتر می‌شود و در عمل هر گونه فروش بین‌المللی برای استارت‌آپ‌های ایرانی غیرممکن خواهد بود. به همین دلیل بسیاری از فعالان این بخش مجبورند یا دور فروش خارجی را خط بکشند یا با واسطه‌های خارج از کشور کار کنند؛ روشی پرریسک که همیشه خطر بلوکه شدن پول را به همراه دارد و البته دامنه سود برای شرکت‌های ایرانی را هم کاهش می‌دهد.

بخش اقتصاد دیجیتال ایران اگر چه بخشی نوپا است اما به شدت پویاست و کارآفرینان زیادی را به خود جذب کرده است. استارت‌آپ‌های موفق طی سالهای گذشته توانسته‌اند در ایران ظهور کنند که البته با توجه به محدودیت‌های شدید اینترنتی، برخی از کارآفرینان، کسب و کار خود را به دیگر کشورها از جمله قطر و ترکیه منتقل کرده‌اند.

آمارها نشان می‌دهد بیش از ۳۲ هزار عنوان شغلی آنلاین در بخش اقتصاد دیجیتال ایران فعال هستند. همچنین در سال ۱۴۰۰، حدود ۱۱ میلیون نفر از طریق شبکه‌های مجازی

فاجعه؛ مهاجرت ۵۷۰ پرستار از ایران فقط طی پنج ماه



● به گفته معاون پرستاری وزارت بهداشت «به ازای هر تخت باید ۱/۸ گروه پرستاری حضور داشته باشد که در کشور ما این نسبت ۰/۹۵ است».

● در حال حاضر پرستاران شاغل هفت ماه مزایای مربوط به تعرفه پرستاری و سه ماه اضافه کاری طلبکار هستند.

● رئیس سازمان نظام پرستاری کمبود پرستار در تهران را فاجعه خوانده و گفته «کمبود پرستار به تخت، یک فاجعه مدیریتی در حوزه نظام سلامت است؛ زیرا هر پرستار بجای دو نفر کار می‌کند».

● شمار زیادی از دانش‌آموختگان پرستاری طی سال‌های گذشته به علت دستمزد ناچیز، عدم پرداخت به موقع حقوق و مزایا، اضافه‌کاری اجباری و... استعفا داده‌اند و بخش زیادی از آنها مهاجرت کرده و شمار قابل توجهی خانه‌نشین هستند.

● پرستاران در ایران درآمدی تقریباً بین ۲۵۰ تا ۴۵۰ دلار دارند که البته همین حقوق‌های دریافتی نیز با تعویق چندماهه روبرو می‌شود.

درمانی و کاهش کیفیت خدمات درمانی» از جمله این تبعات هستند.

رضا لاری‌پور افزوده اولین آسیبی که به سبب از دست دادن نیروهای متخصص درمانی به نظام سلامت وارد می‌شود، متوجه گیرندگان خدمات درمان و سلامت یعنی مردم خواهد بود. مردم به عنوان صاحب حق در کشور از خدمات سلامت بی‌بهره خواهند شد.

او دومین آسیب را افزایش فشار بر نیروهای ارائه دهنده خدمات درمانی ارزیابی کرده و گفته «در واقع نیروی ارائه دهنده خدمات درمانی و سلامت - اعم از پزشک یا پرستار و... باید کار بیشتری انجام بدهد که همین افزایش فشار ناخودآگاه منجر به کاهش کیفیت خدمات سلامت خواهد شد و لذا بار بیماری افزایش پیدا می‌کند که همین افزایش بار بیماری، هزینه بیشتری را بر فرد بیمار یا دریافت‌کننده خدمات درمانی تحمیل خواهد کرد و در کنار آن نیز هزینه سنگینی بر دولت و مشخصاً وزارت بهداشت وارد خواهد شد».

بسته شدن برخی از بخش‌های بیمارستانی به علت کمبود پرستار در ماه‌های گذشته مورد اشاره فعالان صنفی حوزه درمان بوده است. اکنون رضا لاری‌پور نیز گفته «نبود یا کمبود نیرو نیز باعث بسته شدن بسیاری از مراکز خدمات درمانی خصوصی یا دولتی یا حتی خیریه خواهد شد و همین باعث می‌شود که دسترسی مردم به خدمات درمانی محدود و البته گران شود».

به گفته سحنگوی نظام پزشکی «از دست دادن نیروهای متخصص و مرتبط در حوزه سلامت که دولت برای آنان از محل مالیات مردم برای آموزش آنان هزینه کرده است مصداق از دست رفتن این هزینه‌ها خواهد بود و اهمیت این مساله زمانی دوچندان خواهد شد که بدانیم پیدا کردن جایگزین این افراد منوط به نوع تخصص بین ۴ تا ۲۴ سال زمان می‌برد و این بدان معناست که باید یک نسل بگذرد تا ما بتوانیم، افراد مناسبی را دوباره جایگزین آنان کنیم».

معوقات چند ماهه، معیشت کادر درمان به‌ویژه پرستاران را در شرایط سختی قرار داده است؛ آن هم در زمانی که کشورهای حوزه خلیج فارس برای کادر درمان چندین برابر ایران دستمزد پرداخت می‌کنند و همین امر موجب افزایش نرخ مهاجرت کادر درمان شده است.

این گزارش نوشته توجه به مطالبات نیروی انسانی از جمله دستمزد و تسهیلات، تامین تجهیزات و امکانات و تاسیسات درمانی و نیز ایجاد فرصت پیشرفت علمی از جمله مهم‌ترین مواردی است که حوزه سلامت برای جلوگیری از مهاجرت نیروهای متخصص به آن نیازمند است.

بر اساس گزارش «دنیای اقتصاد» آلمان، دانمارک، فنلاند، کانادا، نیوزیلند و اخیراً ترکیه و امارات و عمان و... همگی در لیست‌های پیشنهادی اقامتی ذکر شده‌اند و قسمت جذاب‌تر ماجرا آنجا است که پرستاران بین درآمد پیشنهادی کشورها با حقوق دریافتی خودشان در ایران بخواهند محاسبه و مقایسه‌ای را انجام بدهند.

پرستاران در ایران درآمدی تقریباً بین ۲۵۰ تا ۴۵۰ دلار دارند که البته همین حقوق‌های دریافتی نیز با تعویق چندماهه روبرو می‌شود و این در حالی است که همین پرستار در کشورهای اروپایی تقریباً بین ۲۵۰۰ تا ۳۲۰۰ دلار درآمد ماهانه دارد و در بعضی از کشورها و بنا بر نوع تخصص و سوابق کاری و تجربه این درآمد ماهانه تا مرز ۶۲۰۰ دلار و حتی بیشتر افزایش پیدا می‌کند.

رضا لاری‌پور، سخنگوی نظام پزشکی کشور، به روزنامه «دنیای اقتصاد» گفته عدم توجه به مطالبات نیروی انسانی و شرایط تجهیزات و امکانات در حوزه سلامت مهم‌ترین عواملی هستند که باعث شده تا جامعه پزشکی و پرستاری کشور جذب کشورهای دیگر با حقوق‌های چند برابری شوند.

سحنگوی نظام پزشکی کشور همچنین با اشاره به تبعات مهاجرت گسترده پرستاران از ایران گفته «بسته شدن مراکز درمانی، محدودیت و گرانی دسترسی شهروندان به خدمات

معاونت پرستاری وزارت بهداشت از مهاجرت ۵۷۰ پرستار از ایران طی پنج ماه گذشته خبر داده است. گزارش‌ها حاکی از آنست که مشکلات صنفی مانند عقب افتادن چند ماهه حقوق و مزایای شغلی، اضافه‌کاری اجباری و تعرفه‌های ناچیز درآمدی و شیفت‌های طولانی از مهمترین عوامل مهاجرت پرستاران از کشور است.

عباس عبادی معاون وزیر بهداشت بار دیگر بر کمبود ۱۰۰ هزار پرستار در ساختار درمانی ایران اشاره کرده و گفته از ابتدای سال و طی پنج ماه گذشته ۵۷۰ پرستار از ایران مهاجرت کرده‌اند. او مهاجرت پرستاران را عامل «خسارت‌های اقتصادی و اجتماعی زیاد» عنوان کرده است.

عباس عبادی ماه گذشته نیز با اشاره به کمبود پرستار در ساختار درمانی کشور گفته بود «به ازای هر تخت باید ۱/۸ گروه پرستاری حضور داشته باشد که در کشور ما این نسبت ۰/۹۵ است».

معاون وزیر بهداشت به مشکلات صنفی پرستاران که سبب خروج آنها از ساختار درمان کشور شده اشاره کرده و گفته بود در حال حاضر پرستاران شاغل هفت ماه مزایای مربوط به تعرفه پرستاری و سه ماه اضافه کاری طلبکار هستند.

احمد نجاتیان رئیس سازمان نظام پرستاری نیز به تازگی کمبود پرستار در تهران را فاجعه خوانده و گفته بود: «کمبود پرستار به تخت، یک فاجعه مدیریتی در حوزه نظام سلامت است؛ زیرا هر پرستار بجای دو نفر کار می‌کند».

شمار زیادی از دانش‌آموختگان پرستاری طی سال‌های گذشته به علت دستمزد ناچیز، عدم پرداخت به موقع حقوق و مزایا، اضافه‌کاری اجباری و... استعفا داده‌اند؛ هزاران پرستاران با جذب در ساختار درمانی دیگر کشورها مهاجرت کرده و دست‌کم ۵۰ هزار پرستار در ایران نیز خانه‌نشین هستند و اشتغال در ساختار درمان ایران را به صرفه ارزیابی نمی‌کنند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز هفته جاری در گزارشی بر لزوم «مراقبت اقتصادی از پرستاران» تأکید کرده و نوشته







عکس هفته | به ترتیب قد!

شی جینپینگ رئیس جمهور چین، نارندرا مودی نخست وزیر هند و ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در نشست «شورای همکاری شانگهای» که از ۳۱ اوت تا ۱ سپتامبر ۲۰۲۵ در شهر تیانجین چین برگزار شد. از این سه کشور، با منافع گاه متضاد، به عنوان قطبی در برابر «غرب» و به ویژه آمریکا نام برده می‌شود.